رسانه قطری چطور یکه‌تاز خبررسانی در ماجرای غزه شد؟

لطفا سند تحول الجزیره را اجرا کنید

۱۲ و ۱۳

فرهیختگان

ولادت امام حسن عسگری(ع) را به محبان اهل‌بیت تبریک می‌گوییم

روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران

صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه

۵۰۰۰ تومان

فصل جدید رادیو مضمون: روایت سال‌های جنگ

شماره مسلسل ۴۷۲۷

سه‌شنبه ۲ آبان ۱۴۰۲

۸ ربیع‌الثانی ۱۴۴۵

۲۴ اکتبر ۲۰۲۳

شماره ۳۹۸۹

www.Fdn.ir | Tue | 24 Oct 2023 | vol.15 | No. 3989 | 16 Pages

نشست تهران با حضور وزرای خارجه ۵ کشور درگیر مساله قفقاز کنش فعال ایران در تحولات حساس منطقه بود

قفقاز بدون ناتو، بدون اسرائیل

صفحه ۷

عکس: فروغ طاهرخانی | مهر

«فرهیختگان» نتایج نظرسنجی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات را منتشر می‌کند

جامعه ایران درباره فلسطین چطور فکر می‌کند

۱۴، ۱۵

مجلس در فرآیند بررسی برنامه هفتم یک تبصره دردسرساز را حذف کرد

مجوز زمین‌خواری به اسم گردشگری باطل شد

۲

آزمون ورودی دانشگاه‌ها پس از چین در ژاپن و کره تغییر خواهد کرد

فرمول تحول کنکور به روش شرقی

۶

کیستی مردم ایران

یادداشت

ابوالقاسم رحمانی
دستیار سردبیر

پیش‌تر در سرویس جامعه روزنامه «فرهیختگان» و حالا در سرویس پرونده، مکرر به تصمیمات و سیاست‌هایی برمی‌خوردم که در خوشبینانه‌ترین حالت ممکن، یعنی کمی بعدتر از نگاه اول و با کمی جست‌وجو و تحقیق به سلیقه‌ای بودن و عدم جامعیت آن برای یک جامعه متکثر پی می‌بردم. موضوعاتی که ایده اولیه آنها که شاید در بسیاری از مواقع ایده خیر و مثبتی بوده رانه تنها محقق نمی‌کرد که کمی بعد به ضد خودش هم تبدیل شده و مسیر را برای اصلاح و به‌کارگیری یک سیاست صحیح هم مسدود می‌کرد. شاهد مثال هم برای چنین موضوعات و مسائلی کم نیست، از آخرین‌ها می‌توان به ماجرای طرح صیانت از فضای مجازی با آن همه اصلاحیه و حاشیه اشاره کرد و رسید به لایحه عفاف و حجاب و ویرایش‌های متعددی که داشته است. بنابراین با بررسی موارد و تجربیات گذشته و با نگاهی به مسیر پر فراز و نشیب پیش‌رو، ضمن آسیب‌شناسی این مدل از حکمرانی که شاید سلیقه‌ای بودن و انطباق آن با ایده‌های شخصی و بی‌پشتوانه بهترین توصیف برای آنها باشد، سعی می‌کنیم به صورت پرونده‌ای در قالب‌های مختلف گزارش و گفت‌وگو و غیره، با به چالش کشیدن مسیرهای گذشته و طی شده، جایگزین‌های مطلوب و موجود را معرفی و بررسی کنیم.

سیاستگذاری برمبنای اطلاعات و پیمایش‌های متعدد، شاید یکی از کم‌هزینه‌ترین و در عین حال کم‌خطاترین انواع سیاستگذاری‌ها باشد که معایب نوع موجود حکمرانی را نداشته و مزایای زیادی را هم به همراه خود دارد. البته این به معنی بی‌عیب و نقص بودن افکارسنجی‌ها و اطلاعات و نتایج حاصل از آنها نیست، اما در حداقلی‌ترین برداشت و سود حاصل از اتکا به پیمایش‌ها، نتایج حاصل از نظرسنجی‌ها در گام نخست این مساله را در ذهن سیاستگذار و تصمیم‌ساز می‌سازد که ما با یک جامعه متکثر در ایران مواجهیم. این ادعا را نتایج تعداد قابل توجهی از پیمایش‌های صورت‌گرفته و معتبر تصدیق می‌کنند. ما با جامعه‌ای مواجهیم که در بسیاری از موارد اندک قرابتی با سیاست‌های اتخاذی و مدل حکمرانی در پیش گرفته ندارد و تکرار این رویه او را از نهادهای تصمیم‌گیر و درنهایت کل حاکمیت دور و ناامید می‌کند. البته ناگفته نماند این روایت از وضع موجود مبتنی بر نگاه خوشبینانه است. یعنی فرض نگارنده بر اتفاقی بودن و تعمدی نبودن برخی تصمیمات برای کل جامعه است، اگر نه در غیر این صورت، افکارسنجی‌ها، اطلاعات و آمار و تحلیل‌ها، برای سیاستگذاری که در یک حلقه محدود محصور مانده و تکثر موجود در جامعه ایرانی را نادیده می‌گیرد و برای طبقات و گروه‌های مختلف جامعه شأنی قائل نیست، کانه آب در هاون کوبیدن است. پس با همان نگاه خوشبینانه، جنس سیاستگذاری برای فضای مجازی که همردیف نان شب برای مردم ضروری است، تصمیم‌گیری درباره مساله حجاب که سال‌های سال زیر سایه سیاست‌های بی‌اثر فرهنگی تبدیل به پاشنه آشیل حکمرانی شده و سرآخر هزینه زیادی را هم به کشور تحمیل کرد، جنس سیاست‌ورزی در صداوسیمای ملی و تولیدات فرهنگی و... همه نیاز به یک بازنگری جدی دارند که این بازبینی و خانه‌تکانی در نوع حکمرانی نیازمند رویه‌ای جایگزین و شناخت جامعه‌ای است که بدون شناخت تکثر موجود در آن، نمی‌توان برای اکثریت سیاستگذاری کرد. با همین دست فرمان در روزنامه «فرهیختگان» و سرویس پرونده، به روایت برخی از نتایج حاصل از پیمایش‌های معتبر کشور می‌پردازیم تا شاید سیاستگذار و تصمیم‌گیر، ذائقه مخاطب و جامعه ایرانی را فهم و در ادامه مسیر حکمرانی و سیاست‌ورزی آن را به کار بندد. از هر مجموعه‌ای که در زمینه‌های مختلف دست به افکارسنجی زده است و اطلاعات و گزاره‌هایی از جامعه ایرانی دارد و می‌تواند به ما در فهم «کیستی مردم ایران» کمک کند، دعوت می‌کنیم تا در قوام این پرونده مهم همراه و هم مسیر ما باشد.

جنگ تمام‌عیار در فلسطین؟ شاید وقتی دیگر!

یادداشت

مهدی وفائی‌فرد
خبرنگار حوزه امنیتی دفاعی

به چهاردهمین روز از طوفان الاقصی رسیدیم. طوفانی که شکاف‌های عمیقی در نظام رژیم صهیونیستی ایجاد کرده که اثرات آن به سادگی از بین نخواهد رفت. رژیم اشغالگر که از روز دوم وعده حمله زمینی را داده بود، هنوز در انجام این کار تردید دارد. محمد ضیف، فرمانده ناشناخته گردان‌های قسام (شاخه نظامی حماس) گفته منتظر حمله زمینی است تا از غافلگیری‌های خود رونمایی کند. از طرفی همچنان پرتاب راکت‌های غزه به شهرک‌های صهیونیستی و تل‌آویو ادامه دارد تا مقاومت نشان دهد انبار راکت‌های غزه از همیشه پرتر است. ایران و حزب‌الله لبنان هشدار داده‌اند ورود به غزه با هدف کوچاندن فلسطینی‌ها و نابودی حماس خط قرمز مقاومت است. جبهه شمال نیز در فلسطین اشغالی فعال شده و حزب‌الله به‌طور هدفمند پایگاه‌های شنود و اطلاعات نزدیک به مرز لبنان را هدف قرار می‌دهد تا هم هشداری به مقامات تل‌آویو باشد و هم چشم اطلاعاتی رژیم را برای جنگ احتمالی کور کند. سفر بایدن به فلسطین اشغالی، تحت‌تاثیر بمباران بیمارستان المعمدانی، تقریبا بی‌ثمر بود. او قرار بود به جز تل‌آویو به اردن سفر کند و با سران اردن، مصر و دولت خودگردان فلسطین یک نشست چهارجانبه داشته باشد؛ اما این سفر لغو شد. بایدن آمده بود تا ثمره سفر وزیر امور خارجه‌اش به کشورهای عربی و توافق شفاهی برای کوچاندن مردم غزه به صحرای سینا در مصر و سپس تقسیم آنان بین کشورهای عربی را به نتیجه برساند. اما واکنش افکار عمومی جهان عرب و تجمعات مردمی در سرتاسر دنیا به کشتار غیرنظامیان در غزه، هرچه رشته بودند را پنبه کرد. او در دیدار با نتانیاهو نیز هرچند وعده حمایت از اسرائیل را داد اما این را هم گفت که قرار نیست هیچ سرباز آمریکایی‌ای در این جنگ وارد عمل شود. در سوی دیگر تهران می‌داند ورود به یک جنگ، چقدر می‌تواند از نظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی او را تحت فشار قرار دهد. سرمایه‌گذاری چندساله جمهوری اسلامی برای تقویت بازوهای مقاومت در غرب آسیا، امروز به کمکش آماده است. نیروهای حشدالشعبی عراق به خصوص کتائب حزب‌الله و جنبش النجبا، انصارالله یمن، گروه‌های مستقر در سوریه و حزب‌الله لبنان، چهار بازوی اصلی ایران هستند. تیرهای هشدار تهران یکی یکی شلیک می‌شوند. حمله کنترل‌شده به پایگاه‌های آمریکایی در عراق و سوریه، شلیک چند موشک کروز و گسیل کردن یک دسته پهپاد از یمن به سمت فلسطین اشغالی و درگیری‌های حزب‌الله در جنوب لبنان مجموعه‌ای از فشار تهران به سران واشنگتن و تل‌آویو است تا از ورود زمینی به غزه جلوگیری شود. آنچه تاکنون دو طرف درگیری گفته و در عمل نشان داده‌اند، عدم تمایل به گسترده شدن درگیری است. گویا هر دو به فرسایشی کردن درگیری‌ها فکر می‌کنند. رژیم صهیونیستی، همچون همیشه راهبرد موازنه وحشت را در پیش گرفته است؛ پاسخ خشونت‌بار و سخت به هر حمله‌ای تا از تکرار آن جلوگیری شود. تاکید چندباره برای حمله زمینی و فراخوان نیروهای ذخیره ارتش از سرتاسر دنیا و تعلل در این حمله را می‌توان در راستای همین راهبرد تفسیر کرد. همچنین او توانسته با محاصره‌ای بی‌سابقه و قطع آب شمال غزه، بخش زیادی از مردم غزه را به سوی جنوب کوچ دهد. جنگ فرسایشی کمک خواهد کرد تا این کوچ بزرگ با خروج فلسطینی‌ها به صحرای سینا به سرانجام برسد. واضح است که در این بین، چشم امید او به دیپلماسی ایالات متحده است تا کشورهای عربی را برای این برنامه بزرگ راضی کند. در سوی دیگر، مقاومت در سال‌های اخیر به دقت مسائل داخلی اسرائیل را زیر نظر داشته است. تحلیل مقاومت این است که رژیم اشغالگر قدس، نه با زور موشک و گلوله که از درون باید مضمحل شود. فشار مقاومت نیز تنها به عنوان کاتالیزور به این فروپاشی از درون کمک خواهد کرد. اسرائیل کشور مهاجران است و امنیت پاشنه آشیل آن. مهاجر جز با وجود امنیت حاضر به رها کردن وطن و مهاجرت به اسرائیل نیست. حال راهبرد مقاومت برای نابودی رژیم صهیونیستی، به جای یک نبرد تمام‌عیار با هزینه‌های بالا، به سمت نابودی پایه اقتدار آن یعنی امنیت رفته است. مقاومت عجله‌ای برای نابودی رژیم ندارد و جنگ فرسایشی را بهترین راه‌حل برای اضمحلال رژیم می‌داند. این راهبرد کم‌کم باعث خروج مهاجران و به تبع آن کاهش سرمایه‌گذاری در اسرائیل خواهد. همین موضوع می‌تواند شکاف‌ها را نیز در سطح اجتماعی و سیاسی در درون جامعه رژیم صهیونیستی افزایش دهد. از سوی دیگر، یکی از اهداف مقاومت، پایان دادن به دومینوی پیوستن کشورهای عربی به پیمان ابراهیم بود. عربستان سعودی که می‌رفت تا در آینده‌ای نزدیک این پیمان را امضا کند، تحت تاثیر افکار عمومی فعلا عقب‌نشینی کرده است. همچنین از آغاز درگیری‌ها در فلسطین اشغالی، مواضع صریح مقاومت در حمایت از مردم غزه، چهره مقاومت را در جوامع عربی بازسازی کرده است. رسانه‌های عربی مخالف نظام سوریه، به خصوص الجزیره والعربیه، در طول درگیری گروه‌های مسلح و تروریستی در سوریه، با وارونه‌نمایی وقایع، ایران و حزب‌الله را دشمنان مردم سوریه و دیگر ملت‌های عربی معرفی کرده و چهره محور مقاومت را مخدوش کرده بودند. اما اینک سر دادن شعارهایی در حمایت از سید حسن نصرالله و درخواست از او برای حمله به رژیم صهیونیستی، در تجمعات مردمی کشورهای عربی نشان می‌دهد چشم امید آنان برای نابودی اسرائیل به محور مقاومت است. با این شرایط، به نظر می‌رسد آن‌چه در آینده شاهد آن خواهیم بود، حمله زمینی محدود رژیم صهیونیستی به شمال غزه و خروج از آن، و به تبع آن افزایش درگیری‌ها در شمال لبنان خواهد بود. اسرائیل به بهانه آزادی اسرای اسرائیلی و دوتابعیتی و نابودی سران حماس وارد شمال غزه خواهد شد اما با بالا رفتن تلفات نیروهای زرهی و پیاده‌اش، کاری از پیش نخواهد برد. سران تل‌آویو می‌دانند آغاز نبرد زمینی زمینه‌ای برای قبول آتش‌بس آبرومندانه خواهد بود تا درنهایت اسرای خود را در مبادله با هزاران اسیر فلسطینی آزاد کنند. در صورت عزم سران تل‌آویو برای ضمیمه کردن بخشی از نوار غزه به خاک فلسطین اشغالی، نیروهای مقاومت در لبنان برای پس گرفتن مزارع شبعا که طبق قوانین بین‌المللی جزء خاک لبنان است، اقدام خواهند کرد. همچنین ممکن است شاهد تحرکاتی برای نفوذ نیروهای مقاومت از سوریه به بلندی‌های جولان .که جزیی از خاک سوریه و در اشغال اسرائیل به شمار می‌رود. نیز باشیم. اما آنچه می‌تواند روشن باشد، پرهیز طرفین این درگیری برای آغاز یک جنگ تمام‌عیار است؛ چراکه گسترده شدن جنگ بین رژیم صهیونیستی و نیروهای مقاومت، ایالات متحده، کشورهای عربی و ایران را هم درگیر خواهد کرد و به نظر نمی‌رسد هیچ‌یک تمایلی به آن داشته باشند.

علی سرزعیم در نشست مجمع کارآفرینان ایران:

بانک مرکزی در کاهش نقدینگی موفق عمل کرده است

نشست آینده‌کاوی اقتصاد ایران با محور تحلیلی بر اقتصاد کلان ایران، آخرین تحولات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و آینده صنعت به همت مرکز مطالعات استراتژیک مجمع کارآفرینان ایران صبح روز دوشنبه یکم آبان ماه ۱۴۰۲ در محل مجمع برگزار شد.

به گزارش مرکز اطلاع‌رسانی مجمع کارآفرینان ایران، در این نشست علی سرزعیم، رئیس مرکز مطالعات استراتژیک مجمع کارآفرینان ایران با اشاره به تحولات حوزه تولید در بخش‌های مختلف اقتصاد کشور گفت: «براساس آخرین آمارها، اندازه اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۱ به بالاتر از سطح قبل از تحریم‌ها رسیده است و در مرحله احیا از تکانه تحریم است.» سرزعیم به عملکرد بخش نفتی و غیرنفتی ایران اشاره کرد و گفت: «بخش غیرنفتی اقتصاد ایران در برابر تحریم مقاومت بالایی داشته است به طوری که نرخ رشد محصول ناخالص داخلی در سال ۱۴۰۱ به بالای ۴ درصد رسیده و این در حالی است که این عدد در سال ۱۳۹۸ چیزی در حدود ۳ درصد بوده است.» وی افزود: «آمارهای بانک مرکزی و مرکز آمار ایران در خصوص نرخ رشد در بخش‌های مختلف اقتصاد متفاوت گزارش شده است. به طور مثال بانک مرکزی رشد بخش کشاورزی را ۱٫۱ درصد اعلام کرده است درحالی‌که گزارش مرکز آمار ایران عدد منفی ۴٫۴ را نشان می‌دهد و در بخش‌های دیگر نیز آمارهای دو مجموعه متفاوت از یکدیگر هستند.» رئیس مرکز مطالعات استراتژیک مجمع کارآفرینان ایران با اشاره به پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول از رشد اقتصادی ایران اظهار کرد: «رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ به ترتیب ۴.۷ و ۲.۵ درصد بوده است و پیش‌بینی این صندوق برای سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ به میزان ۲ درصد اعلام شده است. سرزعیم در ادامه بیان کرد: «در تقسیم‌بندی که توسط مرکز آمار ایران صورت گرفته است، بخش خدمات با ۴۸ درصد حدود نیمی از اقتصاد ایران را شامل می‌شود و گروه صنایع و معادن با ۴۳ درصد و گروه کشاورزی با ۹ درصد در رتبه دوم و سوم قرار دارند». وی در ادامه این نشست به توضیح عملکرد بخش صنعت به تفکیک محصولات و میانگین رشد آنها طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ پرداخت و گفت: «کالای یخچال و فریزر ۱۲.۶ درصد، ظروف شیشه‌ای ۱۱.۴ و کامیون، کامیونت و کشنده رشد ۱۲.۵ درصدی را به ثبت رسانده‌اند». رئیس مرکز مطالعات استراتژیک مجمع کارآفرینان ایران در خصوص میزان سرمایه‌گذاری در کشور گفت: «سال گذشته میزان نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص مجددا منفی گزارش شده و به عدد منفی ۶.۷ درصد رسیده که دلیل آن نیز می‌تواند مربوط به موضوعات سیاسی و حوادث سال گذشته باشد درحالی‌که این عدد در سال ۱۴۰۰ به ۳.۹ درصد رسیده بود.» وی در ادامه افزود: «بانک مرکزی رشد ۳۰ درصدی نقدینگی در سال ۱۴۰۱ را هدف‌گذاری کرده بود که این هدف تا حدود خوبی محقق شد که دلیل آن می‌تواند اجرای سخت‌گیرانه سیاست محدود کردن رشد ترازنامه باشد.» سرزعیم تأکید کرد: «آن‌طور که به نظر می‌رسد میزان نقدینگی کماکان روند نزولی داشته و تحت کنترل بانک مرکزی است و پیامد مثبت آن ایجاد ثبات و رکود در دیگر بازارهای موازی مانند مسکن، ارز، طلا و... خواهد بود.» همچنین در ادامه این نشست، شاوردی به وضعیت تولید صنعتی در جهان اشاره کرد و گفت: «روند صعودی تولید صنعتی در دنیا با شیوع ویروس کرونا در دسامبر سال ۲۰۱۹ میلادی به ناگهان کاهش شدیدی پیدا کرد که با ساخت واکسن و ایجاد ثبات نسبی روند تولید مجددا سیر صعودی به خود گرفته است.» کارشناس مرکز مطالعات استراتژیک مجمع کارآفرینان ایران گفت: «نرخ رشد تولید صنعتی جهان برای کشورهای صنعتی در فصل دوم سال ۲۰۲۳ میلادی نسبت به مدت مشابه سال قبل از آن حدود ۶ درصد کاهش یافته است.» وی به سهم ارزش افزوده از تولید ناخالص داخلی ایران و کشور ویتنام در طی ۳۰ سال اخیر اشاره کرد و گفت: «بر اساس آمارهای منتشرشده سهم کشور ویتنام در سال ۱۹۹۰ میلادی از این شاخص حدود ۱۰ درصد بوده و برای کشور ایران این عدد کمتر از ۶ درصد به ثبت رسیده است. با گذشت ۳۰ سال یعنی در سال ۲۰۲۰ این عدد برای ویتنام حدود ۲۷ درصد و ایران کمتر از ۱۵ درصد گزارش شده است.»

شاوردی همچنین به مقایسه حجم ارزش افزوده از تولید ناخالص داخلی ایجاد شده در ۳۰ سال اخیر دو کشور ایران و ترکیه پرداخت و گفت: «در سال ۱۹۹۰ میلادی حجم ارزش افزوده برای کشور ترکیه حدود ۴۰ میلیارد دلار و برای ایران ۱۳ میلیارد دلار بوده است این درحالی است که در سال ۲۰۲۰ کشور ترکیه به عدد ۲۱۰ میلیارد دلار رسیده و ایران به عدد ۷۳ میلیارد دلار دست پیدا کرده است.» شاوردی همچنین اظهار کرد: «چشم‌انداز بخش صنعت طی سالیان پیش رو از مسیرهای مختلفی تحت‌الشعاع عوامل برون‌زا قرار گرفته است. اگر تا پیش از این بخش صنعت با دلایلی نظیر افت بهره‌وری، کمبود سرمایه‌گذاری یا کمبود نیروی کار ماهر روبه‌رو بود و مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی زمینه‌ساز رکود صنعتی در قاره‌های مختلف و جهان می‌شدند، امروز بحران‌های برون‌زا منبعث از فضای امنیتی سیاسی جهان زمینه‌ساز کوتاه شدن افق بخش صنعت شده است.» همچنین در ادامه برزین جعفرتاش کارشناس مرکز مطالعات استراتژیک مجمع کارآفرینان ایران در خصوص آینده صنعت در ایران و جهان به ارائه گزارش پرداخت. جعفرتاش گفت: «درحالی‌که ما در یک شرایط سخت قرار گرفته‌ایم و آثار و تبعات منفی این شرایط را تحمل کرده‌ایم، در چنین شرایطی فرصت‌هایی وجود دارد که از بخشی از آن استفاده و از بخشی دیگر استفاده نشده است.» کارشناس مرکز مطالعات استراتژیک مجمع کارآفرینان ایران گفت: «۸۰ تا ۹۰ درصد سبد صادرات ایران را محصولات مواد خام و معدنی و محصولات پتروشیمی تشکیل می‌دهد. این درحالی است که محصولات نهایی و ساخته‌شده را وارد می‌کنیم و این موضوعی است که از گذشته وجود داشته و تا به امروز نیز ادامه داشته است.» جعفرتاش ادامه داد: «در مقابل سبد صادراتی کشور ترکیه به عنوان همسایه ایران نیز وجود دارد که انواع محصولات الکترونیکی، خدمات، محصولات کشاورزی و فرآوری شده وجود دارد. این موضوع باعث شده که اقتصاد این کشور از تاب‌آوری بالایی برخوردار باشد.» وی تأکید کرد: «اقتصادها با برندها شناخته می‌شوند. شرکت‌های بزرگ پیشران‌های اقتصادی کشورها هستند و کار صادرات، تحقیق و توسعه، بازاریابی و استخدام نخبگان را برعهده می‌گیرند. هر کشوری از چندین شرکت بزرگ و یا ملی برخوردار است که حجم زیادی از مسئولیت تولید ارزش و ثروت و ایجاد اشتغال را برعهده گرفته است. کشور ترکیه توانسته با اجرای سیاست‌هایی، شرکت‌های اینچنینی را ایجاد کند، ولی در مقابل ایران از این سیاست بهره‌ای نبرده است و نتوانسته که در عرصه بین‌المللی حرفی برای گفتن داشته باشند.» کارشناس مرکز مطالعات استراتژیک مجمع کارآفرینان ایران به موضوع تحریم‌ها اشاره کرد و گفت: «خروج ترامپ از برجام علی‌رغم آثار زیانباری که بر اقتصاد ایران برجای گذاشت، باعث شد که در سال‌های اخیر تولید ایرانی رقابت‌پذیرتر شود. محدودیت واردات هم به برخی از صنایع داخلی کمک خوبی کرد که بتوانند سهم خود در بازار داخل را افزایش دهند.»

سه‌شنبه ۲ آبان ۱۴۰۲
شماره ۳۹۸۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

سلاطین تغییر کاربری را دریابید

صادق امامی
دبیرگروه جهان‌شهر

«تغییر کاربری» -از نظر نگارنده- فعلا کم خطرترین مسیر «یک‌شبه»ای است که می‌توان در آن «ره صدساله» را طی کرد. این برداشت ذهنی فردی نیست و حتی مقامات عالی قضایی نیز به آن معترفند. سال ۹۸ در زمانی که محسنی‌اژه‌ای معاون اول قوه قضائیه بود، از فردی گفته بود که ۱۰۰ هکتار، ۲۰۰ هکتار از منابع طبیعی را برای اجرای پروژه گرفته اما نه پروژه را اجرا کرده و نه مسئولی که زمین داده، موضوع را پیگیری کرده است. او گفته بود فرد بعد از مدتی با زدوبند زمین را وارد محدوده می‌کند، «تغییر کاربری می‌دهد و ثروت کثیری نصیبش می‌شود که اگر ۵۰ نسل بعد از ما کار کنند و پول بیندوزند با درآمد ۱۵ ساله این آقا قابل قیاس نیست.»

در ایران تغییر کاربری، به اشکال مختلفی انجام می‌شود اما بهانه این متن، حذف بند ج ماده ۸۳ لایحه برنامه هفتم توسعه درباره «تغییر کاربری تاسیسات گردشگری» است. روز یکشنبه مجلس شورای اسلامی با این استدلال که این بند «باعث ایجاد انگیزه در وزارت گردشگری برای تغییر کاربری تاسیسات گردشگری با هدف درآمدزایی می‌شود»، آن را از متن لایحه حذف کرد. متاسفانه در دو دهه اخیر، تغییر کاربری زمین‌ها به‌ویژه از «کشاورزی» به «گردشگری»، به دلیل منافع اقتصادی موجود در آن، شتاب رو به رشدی به خود گرفته است. برخلاف ارز و سکه که سلاطینی دارند و گاهی ممکن است بهای این سلطنت، چوبه‌دار باشد، در تغییر کاربری نه «سلطان»ی در کار است که بخواهند تاج و تختش را بگیرند و نه محاکمه جدی‌ای که رسیدگی به آن برای افکار عمومی مهم باشد. این البته تنها مزیت فعالیت در زمینه تغییر کاربری نیست. مزیت اصلی سود هنگفتی است که در این فرآیند پنهان است. این مزیت را می‌توان با آمار و ارقام محاسبه کرد. در آبان ۱۳۹۲، قیمت هر دلار در بازار آزاد ۳ هزار و ۱۰ تومان بوده است. سه سال بعد در اردیبهشت سال ۹۵، ارزش هر دلار به ۳ هزار و ۴۴۳ تومان رسیده است. مقایسه این دو رقم در بازه ۳ ساله، رشد ۱۴ درصدی را نشان می‌دهد. در همان آبان ۹۲ (دلار ۳ هزار و ۱۰ تومان) یک زمین کشاورزی در حوالی استان قم، متری ۶ هزار و ۱۰۰ تومان به فروش رسیده است (تقریبا ۲ دلار). سه سال بعد و تنها با چند امضا و تبدیل زمین کشاورزی به مجتمع گردشگری، کارشناس رسمی دادگستری، بی‌ارزش‌ترین بخش همان زمین را، متری ۱۰۰ هزار تومان قیمت‌گذاری کرده است (با دلار ۳ هزار و ۴۴۳ تومانی می‌شود ۲۹ دلار). این یعنی رشد ۱۵۴۰ درصدی. قیاس رشد ۱۵۴۰ درصدی در تغییر کاربری یک زمین با رشد ۱۴ درصدی ارز، به خوبی نشان می‌دهد، سلطنت نه در ارز و سکه که در همین تغییر کاربری‌ها است. در سال ۹۳ و ۹۴، برای ساخت و تکمیل مجتمع مذکور ۳۰ میلیارد تومان هزینه شده است. ۱۴ ماه بعد، در اردیبهشت سال ۹۵، کارشناس رسمی دادگستری، قیمت همین زمین را که خرید و ساخت آن ۳۵ میلیارد هزینه داشته است، ۹۰۰ میلیارد تومان برآورد کرده است. به عبارت ساده، این مجتمع گردشگری در دوران ثبات قیمت ارز، ۲۵ برابر رشد قیمت را تجربه کرده است. تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی -حداقل در نمونه مورد نظر نگارنده- به سادگی و تنها با چند امضا انجام پذیرفته است. از درخواست برای تغییر کاربری تا صدور مجوز کمتر از شش ماه زمان سپری شده است. مجموعه قوانین و مقررات مرتبط با حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها می‌گوید که متقاضی تغییر کاربری، لازم است به دبیرخانه کمیسیون تبصره یک ماده یک در جهاد کشاورزی استان یا شهرستان درخواست دهد. یکی از نهادهایی که می‌بایست در این باره اعلام نظر کند، اداره میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان‌ها است. به نظر نمی‌رسد میراث فرهنگی در «موافقت اصولی» با طرح‌های گردشگری، چندان دقتی به خرج دهد والا هیچ‌گاه با ایجاد مجتمع گردشگری در نزدیکی کشتارگاهی که در تابستان بوی نامطبوع منتشرشده از آن تا کیلومترها انسان را آزار می‌دهد، موافقت نمی‌کرد. دبیرخانه تبصره یک ماده پس از اخذ استعلام از برخی دستگاه‌ها، موضوع را در کمیسیون تبصره یک ماده یک مطرح می‌کند. در صورت موافقت با تغییر کاربری، کمیسیون تقویم مامور می‌شود تا قیمت زمین با کاربری جدیدی را محاسبه کند. مالک زمین می‌بایست ۸۰ درصد قیمت روز اراضی را به خزانه واریز کند و مجوز تغییر کاربری را از کمیسیون مذکور اخذ کند. اما عمدتا افرادی که به دنبال تغییر کاربری هستند از طرق گوناگون، اقدام به اعمال نفوذ در این فرآیند می‌کنند. عدم انجام ارزیابی‌های زیست‌محیطی و لابی برای کاهش هزینه عوارض تغییر کاربری و درنهایت عدم پرداخت عوارض در مهلت قانونی و ساخت‌وسازهای غیرقانونی، بخشی از معضلاتی است که در این فرآیند وجود دارد. پس از موافقت با تغییر کاربری، مالک زمین موظف است که براساس نقشه تاییدشده، اقدام به ساخت مجتمع گردشگری کند اما عملا نظارتی بر این پروسه وجود ندارد. از همین رو افراد پس از اخذ مجوز، نقشه تاییدشده را کنار گذاشته و نقشه مدنظر خود را روی زمین پیاده می‌کنند تا سازه‌ای شکل بگیرد که عملا هیچ شباهتی به مجتمع گردشگری ندارد. در پرونده یکی از این مجتمع‌های گردشگری، پس از ورود سازمان بازرسی، جهادکشاورزی و میراث فرهنگی به بررسی موضوع پرداختند و درنهایت مشخص شد که مجتمع مذکور، بیش از ۳۷ هزار مترمربع تغییر کاربری غیرمجاز داشته است. حتی با فرض ارسال پرونده این تخلف به دادگاه، در سخت‌ترین حالت، مالک به دلیل سال‌ها تخلف و کسب درآمد از این تغییر کاربری غیرمجاز، با یک جریمه اندک مالی مواجه خواهد شد تا هیچ‌گاه این مسیر سرراست رسیدن به ثروت، مسدود نشود.

مجلس در فرآیند بررسی برنامه هفتم یک تبصره دردسرساز را حذف کرد

مجوز زمین‌خواری به اسم گردشگری باطل شد

زینب مرزوقی
خبرنگار گروه نقد روز

روز گذشته در حاشیه بررسی برنامه هفتم توسعه در صحن علنی، مجلس یکی از بندهای لایحه هفتم را حذف کرد. این لایحه مرتبط با تغییر کاربری اماکن گردشگری بود. در بند مذکور، آمده است که «تغییر کاربری تاسیسات گردشگری تحت هر عنوان، بدون تایید وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی ممنوع است. مراجع تغییر کاربری مکلفند پیش از موافقت، نسبت به اخذ استعلام از وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی اقدام کنند.

درصورت موافقت با تغییر کاربری تاسیسات گردشگری موجود توسط وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی کلیه تخفیفات، تسهیلات، حمایت‌ها و معافیت‌های اعطایی ملغی و عین یا معادل آن به اضافه ۵۰ درصد مابه‌التفاوت ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری ملک به قیمت کارشناسی روز، اخذ و به حساب خزانه واریز و معادل صددرصد آن با رعایت بند (د) ماده ۲۸ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) برای هزینه‌کرد در زمینه توسعه گردشگری به وزارت مذکور اختصاص می‌یابد.»

در زمان بررسی این بند محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس ابهامی را مطرح کرد مبنی بر اینکه این بند باعث ایجاد انگیزه در وزارت گردشگری برای تغییر کاربری تاسیسات گردشگری با هدف درآمدزایی می‌شود.

بنابر اشکال و ابهام وارد شده از سوی رئیس مجلس و تعدادی دیگر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی اصل این بند به تصویب مجلس نرسید. در ادامه بررسی این بند از لایحه در صحن علنی مجلس مهرداد گودرزوند چگینی، نماینده رودبار پیشنهاد حذف این بند را مطرح کرد و گفت: «این بند زمینه دلالی و خرید و فروش زمین‌ها را به چند برابر قیمت فراهم می‌کند. همچنین اختیاری به وزارت گردشگری داده تا زمین‌ها را تغییر کاربری بدهد. در این شرایط نمی‌توان انتظار توسعه گردشگری را داشت.»

تغییر کاربری امکان ورود دلالان و زمین‌خواران را تشدید می‌کرد

مهرداد گودرزوند چگینی، نماینده رودبار همچنین در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره دلایل حذف این بند از لایحه هفتم، با اشاره به این مساله که گردشگری یکی از موضوعات حائز اهمیت کشورمان است، معتقد است که یکی از محورهای توسعه کشور قطعا گردشگری است. «در این بند به وزارت گردشگری اجازه می‌داد که چنانکه اماکنی مختص گردشگری درنظر گرفته شده به افراد اجازه تغییر کاربری از گردشگری به کاربری‌های دیگر بدهد. من و برخی دیگر از نمایندگان مخالف این بند از لایحه بودیم زیرا اگر این بند اجرایی می‌شد بسیاری از اماکنی که کاربری گردشگری گرفته‌اند می‌توانستند به دلیل به‌صرفه‌تر بودن کاربری‌های دیگر به سراغ دلالی آن اماکن بروند چون اجازه در دست وزارت گردشگری بود، برای همین می‌شد که این امکان از طریق لابی‌گری‌ها و فعالیت‌های خلاف قانون صورت بگیرد. بنابراین دلیل ما این بود که اماکنی که مجوز کاربری‌شان گردشگری است باید گردشگری بمانند و افرادی که قرار است کار گردشگری در زمین‌های گردشگری انجام دهند هم با همان نیت کار را پیش ببرند.» درباره حوزه‌های شهری و حوزه‌هایی که طرح تفصیل دارند اما قانون مصوب شده داریم. مثلا اگر در دوره ۱۰ ساله یک کاربری نیاز به تغییر دارد خود به خود به کمیسیون ماده ۵ شهری یا ماده ۹۹ روستایی می‌رود اما بند مورد نقد لایحه اگر تصویب می‌شد نگرانی دیگری وجود داشت. اینکه معادل ۱۰۰ درصد هزینه‌های تغییر کاربری به حساب وزارت میراث و گردشگری می‌رفت تا در زیرساخت‌هایش استفاده می‌کرد، همین مساله زمینه برای تغییر کاربری را بیشتر می‌کرد. از این رو نمایندگان پیشنهاد حذف این بند را دادند تا شاهد چنین اتفاقی در حوزه شهری و روستایی نباشیم. همچنین نماینده رودبار در مجلس اسلامی گفت: «یکی دیگر از دلایل پیشنهاد حذف این بود که در بسیاری از مناطق خصوصا در استان‌هایی مانند تهران زمین‌های کشاورزی بایر دارند. در حال حاضر افرادی به دنبال تغییر کاربری به زمین گردشگری هستند. اگر این اجازه داده می‌شد که توانایی تغییر زمین گردشگری به غیرگردشگری وجود دارد قطعا مشکلات عدیده‌ای ایجاد می‌شد. این بند همچنین می‌توانست شامل اماکن تاریخی که ذیل اماکن گردشگری تعریف می‌شوند هم بشود.»

گودرزوند همچنین درباره ارتباط این بند حذف شده با زمین‌خواری نیز توضیح داد: «هنگامی که به وزارت گردشگری این اجازه داده شود که زمین‌های مختص به گردشگری تغییر کاربری دهند خود به خود افرادی که مراکز یا اماکن گردشگری داشتند به فکر سود بیشتر با تغییر کاربری می‌افتادند یا مثلا دلال‌ها به سراغ‌شان می‌رفتند.»

از ورشکستگی مردم پول درنیاوریم

یکی دیگر از موافقان حذف این بند از لایحه برنامه هفتم توسعه روح‌الله نجابت است. نجابت معتقد است که باید توجه داشت هدف از این حکم حفظ هویت تاریخی اماکن گردشگری نیست. نماینده مردم شیراز در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با فرهیختگان گفت: «این حکم در رابطه با تاسیسات ایرانگردی و جهانگردی ممنوعیتی را بیان می‌کرد. ممنوعیت مذکور درمورد تغییر کاربری‌های تاسیسات گردشگری؛ پیش از این در ماده ۶ قانون توسعه صنعت ایرانگری و جهانگردی مصوب ۱۳۷۰ به شکل تبصره‌ای به کار رفته بود که تغییر کاربری تاسیسات ایرانگردی و جهانگردی بدون موافقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در هر شرایطی ممنوع است و درصورت موافقت کلیه تخفیفات و تسهیلات و معافیت‌های داده‌شده برای تاسیسات مزبور ملغی و باید عین یا معادل آن به قیمت کارشناسی روز به دولت پرداخت شود.»

نجابت توضیح داد که این جریمه از نظر حفاظت از کاربری‌های گردشگری موضوع معقول و پذیرفته‌شده‌ای است اما نکته‌ای در حکم بند ج ماده ۸۳ وجود دارد که جای بررسی دارد. «حکم مذکور ۵۰ درصد مابه‌التفاوت ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری ملک به قیمت کارشناسی روز را به عنوان جریمه از مالک اخذ می‌کرد و در اختیار وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی قرار می‌داد. تصویب این حکم دو اشکال را ایجاد می‌کرد. روشن است برای پیشرفت اقتصادی لازم است که سرمایه‌گذاری‌ها در صنعت گردشگری افزایش یابد. باید توجه کرد که صنعت گردشگری از سرمایه‌گذاری‌های پرخطر به شمار می‌رود و مثلا بحرانی مثل کرونا یا بحران‌های اقتصادی این صنعت را به‌شدت متاثر می‌کند. این امر باعث می‌شود که سرمایه‌گذار وارد این صنعت نشود بنابراین برای جلب سرمایه باید فضای مطمئنی ایجاد کنیم و از سرمایه‌گذار در برابر بحران‌های احتمالی حمایت کنیم و نباید سیاست‌های حاکمیتی موجب شود فعال اقتصادی از اینکه که وارد سرمایه‌گذاری شود بترسد.»

نجابت گفت: «تصور کنید یک کسب‌وکار کوچک روستایی درگیر کرونا شده است یا یک تلاش نوپا که ناچار به خروج از بازار می‌شود باید بابت همین اضافه کردن ارزش افزوده تغییر کاربری جریمه بدهد. این حکم فعال اقتصادی حوزه گردشگری که ناموفق بوده یا به هر دلیلی نمی‌تواند به آن ادامه دهد را جریمه می‌کند. این امر باعث ترس سرمایه‌گذار خواهد شد. ما باید شرایطی را فراهم کنیم که اگر به هر دلیلی فعال اقتصادی تصمیم به پایان فعالیت گرفت بتواند به‌راحتی از سرمایه‌گذاری خارج شود. برای حفظ حقوق بیت‌المال هم تسهیلاتی که دولت در اختیار او قرار داده پس گرفته شود. اما اینکه مبلغی اضافه بر آن به‌عنوان ارزش افزوده تغییر کاربری در نظر گرفته شود و فعال اقتصادی جریمه شود معقول نیست. جنبه دیگر آن است که وزارت میراث فرهنگی از این محل کسب درآمد می‌کند. کسب درآمد از محلی که احتمالا مشکلی برای مردم ایجاد شده یا بقا در صنعت مذکور ممکن نبوده است، معقول نیست.»

نجابت همچنین توضیح داد که ما اگر بخواهیم وزارت میراث فرهنگی درآمد پایداری داشته باشد، باید درآمد از محل رونق گردشگری باشد و نه از محل کسادی و ورشکستگی. «باید منافع وزارت میراث و مردم در یک سو و به هم گره خورده باشد و نباید در تعطیلی و تغییر کاربری تاسیسات گردشگری برای متولی گردشگری منفعت تعریف کنیم. این موجب نقص در عملکرد وزارت میراث فرهنگی صنایع‌دستی و گردشگری خواهد بود. به‌طور خلاصه می‌شود گفت که این اقدام هم مخاطره سرمایه‌گذاری در گردشگری و ورود به کاربری‌های مذکور را بالا می‌برد و هم موضوع تغییر کاربری تاسیسات گردشگری را برای این وزارتخانه تبدیل به یک فرصت کسب اقتصادی می‌کند.»

آقایان مجلس صورت‌مساله را حذف کردند

اما حذف این بند از لایحه برنامه هفتم منتقدانی نیز داشت. جعفر قادری، نماینده مردم شیراز در مجلس شورای اسلامی مخالفت خود را در رابطه با این بند از لایحه برنامه هفتم توسعه اعلام کرده بود. او در گفت‌وگو با «فرهیختگان» گفت: «به هر دلیلی ممکن است نیاز به تغییر کاربری فضاها و اماکن گردشگری وجود داشته باشد. اینکه ما استخوان لای زخم بگذاریم و هیچ کاری انجام ندهیم معنی ندارد و بالاخره باید تعیین تکلیف کنیم؛ چراکه ممکن است یک مکان گردشگری در مسیر طرح باشد یا اصلا موضوعیت خودش را از دست دهد. کاری که آقایان مجلس انجام دادند مصداق حذف صورت‌مساله است. پاک کردن صورت‌مساله مشکل را حل نمی‌کند. بالاخره وقتی تغییر کاربری وجود داشته باشد، یک ارزش افزوده هم در این میان داریم. این ارزش افزوده به چه نهادی می‌رسد؟ آقایان مجلس می‌گویند اگر به میراث فرهنگی برسد انگیزه میراث فرهنگی و گردشگری برای تغییر کاربری بیشتر شود. قطعا می‌شد این مساله را اصلاح کرد و ارزش افزوده را به حساب خزانه واریز کرد. در آن صورت سازمان میراث فرهنگی هم انگیزه‌ای برای کاربری نداشت. اما در مواردی که مالک ناچار به تغییر کاربری می‌شود نباید متضرر شود.»

قادری توضیح داد که کار مجلس آنچنان جالب نبود و اگر برای اصلاح به کمیسیون ارجاع داده می‌شد، منطقی‌تر بود. «برای جلوگیری از زمین‌خواری و فساد مالی نیز می‌شد ارزش افزوده را کاملا به حساب دولت واریز کرد. مثلا ۹۰ تا ۹۵ درصد ارزش افزوده به خزانه دولت می‌رفت. در آن صورت هم میراث فرهنگی همراهی نمی‌کرد. همچنین این‌گونه نیست که میراث فرهنگی به‌تنهایی بتواند تغییر کاربری دهد. کمیسیون‌های مختلف مانند کمیسیون ماده ۵ شهری و کمیسیون‌های ذی‌ربط هم دخیل هستند. بنابراین نمی‌توان به‌طور قطع گفت که درصورت ماندن این بند در لایحه، زمینه برای زمین‌خواری و ایجاد فساد مالی وجود داشت.»

ابهام در تعریف اماکن گردشگری

یکی از اشکالات این بند حذف شده اما ابهام در کلمه اماکن گردشگری است. با وجود اینکه نجابت، نماینده مردم شیراز در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به این مساله اشاره کرد که این بند ارتباطی با هویت اماکن تاریخی ندارد اما گودرزوند در پاسخ به «فرهیختگان» گفته بود که احتمال داشت اماکن تاریخی، ذیل اماکن و تاسیسات گردشگری هم تعریف شود و زمینه سوءاستفاده برای مالکان را فراهم کند. به هرحال آنچه در بند مذکور لایحه واضح است، احتمال سوءاستفاده از ارزش یک زمین با کاربری گردشگری است. به این شیوه که فردی زمین بایر را با قیمتی پایین‌تر خریداری کند و سپس پس از اخذ کاربری گردشگری و اضافه شدن ارزش مالی آن، زمین را چند برابر بیشتر از ارزش واقعی بفروشد. از این رو احتمال داشت که از طریق این بند از لایحه هفتم، دلالی یا زمین‌خواری افراد سودجو فراهم شود.

دولت توانایی نگهداری از تمام اماکن تاریخی را ندارد

اما در رابطه با امکان یا عدم امکان تغییر کاربری اماکن تاریخی، سیدعلی منصوری، رئیس اندیشکده نظر و استاد دانشگاه تهران معتقد است روش زندگی در طول تاریخ تغییر می‌کند، یعنی آنچه در زندگی گذشته وجود داشته، لزوما امروز در زندگی‌مان وجود ندارد. منصوری گفت: «در شهرهایمان با فضاهایی مواجه می‌شویم که در گذشته، برای کاربری‌هایی بودند که آن کاربری در زندگی امروز ما متداول نیست، مثلا حمام عمومی در گذشته بود اما امروز مردم از حمام عمومی استفاده نمی‌کنند و هرکس در خانه‌اش یک حمام دارد یا اینکه کاروانسرا یا حتی یک خانه بزرگ مسکونی وجود داشت اما به دلیل تغییر شرایط زندگی، کسی در خانه‌ای با معماری قدیمی، زندگی نمی‌کند، بنابراین باید این فضا را با شرایط روز تطبیق دهیم برای همین با تعداد زیادی بنا مواجه می‌شویم که از نظر تاریخی، کالبدی و ارزش مادی دارای ارزش هستند اما از منظر کاربردی، ارزش چندانی ندارد. این پارادوکس و تناقض ایجاد می‌کند.»

تمدن امروز می‌گوید بشر باید از آثار تاریخی و تمدن خود حفاظت کند، درنتیجه برای حفاظت از این آثار، آنها را ثبت تاریخی می‌کنند و میراث تاریخی باید این آثار را ثبت ملی و تاریخی کند. او گفت: «مساله‌ای که وجود دارد این است که میراث، قدرت خرید و حفاظت از تمام آثار ثبت ملی شده را ندارد، درنتیجه بخش بزرگی از بناهای ما که میراث قدرت خریدشان را ندارد، ثبت ملی می‌کند و به این دلیل که ثبت می‌شوند برای صاحبان‌شان دردسر به وجود می‌آید؛ چراکه نمی‌توانند از دارایی‌شان استفاده کنند و نمی‌توانند ساختمان را بکوبند و بسازند. از طرف دیگر هم کارکرد دیگری ندارد، درنتیجه کشمکشی زیرپوستی میان مالکان خصوصی این املاک و دولت به وجود می‌آید. اینکه افراد به سمت تخریب زیرپوستی می‌روند و وقتی تخریب می‌شود، می‌گویند این به زمین خالی تبدیل شده و به ما اجازه ساخت یک بنا را بدهید، بنابراین چون دولت نمی‌تواند تمام این اماکن را بخرد، مردم را مجبور می‌کند که شما ارث پدری‌تان را باید نگه دارید.»

رئیس اندیشکده نظر معتقد است که مشکل بعدی، اماکنی است که خود دولت خریده یا صاحبانی است که حاضرند برای استفاده تغییر کاربری دهند. او ادامه داد: «تغییر کاربری این اماکن آیا درست است یا نه؟ برای مکانی که دولت به‌عنوان اثر تاریخی می‌خرد، کاربری‌های زیادی قابل تصور نیست باید آن را به آن چیزی که در کشورمان سنت است تبدیل کنند، مانند کافه‌رستوران و کافی‌شاپ، برای همین تمام کاربری‌ها رایج و پول‌ساز نیست. از طرف دیگر مثلا نمی‌شود یک حمام غیرقابل استفاده، حمام بماند یا موزه شود. ما این همه موزه در کشورمان داریم، درنتیجه باید راه‌حلی پیدا کنیم که در بناهای تاریخی بتوانیم کاربری‌های متنوعی را ایجاد کنیم تا سود و توجیه اقتصادی برای مالکان داشته باشد و درعین‌حال هم کارکرد، با بنای تاریخی تزاحم نداشته باشد تا موجب تخریب بنای تاریخی نشود. حل این معادله احتیاج دانش دارد، یعنی کار روتین و ساده‌ای نیست که افراد عادی بتوانند انجام دهند، همچنین تجربیات سایر کشورهای پیشرفته دنیا در این باره نیز وجود دارد؛ چراکه مشکل تنها برای ما نیست. برای تمام کشورهای تاریخی دنیاست.»

باید یاد دهیم چگونه به سود متعارف برسیم

این استاد دانشگاه تهران همچنین بر این باور است که کشورهای تاریخی دیگر سراسر جهان، اماکنی دارند که درحال حاضر تغییر کاربری داده‌اند و اکنون مردم عادی شهری مانند ونیز، در ونیز زندگی نمی‌کنند. منصوری گفت: «ما در بعضی بناهایمان مانند بنای خانه دکتر حسابی، آن را تبدیل به یک کافه‌رستوران کرده‌ایم، یعنی کاربری‌هایی به آن داده‌اند. این خانه اگرچه با تغییر کاربری ارزش مادی دوچندانی داشت اما با همان معماری نگهش داشته‌اند و از بنا یک گردش اقتصادی قابل توجهی به وجود آورده‌اند. ما باید راه‌حل‌هایی پیدا کنیم که بناها بتوانند با تغییر کاربری، اقتصادی شوند. اگر اقتصادی نشوند، این بناها محکوم به از بین رفتن؛ چراکه دولت این همه پول ندارد که تمام بناهای تاریخی را بخرد. به همین دلیل بخش خصوصی اگر وجود آن بنا برایش صرفه اقتصادی نداشته باشد خودش دست به تخریبش می‌زند و آن را به زمین بایر تبدیل می‌کند تا بنا را از نو بسازد. اگر بخواهیم بنا حفظ شود، باید تغییر کاربری‌ها سازگار با شأن تاریخی بنا باشند. باید یک تغییر کاربری سازگار با بناهای تاریخی پیدا کنیم و بعد اگر دولت بخواهد نقشی ایفا کند به صاحبان املاک بیاموزد چگونه بنای تاریخی را حفظ کنند. این تعلیمات باید عمومی شوند. به مردم هم یاد بدهد که شما می‌توانید سود اقتصادی ببرید ولی در حد متعارف. در مقابل از افرادی که کلا بنا را برای رسیدن به سود غیرمتعارف تخریب می‌کنند، جریمه دریافت کند. نباید این احساس تلقی شود، افرادی که خانه‌های تاریخی‌شان را حفظ می‌کنند، باخت اقتصادی داده‌اند.

جوابیه آموزش‌وپرورش به گزارشی که با عنوان «چند واقعیت مهم درباره تحصیل مهاجران افغانستانی» در «فرهیختگان» به چاپ رسید

سازمان‌های بین‌المللی باید به تامین زیرساخت‌های آموزشی پناهجویان کمک کنند

مدیرمسئول محترم روزنامه فرهیختگان؛ با سلام و احترام؛ در پاسخ به مطلب مندرج در آن روزنامه به تاریخ ۱۴۰۲/۰۶/۲۸ با عنوان «چند واقعیت مهم درباره تحصیل مهاجران افغانستانی» پاسخ مرکز امور بین‌الملل و مدارس خارج از کشور وزارت آموزش‌وپرورش را به استحضار می‌رساند:

۱- با توجه به ثبت‌نام و پوشش تحصیلی ۶۷۰ هزار نفر دانش‌آموز اتباع (به گزارش اداره اتباع سازمان ملی مهاجرت وزارت کشور به صورت دارای مدارک معتبر و فاقد این مدارک) در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ این آمار در مقاله و گزارش مذکور به اشتباه ۵۰۰ هزار نفر دانش‌آموز ثبت‌نام شده و ۳۵۶ هزار نفر به صورت قطع ثبت‌نام شده ذکر شده است و تمام برآورد هزینه‌ها و... با انحراف ۴۰ درصدی به صورت اشتباه محاسبه شده است.

۲- درمورد اشاره به استفاده از نیروهای تحصیل‌کرده و فعالان اقتصادی افغانستانی که از کشور افغانستان خارج شده‌اند شایان ذکر است از رویکردهای نظام در برنامه راهبردی تدوین و تصویب شده مربوط به شئون مختلف اتباع خارجی از جمله تحصیل دانش‌آموزان گرامی آنها می‌توان به تکریم، نخبه‌پروری، قانونمند شدن و تحصیلات عمومی آنها اشاره نمود.

۳- تاکیدات لازم در بخشنامه شماره ۳۴۰/۲۱۲ مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۲ وزارت آموزش‌وپرورش برای عدم‌تبعیض بین دانش‌آموزان ایرانی و افغانستانی برای تحصیل در انواع مدارس دولتی، نمونه دولتی، غیردولتی، هیات‌امنایی و... صورت پذیرفته است و موضوع پرداخت شهریه و کمک‌های مردمی با امکان پرداخت به صورت اقساطی در سطح توان هر منطقه به کارگروه توسعه مدیریت و منابع هر استان و مناطق تابعه سپرده شده است.

۴- مقدار هزینه‌های ثبت‌نام اتباع خارجی در مدارس دولتی ایران، با توجه به شرایط اقتصادی و مخارج مدرسه و خانواده‌ها در هر استان در کارگروه توسعه مدیریت و منابع استانی تعیین می‌گردد و مربوط به بخشنامه ارائه شده از سوی این وزارت نمی‌باشد، لازم به ذکر است هرگونه شهریه و کمک‌های مردمی اخذ شده به هیچ عنوان در حساب وزارت آموزش‌وپرورش یا خزانه واریز نخواهد شد و صرفا مبالغ دریافتی به حساب مدرسه واریز می‌گردد تا در جهت بهبود وضعیت آموزشی و پرورشی همان دانش‌آموزان مدرسه زیر نظر شورای قانونی مالی مدرسه هزینه گردد تا کیفیت و خدمات آموزشی و پرورشی مدرسه به دلیل افزایش تراکم ناشی از حضور اتباع خارجی جبران گردد.

۵- فرآیند دریافت کد یکتا برای ثبت‌نام دانش‌آموزان اتباع خارجی توسط نهادهای بالادستی به وزارت آموزش‌وپرورش تکلیف شده است و تاکید شده از دانش‌آموزانی ثبت‌نام شود که از سازمان ملی مهاجرت وزارت کشور مجوزهای لازم از جمله کد یکتا را دریافت نموده باشند؛ زیرا برای ساماندهی تحصیل اتباع و مدیریت آموزشی ایشان داشتن اطلاعات آماری و هویتی از ضروریات اولیه است و الا آموزش‌وپرورش با موضوعات غیرقابل پیش‌بینی روبه‌رو می‌شود و بالاخره پناهجویان عزیز لازم است در زمینه ثبت اطلاعات خود در سامانه‌های مرتبط مثل دانش‌آموزان ایرانی همکاری نمایند. گفتنی است مبالغ دریافتی برای صدور این روادید (احراز هویت بیومتریک، صدور کارت هوشمند و...) مربوط به این وزارت نمی‌باشد.

۶- با توجه به حجم بالای ورود پناهجویان دانش‌آموز در یک سال اخیر به‌طوری که یکباره تعداد ایشان بیش از ۲۰ درصد افزایش یافت و زیرساخت‌های مورد نیاز آنها به سرعت قابل تامین نمی‌باشد، لذا به ناچار سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای دیگر و خود پناهجویان لازم است نسبت به تامین قسمتی از مخارج جدید همکاری نمایند.

۷- فقط در سال تحصیلی گذشته وزارت آموزش‌وپرورش ۲۲۰۰۰ کلاس درس یعنی نزدیک به ۵ درصد ظرفیت کلاس‌های درس را در اختیار دانش‌آموزان عزیز اتباع قرار داده و همچنین ۹۵ هزار میلیارد ریال معادل ۳۳۵ میلیون دلار برای هزینه‌های جاری تحصیل اتباع خارجی از منابع دولتی هزینه کرده است. درحالی‌که کل کمک‌های سازمان‌های بین‌المللی در سال تحصیلی مورد اشاره کمتر از ۵ درصد هزینه‌های انجام شده توسط وزارت آموزش‌وپرورش برای تحصیل اتباع افغانستانی بوده است.

۸- کمک‌های جذب شده از سوی سازمان‌های بین‌المللی اشاره شده در گزارش یاد شده با نرخ ارز بازار آزاد محاسبه شده درصورتی‌که این مبالغ با نرخ ارز نیمایی (دولتی) و از سوی بانک مرکزی به صورت ریالی پرداخت می‌گردد.

خواهشمند است دستور فرمایید طبق قانون مطبوعات و رسانه‌ها نسبت به درج جوابیه این مرکز در همان صفحه و با همان قلم اقدام لازم صورت گیرد.

فرهیختگان
دانشگاه
سه‌شنبه ۲ آبان ۱۴۰۲ | شماره ۳۹۸۹ | WWW.FDN.IR

۷۴ پایان‌نامه دانشجویان دانشگاه آزاد مورد حمایت مالی فولاد مبارکه قرار گرفت

بازی برد-برد صنعت و دانشگاه

آزمون ورودی دانشگاه‌ها پس از چین در ژاپن و کره تغییر خواهد کرد

فرمول تحول کنکور به روش شرقی

مدیران آزمایشگاه‌های دانشگاهی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تشریح کردند

در جست‌وجوی تامین مواد اولیه آزمایشگاه‌ها

رئیس مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان دانشگاه در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

اولین آزمون بسندگی عمومی زبان فارسی برگزار می‌شود

سارا طاهری
خبرنگار گروه دانشگاه

توسعه و گسترش زبان فارسی و سرمایه‌گذاری در این زمینه امری است که در دانشگاه آزاد اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. مسئولان دانشگاه می‌خواهند افرادی که از خارج کشور برای تحصیل در دانشگاه آزاد دعوت می‌شوند، هنگامی که به کشور خود بازمی‌گردند، سفیر جمهوری اسلامی ایران و مبلغ علمی، فرهنگی و رفتاری کشورمان باشند. بر همین اساس این دانشگاه برای پیشبرد و توسعه زبان فارسی اهتمام ویژه‌ای دارد تا جایی که همواره بر استفاده از ظرفیت‌های دانشگاه برای رشد زبان فارسی تاکید شده است. با توجه به اهمیت زبان فارسی در طول تاریخ و استقبال دانشجویان غیرفارسی‌زبان از کشورهای همجوار، به‌ویژه کشورهای عربی دانشگاه آزاد یک مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبان نیز در این دانشگاه راه‌اندازی شده است که دیروز یکم آبان‌ماه گردهمایی سراسری مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان دانشگاه برای اولین بار در تاریخ دانشگاه آزاد راه‌اندازی شد. هدف از برگزاری این گردهمایی راهبری و تبیین برنامه مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان دانشگاه بود. علاوه‌بر این فرصتی پیش آمد تا مباحث صیانتی بین‌الملل برای واحدهای بین‌الملل دانشگاه نیز در این نشست تشریح شود. در این نشست که با حضور روسای دانشکده‌های بین‌الملل و مدیران بین‌الملل واحدهای دانشگاه آزاد برگزار شد، برنامه‌های مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان دانشگاه تبیین شد و درخصوص موضوعات فرهنگی، جذب دانشجو، امور کنسولی، آموزشی و... مطالبی توسط سخنرانان ارائه شد. محمدمهدی جوکار، رئیس مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان دانشگاه در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره جزئیات این نشست گفت: «اولین گردهمایی سراسری مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان بود که با حضور روسای دانشکده و مدیران بین‌الملل واحدهای دانشگاهی و همچنین مسئولان آموزش زبان فارسی واحدهای دانشگاهی برگزار شد.»

۳۴ واحد دانشگاهی در عرصه بین‌الملل فعالند

او با بیان اینکه ما در دانشگاه ۴۳ واحد داریم که در عرصه بین‌الملل فعالیت دارند، توضیح داد: «نمایندگان این واحدهای دانشگاهی در این نشست حضور داشتند. از سوی دیگر مرکز زبان فارسی و مدیران معاونت بین‌الملل میزبان این نشست بودند.» جوکار گفت: «این نشست در چند محور برگزار شد؛ تبیین برنامه‌های مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان دانشگاه، راهبری دوره آموزشی فشرده یک‌ماهه آموزش زبان فارسی، برگزاری نمایشگاه جاذبه‌های تحصیل در ایران (با تاکید بر فارسی) و برگزاری اولین آزمون بسندگی عمومی زبان فارسی دانشگاه چهار محور گفت‌وگو در این نشست بود.» او ادامه داد: «بحث آزمون‌های بسندگی، ارسال مدارک و تحویل مدارک دانشجویان غیرایرانی توسط طباطبایی رئیس محترم مرکز سنجش، پذیرش و فارغ‌التحصیلان مطرح شد. مباحث صیانتی حوزه بین‌الملل توسط محمدجواد فرهنگ مشاور و رئیس مرکز حراست دانشگاه آزاد، همچنین بحث آموزش زبان فارسی در واحدهای برون‌مرزی با هدف گسترش نفوذ جهانی زبان فارسی از موارد دیگر مطرح‌شده در این نشست بود که توسط دکتر محمدرضا آرام مدیرکل واحدهای بین‌الملل و برون‌مرزی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نکات کلیدی در جذب دانشجویان غیرفارسی‌زبان و امور کنسولی توسط قربانی مدیرکل جذب و هدایت دانشجویان بین‌المللی مطرح شد.»

جمعه آتی؛ موعد نخستین آزمون بسندگی عمومی زبان فارسی

رئیس مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان دانشگاه در ادامه اظهار کرد: «جمعه این هفته اولین آزمون بسندگی عمومی زبان فارسی برگزار می‌شود. بسندگی در دو حالت طراحی شده است. تخصصی برای دکتری که جایگزین ای‌پی‌تی (EPT) برای دانشجویان می‌شود. همچنین آزمون عمومی که برای تمام دانشجویان غیرایرانی است. دانشجویان غیرایرانی ما به دو دسته غیرفارسی‌زبان مانند عراقی و هندی‌ها یا فارسی زبان مانند بخشی از دانشجویان افغانستانی تقسیم می‌شوند که آزمون بسندگی برای غیرفارسی‌زبانان به‌عنوان زبان علمی دوم آنها برگزار می‌شود.» جوکار در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان توسط دکتر طهرانچی در مجموعه دانشگاه آزاد راه‌اندازی شد. یکی از دلایل راه‌اندازی این مرکز این است که سطح دانش و مهارت زبان فارسی غیرفارسی‌زبانان به‌ویژه دانشجویان بین‌المللی دانشگاه را طبق سند تحول و تعالی دانشگاه بسته کاری ارتقای کیفیت و کارآمدی دوره‌های تحصیلی افزایش و ارتقا دهد.»

توجه به مسائل فرهنگی درکنار ارتقای مهارت زبانی

او تصریح کرد: «یکی از اهداف این مرکز به غیر از ارتقای سطح دانش و مهارت زبان فارسی دانشجویان غیرفارسی‌زبان این است که این دانشجویان در طول اقامت و تحصیل علم در ایران بتوانند با فرهنگ و رسوم ایرانی اسلامی و همچنین مسائل مذهبی و آرمان‌های امامین انقلاب اسلامی آشنا شوند و بعد از فارغ‌التحصیلی یک ذهنیت به‌عنوان یک دانشجوی تحصیل‌کرده در ایران داشته باشند.» رئیس مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان دانشگاه درخصوص برنامه‌های این مرکز نیز توضیح داد: «یکی از برنامه‌هایمان این است که به کلان بسته ارتقای جایگاه بین‌المللی و الهام‌بخشی و همچنین ارتقای تربیت اخلاقی، معنوی و هویتی دانشجویان طبق سند تحول و تعالی دانشگاه توجه داشته باشیم و با توسعه و ارتقای مراکز آموزش زبان فارسی دانشگاه در سراسر کشور بتوانیم به این اهداف دانشگاه دست پیدا کنیم. همان‌طور که می‌دانید بحث زبان فارسی و هویت ما ایرانیان یکی از دغدغه‌های مقام معظم رهبری در طی سال‌های گذشته بوده است به نحوی که ایشان در دیدار سال ۹۸ با استادان زبان پارسی و شاعران درخصوص زبان فارسی اینگونه بیان می‌کنند که: «من راجع‌به زبان فارسی حقیقتا نگرانم زیرا در جریان عمومی، زبان فارسی در حال فرسایش است.» او ادامه داد: «بر همین اساس ایشان چندین شاخص راجع‌به زبان فارسی مطرح کرده و می‌گویند از مسئولان انتظار دارند که طبق این شاخصه‌ها درخصوص زبان فارسی اقدامات ملموسی را انجام دهند. یکی بحث نفوذ و جاذبه زبان فارسی است. همان‌طور که می‌دانید زبان فارسی از چین تا روم گسترده جغرافیایی داشته و جاذبه خاصی دارد. طبق تاکیدات مقام معظم رهبری زبان فارسی ظرفیت کم‌نظیری دارد که می‌توان آن را تبدیل به زبان علمی دنیا کرد. دغدغه دیگر ایشان این است که زبان فارسی زبان علم شود که با جهش تولید علمی که داریم بسیار همسو و هم‌جهت است.» رئیس مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان دانشگاه آزاد تاکید کرد: «تاثیر انقلاب اسلامی و ایجاد محور مقاومت و ترویج زبان فارسی بحث دیگری است که ایشان از همه رسانه‌ها خواستند درخصوص زبان فارسی و اهمیت آن اقداماتی را انجام دهند.»

برگزاری دوره‌های آموزش زبان فارسی در ۷ سطح

او با تاکید بر اینکه ما در مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان چهار جامعه مخاطب را داریم، اضافه کرد: جامعه اول دانشجویان غیرایرانی غیرفارسی‌زبان ما هستند. البته برای دانشجویان فارسی‌زبان نیز مثل برادران و خواهرانی که از افغانستان آمده‌اند یک سری برنامه‌هایی داریم اما تمرکز اصلی ما روی دانشجویان غیرفارسی‌زبان است. خانواده دانشجویان غیرایرانی جامعه دوم و همچنین علاقه‌مندان به زبان فارسی در خارج از مرزهای جغرافیایی به‌عنوان جامعه سوم و هدف ما مدنظر است. درخصوص اعضای هیات علمی دانشگاه به‌عنوان مخاطب و جامعه هدف چهارم برنامه تشکیل شبکه مدرسان زبان فارسی را مدنظر قرار دادیم. برای دانشجویان غیرایرانی غیرفارسی‌زبان یک برنامه دوره‌های آموزش زبان فارسی در هفت سطح خواهیم داشت. دانشجویان باید این دوره‌ها را حین و بعد از تحصیل ببینند و سپس آزمون بسندگی بدهند. اولین آزمون عمومی بسندگی زبان فارسی نیز همان‌طور که پیش‌تر گفتم روز جمعه برگزار می‌شود.»

خبر

نشست بانوان نقش‌آفرین در واحد اهواز برگزار شد

نشست بانوان نقش‌آفرین در دانشگاه آزاد واحد اهواز ویژه استان‌های خوزستان، ایلام و بوشهر با حضور عاصمه قاسمی مشاور رئیس دانشگاه آزاد در امور زنان و خانواده، علی افروس رئیس دانشگاه آزاد استان خوزستان و رابطان امور زنان و خانواده در استان‌های خوزستان، ایلام و بوشهر در واحد اهواز برگزار شد. قاسمی در این نشست بر آسیب‌شناسی نهادهای آموزشی به‌ویژه در سطح آموزش عالی تاکید کرد و گفت: «عملکرد دانشگاه آزاد در این زمینه بسیار خوب بوده و تدوین دو سند بالادستی تحول و تعالی و بیانیه تعلیم و تربیت نتیجه این آسیب‌شناسی است.» وی چرخش تحول‌آفرین دانشگاه آزاد از یک محیط صرفا علمی-پژوهشی به یک محیط کارآمد در عرصه فرهنگی و تربیتی را از جمله اهداف سند تحول و تعالی این دانشگاه دانست و افزود: «هدف‌گذاری برای تربیت افراد متخصص در تراز فرهنگی موجب شده برخی ارکان همچون خانواده و زنان در اولویت دانشگاه قرار بگیرند و نقش تربیتی اساتید برجسته‌تر شود.» مشاور رئیس دانشگاه آزاد در امور زنان و خانواده با تشریح الگوی هویتی جدید زنان پس از انقلاب اسلامی و مقایسه آن با دو الگوی سنتی و غربی، این الگو را زمینه‌ساز دو نقش‌آفرینی مهم و اثرگذار زنان در دو کانون خانواده و اجتماع عنوان کرد. قاسمی خواستار ارائه راهکارهای مقابله با موانع و محدودیت‌های ساختاری و فرهنگی تحقق الگوی هویتی زنان در سطح دانشگاه و جامعه از سوی رابطان امور زنان و خانواده در واحدهای دانشگاه آزاد شد. علی افروس همچنین در این نشست با اشاره به رویکرد تحولی دانشگاه در همه حوزه‌ها به‌ویژه زنان و خانواده ذیل سند تحول و تعالی، تشکیل دفتر امور زنان و خانواده، تشکیل کمیته‌های تخصصی، شبکه‌سازی بانوان نقش‌آفرین دانشگاه، تهیه پیوست‌های فرهنگی برای ازدواج آسان و ترغیب جوانان به این امر، ایجاد باشگاه دختران، اتاق والد و کودک، طرح راه‌اندازی سازمان تربیت اسلامی (تاک) با هدف ارتقای دانش تعلیم و تربیت اسلامی و تربیت مربیان کودک را از جمله اقدامات دانشگاه آزاد واحد اهواز در حوزه زنان و خانواده عنوان کرد.

راه‌اندازی دانشکدگان تعلیم و تربیت اسلامی در ۱۵ استان

نخستین جلسه تبیین و ماموریت‌های معاونت علوم تربیتی و مهارتی مرتبط با مدیران گروه کشوری و دانشکدگان تعلیم و تربیت اسلامی در سالن کنفرانس سازمان مرکزی برگزار شد. در این جلسه فاطمه حمیدی‌فر معاون آموزش‌های عمومی و تعالی مدارس و رئیس دانشکدگان تعلیم و تربیت اسلامی، رمضان جهانیان مدیرگروه تخصصی کشوری در حوزه تربیت معلم و مربی، بهمن گرجیان مدیرگروه تخصصی کشوری در رشته‌های آموزش زبان‌های خارجی، خدیجه ابوالمعالی مدیرگروه تخصصی کشوری در حوزه رشته‌های روانشناسی تربیتی کودکان استثنایی و مشاور شغلی و مدرسه و جمعی از مدیران حوزه ستادی حضور داشتند. فاطمه حمیدی تصریح کرد: «جریان تحول و تعالی از سال ۱۳۹۸ آغاز و با توجه به ارتقای کیفی دوره‌های آموزشی و جریان علمی مرجعیت‌ساز و تمدن‌آفرین که منجر شد موضوعیت معاونت‌ها از حالت سنتی خود که به‌صورت جریان پروتکلی در دانشگاه‌ها بود به جریان هویتی دانشی و پژوهشی اثربخش در حوزه معاونت‌های موضوعی در دانشگاه آزاد تبدیل شود.» وی با اشاره به جریان سند تحول و تعالی دانشگاه آزاد اظهار کرد: «بحث دانشکدگان تعلیم و تربیت اسلامی از دیرباز به‌عنوان یک طرح برای دانشگاه آزاد لحاظ شده بود و با جریان‌سازی و هدف اینکه فارغ‌التحصیلان پس از اتمام تحصیل در دانشگاه اثربخش عمل کنند اهداف آن تبیین شد.» حمیدی‌فر بیان کرد: «دانشگاه آزاد نزدیک به ۴۰۷ واحد دانشگاهی و مراکز آموزشی دارد که جامعه افرادی که رشته‌های علوم تربیتی و رشته‌های مرتبط به آن بالای صد هزار نفر در حوزه دانشجویی هستند. همچنین ۸۰۸ مدرسه سما در مدارس کشور نزدیک به ۱۵۰ هزار دانش‌آموز و در حدود ۱۴ هزار پرسنل در مدارس مشغول به فعالیتند.» حمیدی‌فر گفت: «دانشکده‌های تعلیم و تربیت اسلامی در ۱۵ استان درحال راه‌اندازی می‌باشند و با توجه به تعداد دانشجویان در ساختار مرتبط فعالیت خود آغاز می‌کنند.» وی هدف از جلسه پیش روی را ایجاد شوراهای تخصصی و همیاری با کمیته‌های تخصصی هیات علمی با مدیران سما در حوزه‌های آموزشی و پژوهشی دانست و تشریح کرد: «در راستای این هدف با تربیت عوامل انسانی در میادین آموزشی، ۳۲ رشته مرتبط در قلمرو حوزه معاونت انسانی علوم آموزش ریاضی و یک رشته در گروه معاونت پایه مهندسی کشاورزی با توجه به سیاست‌های تدوین‌شده و ۹ گروه کشوری نیز ایجاد، که موظف است سیاست‌های کلی سند تحول و تعالی را پیاده‌سازی کند.» معاون آموزش‌های عمومی و تعالی مدارس و رئیس دانشکدگان تعلیم و تربیت اسلامی با اشاره به بحث مجلات علمی و پژوهشی افزود: «۲۵ مجله مرتبط به رشته‌های مرتبط با دانشکدگان تعلیم و تربیت اسلامی در حال حاضر در دانشگاه آزاد موجود است که به‌ترتیب می‌تواند برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی نقش‌آفرینی کند.»

رویداد «صدرا ۳» در واحد نجف‌آباد برگزار می‌شود

فرید نعیمی، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد جامع مستقل نجف‌آباد در گفت‌وگو با ایسکانیوز اظهار کرد: «این رویداد با حضور ۱۰۰ شرکت و ظرفیت ۱۰۰۰ فرصت شغلی برگزار می‌شود و شورای کشوری هم در همین رویداد تشکیل می‌شود.» وی ادامه داد: «در این رویداد تمامی اعضای هیات رئیسه دانشگاه آزاد و روسای ۳۱ واحد کشور حضور خواهند داشت و پیش‌بینی می‌کنیم حدود سه هزارنفر از این رویداد بازدید داشته باشند.» نعیمی تصریح کرد: «این رویداد در راستای اجرای طرح پویش و با حضور ۱۰۰ شرکت برگزار می‌شود و دانشجویان می‌توانند با ارائه رزومه از این فرصت استفاده کنند تا در قالب طرح پویش جذب صنعت شوند.» وی درباره رویکرد و اهداف رویداد صدرا نیز گفت: «صدرا مخفف «صنعت، دانشگاه، راه اشتغال» است و یکی از کارکردهای مهم آن، اجرای طرح پویش است. با توجه به اینکه اصفهان مبدع این طرح بوده و سرانه صنایع در این استان نسبت به سایر استان‌ها بالاتر است ما نیز در دانشگاه آزاد نجف‌آباد به این موضوع توجه ویژه‌ای کردیم.»

کنگره بین‌المللی «عرفان اسلامی» در شاهرود برگزار می‌شود

مهدی نویدادهم، دبیرکل هیات موسس دانشگاه آزاد در دیدار با حسینعلی سمیعی، رئیس دانشگاه آزاد واحد شاهرود از برگزاری کنگره بین‌المللی عرفان اسلامی در شاهرود خبر داد. وی اضافه کرد: «کنگره بین‌المللی عرفان اسلامی در بزرگداشت بایزید بسطامی و شیخ ابوالحسن خرقانی مهر ۱۴۰۳ در شاهرود با محور و مدیریت دانشگاه آزاد برگزار می‌شود.» دبیرکل هیات موسس دانشگاه آزاد افزود: «کنگره بین‌المللی عرفان اسلامی با همراهی کمیته فرهنگ و هنر اسلامی در این شهرستان برگزار می‌شود و در این راستا می‌توان از ظرفیت‌های کشور و استادان داخل و خارج از کشور استفاده کرد.» رئیس دانشگاه آزاد واحد شاهرود هم در دیدار خود با دبیرکل هیات موسس دانشگاه آزاد و عبدالمهدی مستکین مدیرگروه فرهنگ کمیسیون ملی یونسکو، برگزاری نخستین کنگره جهانی نکوداشت هزاروپنجاهمین سال تولد شیخ ابوالحسن خرقانی از مشاهیر ثبت‌شده ایران در فهرست مشاهیر جهانی یونسکو را گام مهمی برای شناسایی ظرفیت‌های شهرستان شاهرود خواند. سمیعی متذکر شد: «دانشگاه آزاد واحد شاهرود با تمام توان آماده است برای برگزاری این رویداد بزرگ فرهنگی که در سطح بین‌المللی برگزار می‌شود حضور فعالی داشته باشد.»

سه‌شنبه ۲ آبان ۱۴۰۲
شماره ۳۹۸۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

۷۴ پایان‌نامه دانشجویان دانشگاه آزاد مورد حمایت مالی فولاد مبارکه قرارگرفت

بازی برد-برد صنعت و دانشگاه

حمایت ۱۰۰ میلیون تومانی فولادی‌ها از پایان‌نامه‌ها

سارا طاهری
خبرنگار گروه دانشگاه

نقش دانشگاهیان در حل مسائل کشور سابقه طولانی دارد اما این روزها وارد مرحله جدیدی شده است. در سال‌های اخیر دانشگاهیان بیش از گذشته در میدان حل مساله حضور پیدا کرده‌اند و اعتماد به حوزه علم و تا حدودی مرجع شدن آن در جامعه افزایش یافت. از این رو مدتی است صنایع برای حل مشکلات و چالش‌های خود از دانشگاه‌ها کمک می‌گیرند و در ازای حل مشکلات‌شان از دانشجویان حمایت می‌کنند. فولاد مبارکه اصفهان نیز در آخرین اقدام خود قرار است از پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌هایی که در راستای کلان روندهای این صنعت باشد حمایت کند. این حمایت در مقطع دکتری ۱۰۰ میلیون تومان و در مقطع ارشد ۵۵ میلیون تومان است. اولین جلسه کمیته عالی دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان اصفهان اردیبهشت و دومین جلسه نیز هفدهم مهرماه امسال در همین راستا برگزار شد. فولاد مبارکه برای ۹ کلان‌روند خود ۱۵ دانشگاه را انتخاب کرده است که دانشگاه آزاد استان اصفهان و واحد نجف‌آباد نیز از جمله این دانشگاه‌ها هستند. تاکنون هم از ۱۵ دانشگاه هزار و ۱۰۰ پایان‌نامه به فولاد مبارکه ارسال شده که از این تعداد حدود ۳۷۴ پایان‌نامه انتخاب و تایید شده و ۳۰۰ پایان‌نامه هم در دست بررسی است. تعداد ۴۶ پایان‌نامه از دانشگاه آزاد استان اصفهان و ۶۵ پایان‌نامه از واحد نجف‌آباد بوده است.

پایداری و تولید فولاد سبز، انقلاب صنعتی چهارم (رباتیک، هوش مصنوعی، واقعیت مجازی و واقعیت افزوده، امنیت سایبری، اینترنت اشیاء، پایش سلامت هوشمند، پرینتر سه‌بعدی، بلاک‌چین، خودروهای برقی)، اقتصاد چرخشی (سرباره، پساب، انرژی، ضایعات آهنی، ضایعات جامد غیرآهنی و گازهای خروجی)، منابع سنگ‌آهن (منابع کم‌عیار هماتیتی، منبع کم‌عیار غیرهماتیتی، اکتشاف معادن و حسگرهای کوانتومی)، مواد مصرفی، تجهیزات و فرآیندها (مواد مصرفی متالوژیکی، مواد مصرفی شیمیایی، تجهیزات نوین، فرآیندهای نوین)، محصولات فولادی پیشرفته (محصولات با ارزش افزوده بالا)، انرژی (تولید برق از صنایع تجدیدپذیر، خطوط انتقال گاز، پایش و هوشمندسازی مصرف انرژی)، روندهای صنایع مرتبط (فرآوری فلزات اساسی کم‌عیار) و فراتر از صنعت فولاد (عناصر خاکی/لیتیم، مواد جایگزین فولاد) ۹ کلان روند فولاد مبارکه است.

در این گزارش با حمیدرضا ارفع، کارشناس شرکت پشتیبانی و توسعه فناوری و نوآوری فولاد مبارکه و حمیدرضا نظری مدیر مراکز نوآوری دانشگاهی MSTID و عضو هیات‌علمی دانشگاه آزاد واحد اصفهان درباره نحوه حمایت فولاد مبارکه از دانشجویان به گفت‌وگو نشسته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

مدیر مراکز نوآوری دانشگاهی MSTID:

دانشجویان دکتری تا سقف ۱۰۰ میلیون حمایت می‌شوند

حمیدرضا نظری، مدیر مراکز نوآوری دانشگاهی MSTID و عضو هیات‌علمی دانشگاه آزاد اصفهان (خوراسگان) گفت: «فولاد مبارکه در سیاست نوآوری خود یکی از مراحلی که انجام می‌دهد حمایت از پایان‌نامه‌هاست. درواقع فولاد مبارکه از کسانی که پایان‌نامه خود را در زمینه‌های کلان روندهای فولاد ارائه دهند، حمایت می‌کند که این حمایت در مقطع کارشناسی‌ارشد تا سقف ۵۵ میلیون و دکتری تا سقف ۱۰۰ میلیون است. البته این حمایت در دانشگاه آزاد به‌صورت دیگری است و قرار شده سقف حمایت پایین‌تر ولی تعداد دانشجویانی که از آنها حمایت می‌شود، بیشتر شود.»

نظری در ادامه تصریح کرد: «به‌طور مثال دانشگاه آزاد واحد نجف‌آباد امسال ۱٫۵ میلیارد حمایت مالی می‌شود. اگر مبلغ حمایت کاهش پیدا کند معنی‌اش آن است که تعداد دانشجویان بیشتری حمایت می‌شود، بنابراین سقف حمایت مالی در واحد نجف‌آباد به پیشنهاد خود دانشگاه پایین‌تر آمد تا تعداد دانشجویان بیشتری حمایت شوند. این حمایت در واحد نجف‌آباد در مقطع دکتری ۴۰ میلیون و مقطع ارشد ۲۵ میلیون است.»

او بیان کرد: «هدف این است افرادی که از پایان‌نامه‌های آنها حمایت شده و با فرآیندهای فولاد مبارکه آشنا می‌شوند اقدام به تشکیل تیم و هسته کنند و بتوانند پروژه‌های بزرگ‌تری را با فولاد مبارکه انعقاد قرارداد داشته باشند. درنهایت از بین آن هسته‌ها یک‌سری شرکت نوپا تشکیل و از بین شرکت‌های نوپا شرکت‌های دانش‌بنیانی که توانمند به حل چالش و مسائل صنعت هستند، ایجاد شود.»

او اضافه کرد: «مساله اساسی این است که تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان به نسبت مشکلات صنعت کمتر است، یعنی تعداد مسائل بیشتر از شرکت‌هایی است که بتوانند این مسائل را حل کنند، برای اینکه بتوانیم پروسه افزایش شرکت‌های دانش‌بنیان را دنبال کنیم، استیج‌های قبلی را هدف قرار دادیم. باید به این نکته توجه کرد که ورودی اکوسیستم فناوری و نوآوری کشور اساتید دانشگاه‌ها و دانشجویان تحصیلات تکمیلی هستند و ما هرچقدر بتوانیم تعداد این افراد را -به‌لحاظ اینکه به موضوعات صنعت و فولاد مبارکه ورود کنند- بیشتر کنیم، نهایتا شاهد آن خواهیم بود که بعد از گذشت مدت زمانی تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان نیز که به مسائل فولاد مبارکه فکر می‌کنند، زیاد شده است.»

هدف‌گذاری تشکیل ۵۰ شرکت دانش‌بنیان در فرآیند حل مسائل فولاد

مدیر مراکز نوآوری دانشگاهی MSTID و عضو هیات‌علمی دانشگاه آزاد خوراسگان تصریح کرد: «برنامه‌ریزی‌مان این است که از ۵۰۰ پایان‌نامه حمایت کنیم تا از بین آنها حدود ۲۰۰ هسته تشکیل شود و در گام بعدی از بین این ۲۰۰ هسته ۵۰ شرکت دانش‌بنیان وارد سرمایه‌گذاری شود. یکی از اتفاق‌هایی که دنبال آن هستیم، این است که فولاد مبارکه در شرکت‌های دانش‌بنیان درحال سرمایه‌گذاری است و قصد دارد با تزریق پول نقد به آنها بتواند توسعه محصول دهد یا ایده خود را عملیاتی کند.»

نظری اظهار داشت: «در ابتدا عناوین پروپوزال‌هایی را که تقریبا با کلان روندهای فولاد همسو باشند انتخاب و از آنها حمایت می‌کنیم که هنوز این فرآیند به اتمام نرسیده‌اند. شروع این کار از بهار امسال بوده و بازه آن زمان خاصی ندارد و ممکن است یک پایان‌نامه در حدود ۹ ماه و یک پایان‌نامه در مقطع دکتری سه‌سال به‌طول انجامد.» او بیان داشت: «۱۵ دانشگاه کشور در این طرح انتخاب شدند؛ شریف، امیرکبیر، تهران، خواجه نصیر، شهید بهشتی، شهرکرد، یزد، هرمزگان، بوشهر، فردوسی مشهد، اصفهان، دانشگاه آزاد اصفهان و نجف‌آباد ازجمله این دانشگاه‌ها بودند.» نظری توضیح داد: «در چند دانشگاه درحال ایجاد مرکز نوآوری هستیم. در دانشگاه صنعتی اصفهان، شهرکرد، یزد و نجف‌آباد و آزاد اصفهان فعالیت‌مان با شتاب بیشتر و متمرکزتر اتفاق می‌افتد. بخشی از این مراکز افتتاح شده و بخشی نیز درحال راه‌اندازی است.»

مدیر مراکز نوآوری دانشگاهی MSTID و عضو هیات‌علمی دانشگاه آزاد خوراسگان همچنین به چرای انتخاب این ۱۵ دانشگاه تاکید کرد: «تلاش کرده‌ایم دانشگاه‌هایی را انتخاب کنیم که می‌توانند نیروهای انسانی هدف ما را تامین کنند. کسانی توانمند به حل مشکلات صنعت هستند. در دانشگاه آزاد نجف‌آباد مرکز نوآوری راه‌اندازی شده و در دانشگاه آزاد اصفهان مکان شناسایی و طراحی معماری انجام شده است و منتظر اجرای معماری هستیم.»

۷۴ گرنت به دانشجویان آزاد استان اصفهان تعلق می‌گیرد

او بیان کرد: «دانشجویانی که پایان‌نامه‌های آنها انتخاب می‌شوند می‌توانند از فولاد مبارکه بازدید کنند و درکنار آن یک‌سری دوره‌های توانمندسازی داریم. درواقع دانشجویی که مورد حمایت فولاد مبارکه قرار بگیرد با صرف انجام پایان‌نامه رها نمی‌شود، بلکه مباحث توسعه فردی را دنبال می‌کنیم، چون اگر شخصی بتواند رشد کند، حتی اگر صنعت فولاد مبارکه نشود می‌تواند برای خود و جامعه شخصی ارزشمند باشد و هر جای دیگر نیز برای کار مفید باشد.»

مدیر مراکز نوآوری دانشگاهی MSTID و عضو هیات‌علمی دانشگاه آزاد خوراسگان خاطرنشان کرد: «به همین دلیل تست شخصیت برای دانشجویان گذاشته می‌شود. در مرحله اول براساس خروجی‌های تست و مصاحبه‌ای که با آن فرد انجام می‌دهد پروفایل شخصی ایجاد شده و براساس آن پروفایل به او پیشنهاد می‌شود یک‌سری دوره‌ها را طی کند تا بتواند مهارت‌های خود را افزایش دهد. در این دوره‌ها برای همه افراد امکانی را درنظر گرفتیم که می‌توانند در سایت مکتب‌خانه و به‌صورت آزاد یک‌سال هر دوره‌ای را که خواستند بگذرانند.»

نظری گفت: «ماهانه جلساتی با این فرد انجام و پیشرفت او تست می‌شود که چه دوره‌هایی را گذرانده است. بحث‌های شخصیتی تا آخر فرآیند تست می‌شود که ممکن است شش تا ۹ ماه طول بکشد تا ارتقایی در ویژگی‌های شخصیتی و توانمندیی‌های دانشجو اتفاق افتاد باشد.»

او تاکید کرد: «در کل از ۱۵ دانشگاه حدود ۱۱۰۰ پایان‌نامه به دست ما رسیده‌اند که از این تعداد حدود ۳۷۴ پایان‌نامه انتخاب و تایید شده و ۳۰۰ پایان‌نامه در دست بررسی است، همچنین حدود ۷۴ پایان‌نامه از دانشگاه‌های آزاد استان اصفهان تایید شده است. به‌عبارت بهتر ۷۴ گرنت به دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد استان اصفهان (واحد خوراسگان و نجف‌آباد و...) تعلق خواهد گرفت.»

کارشناس شرکت پشتیبانی و توسعه فناوری و نوآوری فولاد مبارکه:

۱۱۱ پایان‌نامه از دانشگاه‌های آزاد اصفهان ارسال شد

حمیدرضا ارفع، کارشناس شرکت پشتیبانی و توسعه فناوری و نوآوری فولاد مبارکه گفت: «شرکت MSTID شرکت نوآوری و فناوری فولاد مبارکه است؛ این شرکت برای صنعت فولاد ۹ کلان چالش که صنعت فولاد با آن مواجه می‌شود، را مشخص کرده است. این شرکت به دانشگاه‌ها اعلام کرده و از آنها خواسته است که اگر در قالب این محورها پژوهشی صورت گرفت یا پایان‌نامه‌ای تعریف شد، از آن دانشگاه حمایت می‌کند.» او اضافه کرد: «ما با ۱۵ دانشگاه تفاهمنامه همکاری داریم و دانشگاه آزاد استان اصفهان از جمله واحد نجف‌آباد نیز یکی از این دانشگاه‌هاست. حمایت‌مان به این صورت است که از این ۶۰ درصد مبلغ حمایتی به دانشجو و۲۰ درصد به استاد راهنما تعلق می‌گیرد. همچنین ۲۰ درصد نیز صرف توانمندسازی دانشجو توسط فولاد مبارکه می‌شود. در واقع یک مربی به مدت شش ماه با دانشجو همراه خواهد بود و برای او دوره‌های مختلفی تعریف می‌شود.» ارفع با بیان اینکه دانشجویان شرکت‌کننده در این دوره‌ها می‌توانند به فیلم‌های دوره‌ها دسترسی داشته باشند، اظهار کرد: همچنین به شکل حضوری نیز این دوره‌ها را می‌توانند بگذرانند. این دوره‌ها متناسب با ویژگی‌های شخصیتی هر فرد تعیین می‌شود. این اتفاق خوبی است که پژوهش‌های دانشگاه و دانشجویان هدفمند و مساله‌محور متناسب با نیاز صنعت کشور تعریف می‌شود. از سوی دیگر دانشجو در کنار پژوهش انجام‌شده توانمند نیز می‌شود تا با مهارت های عمومی کسب‌وکار نیز آشنا شود.»

کارشناس شرکت پشتیبانی و توسعه فناوری و نوآوری فولاد مبارکه با بیان اینکه هدف نهایی این است که دانشجویی که پژوهش انجام می‌دهد را در قالب هسته‌های فناور و نوآور شکل دهیم، اضافه کرد: «بعد از آن، روی این هسته‌ها سرمایه‌گذاری کرده تا تبدیل به شرکت‌های دانش‌بنیان شوند. کمترین بهره‌مان نیز این است که یک بانک اطلاعاتی از دانشجویان فارغ‌التحصیل داریم که به‌صورت هدفمند پژوهش کرده و متناسب با شخصیت‌شان یادگیری داشته و ارزیابی شده‌اند و ما بعدا می‌توانیم از پتاسیل‌های آنها استفاده کنیم.» ارفع تصریح کرد: «تاکنون پایان‌نامه‌های بسیار خوبی از دانشگاه آزاد واحد نجف‌آباد و دانشگاه آزاد استان اصفهان ارسال شده است، به‌طوری که تا به امروز تعداد ۴۶ پایان‌نامه از دانشگاه آزاد استان اصفهان و ۶۵ پایان‌نامه از واحد نجف‌آباد ارسال شده است.» او درباره چگونگی بررسی این پایان‌نامه‌ها گفت: «با حضور معاونان خود دانشگاه پایان‌نامه‌های ارسال‌شده را در شرکت مورد بررسی قرار داده و درصورتی‌که مرتبط با کلان روندهای صنعت فولاد باشند، آنها را اولویت‌بندی کرده تا تخصیص گرنت برای آنها صورت بگیرد. در واقع یک داوری اولیه صورت گرفته و بعدا این داوری در کمیته عالی که مسئولان دانشگاه نیز در آن حضور دارند مورد بحث قرار گرفته و ممکن است جابه‌جایی نیز انجام شود. بعد از مشخص شدن این پایان‌نامه صورت جلسه شده و بعد به دانشجو اعلام می‌شود که می‌تواند کار خود را آغاز کند.»

ارفع در ادامه درخصوص چگونگی انجام پژوهش درباره کلان روندها نیز بیان کرد: «در همه این کلان روندها نیاز به پژوهش داریم. همچنین دانشگاه‌های دولتی نیز مانند دانشگاه صنعتی اصفهان، در دو مرحله عقد قرارداد داشتند و استقبال خوبی از سوی دانشجویان این دانشگاه صورت گرفته است. با دانشگاه تهران و خواجه‌نصیر هم تفاهمنامه داریم.»

توانمندسازی دانشجو منوط به دفاع پایان‌نامه نیست

کارشناس شرکت پشتیبانی و توسعه فناوری و نوآوری فولاد مبارکه گفت: «البته ممکن است برخی از این پایان‌نامه‌ها متناسب با کلان‌روندهای ما نباشد و پذیرفته نشود. اما تلاش ما این است که با کمک مسئولان دانشگاه آزاد و اساتید به مفاهمه‌ای برسیم که خود دانشجویان و اساتید به سمت حرکتی کنند که پژوهش‌های مورد نیاز فولاد را تعریف کنند.» او بیان کرد: «فرآیند زمان واریز بودجه منوط به انجام دفاع است. البته تلاش‌مان این است که ۳۰ درصد را به‌عنوان پیش‌پرداخت و مابقی را بعد از دفاع به دانشجو پرداخت کنیم اما به محض اینکه پایان‌نامه در کمیته عالی مورد تایید قرار بگیرد فرآیند توانمندسازی آنها شروع می‌شود. درواقع فرآیند توانمندسازی دانشجو منوط به دفاع پایان‌نامه نیست و به‌محض تایید پایان‌نامه فرآیند توانمندسازی آغاز می‌شود.» او در پاسخ به این سوال که شرایط حضور دانشجو در فولاد مبارکه نیز فراهم می‌شود یا خیر، توضیح داد: «اگر نیاز به حضور باشد، یعنی دانشجو نیاز داشته باشد به آمار و ارقام دست یابد، با همکاری خود دانشگاه و فولاد مبارکه این اتفاق می‌افتد و امکان بازدید هم دارد. درهرحال این روند از امسال آغاز شده است. در دوره جدید فولاد مبارکه یک شرکت جدید تاسیس شده که حدود دوسال از تاسیس آن گذشته و تلاش‌مان این است که در واحد مراکز نوآوری دانشگاهی مسائل مرتبط با صنعت فولاد در حوزه فناوری و نوآوری به‌خصوص مسائل مربوط به آینده صنعت فولاد نه مسائل امروز را به دانشگاه‌ها اعلام کنیم تا در این حوزه‌ها پژوهش انجام دهند و از این طریق صنعت فولاد کشور نسبت به ترندهای جهانی که اتفاق می‌افتد، جا نمانند.»

سه‌شنبه ۲ آبان ۱۴۰۲
شماره ۳۹۸۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مدیران آزمایشگاه‌های دانشگاهی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تشریح کردند

در جست‌وجوی تامین مواد اولیه آزمایشگاه‌ها

مطهره سادات‌قاسمی
خبرنگار گروه دانشگاه

آزمایشگاه‌ها منشأ تولید بسیاری از دیتاها و اطلاعات علمی بوده و از این رو در حوزه علم نقش مهمی ایفا می‌کنند. اهمیت این حوزه در پیشبرد برنامه‌های علمی و فناوری در دنیا به‌حدی است که به‌روز نگه‌داشتن تجهیزات آزمایشگاهی در مراکز آکادمیک معتبر دنیا یکی از موضوعات حائز اهمیت به شمار می‌رود؛ چراکه هرچه این تجهیزات به‌روزتر بوده و منابع مالی بیشتری به این بخش تخصیص پیدا کند، طبیعتا فعالیت‌های تحقیقاتی صورت‌گرفته در آزمایشگاه‌ها هم از ضریب اطمینان بیشتری برخوردار خواهد بود. علی‌رغم نقش تعیین‌کننده آزمایشگاه‌ها در پیشبرد علم، اما حمایت‌های چندانی از آزمایشگاه‌های دانشگاهی در کشور صورت نمی‌گیرد و همین مساله چالش‌های جدی برای اساتید و دانشجویان ایجاد کرده است. در این میان البته باید به این مساله هم اشاره کرد که از سال ۹۵ انجمن تحقیقات آزمایشگاهی ایران در کشور شکل گرفت تا بستر برای پیگیری مطالبات جامعه آزمایشگاهی کشور شکل بگیرد. انجمنی که به‌نظر می‌رسد هنوز نتوانسته آن‌طور که باید بازوی حمایتی برای رفع چالش‌های این حوزه باشد. «فرهیختگان» در گفت‌وگو با احمد آقایی رئیس انجمن تحقیقات آزمایشگاهی ایران و دو تن از روسای آزمایشگاه‌های دانشگاهی جوانب مختلف چالش‌های آزمایشگاه‌ها را مورد بررسی قرار داده است.

رئیس انجمن تحقیقات آزمایشگاهی ایران: کمبود منابع مالی رسیدگی به آزمایشگاه‌ها را در اولویت آخر قرار داده است

احمد آقایی، رئیس انجمن تحقیقات آزمایشگاهی ایران و مدیر آزمایشگاه مرکزی دانشگاه مراغه گفت: «انجمن تحقیقات آزمایشگاهی ایران تنها انجمن علمی دارای مجوز از وزارت علوم است، البته این انجمن در حوزه آزمایشگاه‌های علوم پزشکی ورود نمی‌کند. درباره تاسیس این انجمن هم باید بگویم سال ۹۵ با همکاری معاون فنی مدیرکل دفتر حمایت و پشتیبانی امور پژوهش و فناوری وزارت علوم و رئیس «شاعا» تصمیم گرفتیم انجمنی تاسیس شود تا به‌عنوان یک مجموعه مردم‌نهاد بتواند فعالیت‌های جامعه آزمایشگاهی کشور را پیگیری کند.» او با تاکید بر اینکه ساختارهای دولتی برای پیگیری فعالیت‌های آزمایشگاهی کشور محدودیت‌هایی دارند، گفت: «مجموعه‌های مردم‌نهاد با اختیاراتی که از دولت دارند، برای پیگیری مطالبات دست‌شان بازتر است. در سال ۹۷ نیز توانستیم مجوز انجمن تحقیقات آزمایشگاهی را از کمیسیون انجمن‌های علمی وزارت علوم اخذ کنیم یعنی حدودا پنج سال از عمر تاسیس انجمن می‌گذرد. همچنین در حال حاضر ۱۱ نفر عضو انجمن بوده که ۹ نفر اعضای اصلی و دو نفر عضو علی‌البدل هستند.» رئیس انجمن تحقیقات آزمایشگاهی ایران با اشاره به اقداماتی که انجمن تحقیقات آزمایشگاهی ایران در حمایت از آزمایشگاه‌ها انجام داده است، گفت: «از مهم‌ترین اقدامات را باید برگزاری کنفرانس علمی سالانه دانست، امسال چهارمین دوره آن است. اولین دوره این کنفرانس به‌دلیل شرایط کرونایی کشور به‌صورت مجازی در دانشگاه شیراز بود. دومین دوره در دانشگاه شهید بهشتی نیز به‌صورت مجازی برگزار شد، اما در دوره سوم در سال ۱۴۰۱ شرایط عادی شد و توانستیم این کنفرانس را در دانشگاه محقق اردبیلی به‌صورت حضوری برگزار کنیم. این کنفرانس در سه دوره قبلی رویکرد ملی داشت، اما امسال اولین دوره بین‌المللی و چهارمین دوره کنفرانس تجهیزات و فناوری آزمایشگاه‌ها را در دانشگاه الزهرا برگزار کردیم.» آقایی با بیان اینکه انجمن تحقیقات آزمایشگاه‌های ایران، ستاد شبکه آزمایشگاهی علمی ایران (شاعا) و دانشگاه میزبان به‌عنوان سه ضلع برگزارکننده کنفرانس تجهیزات و فناوری آزمایشگاه به شمار می‌روند، گفت: «یکی دیگر از مراسم بزرگی که توسط انجمن برگزار می‌شود، مراسم روز ملی آزمایشگاه است. سمینار سالانه (HSE) ایمنی، بهداشت و محیط زیست که اولین دوره آن سال گذشته در نمایشگاه شهر آفتاب تهران برگزار شد هم از دیگر برنامه‌های ما بوده است. امیدواریم دومین دوره آن را نیز امسال برگزار شود.»

توزیع اعتبارات حوزه آزمایشگاه نیازمند نظم بیشتری است

وی با اشاره به برنامه‌های این انجمن برای تقویت آزمایشگاه‌ها و برطرف کردن خلأها بیان داشت: «هدف انجمن از برگزاری کنفرانس‌ها و نشست‌های متعدد، نیازسنجی جامعه آزمایشگاهی ایران است. یکی از خواسته‌های مهم جامعه آزمایشگاهی این است اعتباراتی که در حوزه آزمایشگاهی در کشور از طریق وزارت علوم توزیع می‌شود، نظم بهتری بگیرد و دارای شاخص‌های مشخصی باشد. به‌اصطلاح این انتظار وجود دارد که حق هر آزمایشگاه با توجه به عملکرد و خدماتی که ارائه می‌کند، داده شود. باید مشخص شود که اعتبارات به چه نحوی در کشور هزینه می‌شود و رصد شود که هر آزمایشگاه چه دستگاه‌هایی خریداری و چه استفاده‌ای از آنها می‌کنند.» رئیس انجمن تحقیقات آزمایشگاهی ایران، ادامه داد: «متولی برگزاری دوره‌های توانمندسازی فنی و تخصصی برای کارشناسان آزمایشگاه‌ها نیز انجمن تحقیقات آزمایشگاهی ایران است. یکی از مشکلات ما این است که دستگاه‌های های‌تک و با فناوری بالا برای آزمایشگاه‌ها زیاد خریداری می‌شود، اما کارشناسی که متخصص دستگاه بوده و بتواند استفاده درستی از آن داشته باشد، نداریم که رفع این مشکل نیز بعد از هماهنگی با وزارت علوم به این انجمن واگذار شده است.» آقایی در همین زمینه افزود: «در حال تدوین طرح این دوره هستیم و امیدواریم همین امسال موفق به برگزاری دوره شویم. همچنین پیگیر سختی کار کارشناسان آزمایشگاه‌ها نیز هستیم؛ هر چند در وزارت بهداشت سختی کار آزمایشگاه‌ها تایید شده، اما وزارت علوم چنین تعریفی ندارد. از این رو می‌خواهیم سختی کار کارشناسان قانون شده و در همه دانشگاه‌ها با توجه به شاخص‌های این مساله سختی‌کار به کارشناسان مربوطه تعلق گیرد تا اگر مسئول آزمایشگاه تصمیم به خرید یا تعمیر تجهیزات گرفت، بداند که کدام شرکت اعتبار و رتبه بالاتری دارد.»

برخی از دستگاه‌ها در آزمایشگاه بلااستفاده مانده است

او با بیان اینکه متاسفانه در ایران از امکانات موجود در آزمایشگاه نیز استفاده درستی نمی‌کنیم، بیان کرد: «می‌شنویم که برخی از دستگاه‌ها در آزمایشگاه بلااستفاده مانده است، ما در انجمن می‌توانیم به‌عنوان نهاد مشورتی برای سیاستگذاری‌ها در این زمینه به وزارت علوم مشورت داده یا پروپوزالی ارائه دهیم تا مشکل این بخش حل شود. یکی دیگر از دغدغه‌های ما نیز قطعا مساله آمایش تجهیزات آزمایشگاهی است که آن را به‌صورت ویژه پیگیری خواهیم کرد.» رئیس انجمن تحقیقات آزمایشگاهی ایران با اشاره به مجوز تسهیلات ۲ هزار میلیارد تومانی مقام معظم رهبری درجهت تجهیز آزمایشگاه‌ها گفت: «خوشبختانه دیدگاه خوبی در راستای تجهیز آزمایشگاه‌ها وجود داشته و این اتفاق هم افتاده است؛ هرچند تصمیم‌گیرندگان در وزارت علوم تشخیص دادند که بخشی از این اعتبار را به حوزه‌های دیگر دانشگاه تخصیص دهند و عنوان این تسهیلات را به محوطه‌سازی، تعمیر و تجهیزات تغییر دادند. از این رو باید بگویم اعتبار تجهیز آزمایشگاه‌ها در اختیار دانشگاه‌ها قرار گرفت، اما بسیاری از دانشگاه‌ها آن در حوزه‌هایی غیر از آزمایشگاه استفاده کردند. جامعه آزمایشگاهی امید زیادی به این اعتبار داشتند اما متاسفانه رویکرد تغییر کرد؛ هرچند قول‌هایی داده شده مبنی‌بر اینکه در ماه‌های آتی این هزینه جایگزین خواهد شد.»

تامین مواد اولیه آزمایشگاه‌های آموزشی چالش سال تحصیلی جدید

آقایی با اشاره به چالش‌های آزمایشگاه‌ها در سال تحصیلی آتی بیان کرد: «آزمایشگاه‌های دانشگاه‌ها را باید در سه سطح بررسی کنیم؛ آزمایشگاه‌های آموزشی، پژوهشی و مرکزی. نکته دیگر اینکه بالاترین سطح تکنولوژی باید در آزمایشگاه‌های مرکزی استفاده شود و دستگاه‌هایی با فناوری متوسط نیز در آزمایشگاه‌های پژوهشی نصب شوند یعنی دانشجو بتواند آماده‌سازی طرح برای آنالیز را در آزمایشگاه پژوهشی دانشگاه انجام داده و برای آنالیزهای تکمیلی طرح را در آزمایشگاه مرکزی ادامه دهد.» وی افزود: «آزمایشگاه‌های آموزشی از بزرگ‌ترین چالش‌ها سال تحصیلی جدید است. متاسفانه سه‌سالی که کشور دچار ویروس کرونا بود، آزمایشگاه‌های آموزشی تحت‌تاثیر شرایط از کار افتادند. شاید کلاس‌های تئوری را می‌توانستیم از طریق فضای مجازی برگزار کنیم اما کیفیت درس‌های آزمایشگاهی به‌شدت تحلیل رفت، زیرا دانشجو باید محیط آزمایشگاه را تجربه و با دستگاه‌های مختلف آشنا می‌شد که شرایط آن وجود نداشت.» رئیس انجمن تحقیقات آزمایشگاهی ایران بیان داشت: «تامین مواد و وسایل مصرفی در کلاس‌های آزمایشگاهی یکی از چالش‌های مهم در سال جاری است که امیدواریم وزارت علوم در این زمینه برنامه‌ریزی کند و به آزمایشگاه‌ها بودجه‌های اختصاصی برای تامین مواد مصرفی اختصاص دهد.» رئیس انجمن تحقیقات آزمایشگاهی ایران در پاسخ به این سوال که چرا آزمایشگاه‌ها و مشکلات این حوزه برای روسای دانشگاه‌ها و مسئولان جزء اولویت‌های آخر است، گفت: «اعضای انجمن تحقیقات آزمایشگاهی ایران خود متولیان اصلی این حوزه هستند و اگر در بدنه سیاستگذاری حضور داشته باشند قطعا آزمایشگاه‌ها را در اولویت قرار خواهند داد. البته باید به روسای دانشگاه‌ها نیز حق داد، زیرا چالش‌های حوزه دانشگاه و دانشجویی ازجمله غذا و خوابگاه که احتیاج‌های اصلی دانشجو برای دانشگاه است، ضرورت بیشتری دارد.» آقایی بیان داشت: «اگر دانشگاه‌ها منابع مالی مطلوبی در اختیار داشته باشند، هیچ‌گاه آزمایشگاه‌ها را از امکانات و تسهیلاتی محروم نمی‌کنند که می‌توانند به آن تخصیص دهند اما باید بدانیم که مشکلات دانشگاه‌ها زیاد است و هنگامی که منابع مالی می‌رسد آن را برای مسائلی که به اعتقاد خودشان اولویت دارد هزینه خواهند کرد، یعنی عملا پژوهش و آزمایشگاه‌ها در اولویت آخر هستند. هرچند از نظر بنده خوراک و خوابگاه دانشجویان بسیار حائز اهمیت است اما امیدواریم تمهیداتی اندیشیده شود تا در سال‌های آینده شاهد عقب‌ماندگی آزمایشگاه‌ها نباشیم.»

رئیس آزمایشگاه مرکزی دانشگاه محقق اردبیلی: نبود منابع مالی مانع راه‌اندازی برخی دستگاه‌ها شده است

میرداریوش شکوری، رئیس آزمایشگاه مرکزی دانشگاه محقق اردبیلی با اشاره به وضعیت تخصیص تسهیلات دوهزار میلیارد تومانی برای تجهیز آزمایشگاه‌ها به دانشگاه محقق اردبیلی بیان کرد: «آخرین خبر در این زمینه حدود یک ماه پیش منتشر شد که مبلغی به دانشگاه‌ها اختصاص داده شده اما عنوان آن به محوطه‌سازی و تجهیز امکانات تغییر پیدا کرده است. به همین دلیل مناقشات جدی بین معاونت اداری و پژوهشی دانشگاه‌ها شکل گرفت.» او در همین زمینه افزود: «در وهله اول این خبر را به معاونت پژوهشی اعلام کردند و انتظار می‌رفت این ردیف بودجه به امر تعمیر و تجهیز آزمایشگاه‌ها اختصاص یابد اما معاونت مالی معتقد بود این تسهیلات صرفا به بخش اداری و مالی تخصیص یافته است. تا الان هیچ مبلغی برای تامین و تجهیز آزمایشگاه توسط دانشگاه به آزمایشگاه مرکزی محقق اردبیلی داده نشده و این بودجه در حوزه اداری و مالی دانشگاه هزینه می‌شود.» رئیس آزمایشگاه مرکزی دانشگاه محقق اردبیلی ادامه داد: «متاسفانه این اتفاق نه‌تنها باعث امید نشد، بلکه حس سرخوردگی را بین جامعه آزمایشگاهی ایجاد کرد، زیرا ما برنامه‌ریزی‌های لازم را برای تجهیز آزمایشگاه مرکزی و برطرف کردن نیازهای آزمایشگاه‌ها دانشکده‌ها انجام داده بودیم. متاسفانه این اقدام نتوانست عکس‌العمل خوبی در جامعه علمی داشته باشد.» شکوری با اشاره به چالش‌های آزمایشگاه‌ها در سال جدید تحصیلی گفت: «تجهیزات هایتک تاریخ مصرف دارد و رفع نیازهای آنها مستلزم بودجه است. مساله دیگر اینکه وجود دستگاهی‌های استاندارد از دید صنعتی، مخصوصا برای استان‌های مرزی که محصولات را صادر می‌کنند بسیار مهم هستند، همچنین برای استخراج دیتای طرح‌های مختلف به دستگاه مناسب نیازمندیم. نکته مهم‌تر تعمیر دستگاه‌های موجود در آزمایشگاه است که هزینه‌های بالایی به آزمایشگاه و دانشگاه تحمیل می‌کند؛ از طرفی بسیاری از دستگاه‌های آزمایشگاه محقق اردبیلی نیاز به تعمیر دارند که به‌دلیل عدم وجود منابع مالی و هزینه‌های بالا از راه‌اندازی مجدد آنها عاجز هستیم.»

کسب درآمد ۴۵۰ میلیون تومانی در سال ۱۴۰۱

او با بیان اینکه در این دانشگاه دستورالعمل‌های ایمنی حضور دانشجویان در آزمایشگاه‌ها مورد توجه جدی قرار گرفته است، تشریح کرد: «در معاونت پژوهشی مسئول کمیته HSE داریم و در سطح دانشکده‌ها نیز به‌صورت تفکیک‌شده مسئول مستقیم در این زمینه حضور دارد، همچنین برخی همکاران ما در دانشگاه محقق اردبیلی مدرس دوره‌ها HSE هستند. دانشجویان تحصیلات تکمیلی نیز برای حضور در آزمایشگاه موظفند این دوره‌ها را سپری کنند و پس از گواهی می‌توانند از امکانات آزمایشگاه استفاده کنند. مضاف بر اینکه ما به‌عنوان آزمایشگاه مرکزی با بازدیدهای دوره‌ای وضعیت کپسول‌های آتش‌نشانی، جعبه کمک‌های اولیه و... را بررسی می‌کنیم.» شکوری با اشاره به میزان کسب درآمد آزمایشگاه مرکزی دانشگاه محقق اردبیلی گفت: «هدف ما درآمدزایی نیست؛ چراکه برای ما پشتیبانی و حمایت از پژوهش اولویت دارد و درتلاشیم بیشترین حمایت را از اعضای هیات‌علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی داشته باشیم. درحال‌حاضر برای استفاده از دستگاه‌های آزمایشگاه تا ۷۰ درصد به اعضای هیات‌علمی تخفیف تعلق می‌گیرد، همچنین طبق آمارهای به‌دست‌آمده حدود ۷۰ درصد از خدمات‌گیرندگان آزمایشگاه از دانشگاه محقق اردبیلی و ۳۰ درصد از آنها خارج از این سیستم هستند.» رئیس آزمایشگاه مرکزی دانشگاه محقق اردبیلی ادامه داد: «سال گذشته این آزمایشگاه مرکزی حدود ۴۵۰ میلیون تومان درآمد کسب کرد که ۲۰ درصد از این درآمد به کارشناسان آزمایشگاه تعلق می‌گیرد تا در جهت حضور دائمی این افراد در آزمایشگاه ایجاد انگیزه کنیم، زیرا برای سرپا ماندن آزمایشگاه‌ها نیاز است سرویس و خرید دستگاه‌ها با فاصله زمانی کم انجام شوند.»

رئیس آزمایشگاه مرکزی دانشگاه خلیج‌فارس بوشهر: تحقق آمایش سرزمینی چالش تجهیزات را حل می‌کند

مجتبی اسماعیل‌زاده، رئیس آزمایشگاه مرکزی دانشگاه خلیج‌فارس بوشهر در پاسخ به تخصیص بودجه از تسهیلات دو هزار میلیارد تومانی برای تجهیز آزمایشگاه این دانشگاه گفت: «متاسفانه از این طرح اطلاع کافی ندارم زیرا اکثر ابلاغیه‌ها به دانشگاه‌ها در سطوح هیات‌رئیسه رسیدگی می‌شود و به مدیران سطح پایین‌تر اطلاع‌رسانی نمی‌شود. همکاران دیگر نیز با این مشکلات مواجه هستند که دانشگاه‌ها تسهیلات مشابه را در حوزه‌های دیگر مانند خوابگاه، غذا، عمران و... هزینه کرده‌اند.»

اسماعیل‌زاده با اشاره به چالش‌ها آزمایشگاه دانشگاه‌ها در سال تحصیلی آتی تشریح کرد: «یکی از مسائلی که در حوزه آزمایشگاهی در ایران وجود دارد توزیع نامناسب تجهیزات است. برای مثال یک دانشگاه از دستگاهی که در اختیار دارد استفاده نمی‌کند درحالی‌که یک دانشگاه در منطقه دیگری از کشور دچار کمبود همان دستگاه است. بزرگ‌ترین علت این مساله عدم آمایش سرزمینی در زمینه تجهیزات مورد نیاز آزمایشگاه‌ها است که نتوانستیم توزیع مناسب تجهیزات را در کشور انجام دهیم. من فکر می‌کنم در مقایسه با دیگر کشورها دچار کمبود امکانات نیستیم ولی این تجهیزات پراکنده است و دانشگاه‌ها دستگاه‌هایی دارند که سال‌ها بلااستفاده بوده و حالا تاریخ مصرف آنها گذشته است.» وی افزود: «اگر امروز نیز بودجه‌ای در اختیار آزمایشگاه‌ها قرار بگیرد و تجهیزات بدون برنامه‌ریزی و حضور کارشناس خریداری شود، باز هم دچار معضلات گذشته خواهیم شد و تغییر و تحول خاصی رخ نمی‌دهد. یکی از مهم‌ترین دلایلی که از تجهیزات استفاده نمی‌شود، عدم اطلاع دانشجویان و اساتید از امکانات آزمایشگاه‌های دانشگاهی است. حتی وزارت علوم و مسئولان دانشگاه‌ها نیز آمار تجهیزات سطح کشور را ندارند.»

رئیس آزمایشگاه مرکزی دانشگاه خلیج‌فارس بوشهر با بیان اینکه دانشگاه خلیج‌فارس در حوزه اجرای دستورالعمل‌های ایمنی جزء اولین دانشگاه‌ها بوده است، گفت: «دانشگاه خلیج‌فارس در سال ۱۳۹۶ اجرای HSE را آغاز کرد و این مساله از سمت این دانشگاه به وزارت علوم منعکس شد و از آن پس به دیگر دانشگاه‌ها سرایت پیدا کرد. در این زمینه نیز اقدامات فراوانی انجام داده‌ایم و به صورت آزمایشگاهی نیز دوره‌های HSE را برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی اجرا خواهیم کرد تا افراد با دستورالعمل‌های حضور در آزمایشگاه آشنا باشند.» اسماعیل‌زاده افزود: «HSE درحال حاضر جزء موارد الزامی برای دانشجویان است و به صورت یک واحد درسی الزام‌آور در دانشگاه تدریس می‌شود. بدون گذراندن این دوره هیچ‌کدام از دانشجویان نمی‌توانند به دفاع از پایان‌نامه و انتشار مقاله بپردازند.» وی با اشاره به درآمد آزمایشگاه‌های دانشگاهی اظهار کرد: «آزمایشگاهی که در دانشگاه مستقر است با آزمایشگاهی که در سطح شهرها وجود دارد کاملا متفاوت است زیرا آزمایشگاه‌های خارج دانشگاه مواد روتین را آزمایش و هزینه هر دستگاه را به صورت آزاد دریافت می‌کنند، اما آزمایشگاه‌های دانشگاه میزان هزینه‌ای که برای هر دستگاه دریافت می‌کنند باید متناسب با گرنت‌های پایین دانشجویان و اساتید باشد. قطعا باتوجه به هزینه‌های بالای آزمایشگاه‌های خارج، دانشگاه و استاد یا دانشجو نمی‌تواند به آنها مراجعه کند. بنابراین تعرفه‌ای که دریافت می‌کنیم پایین است اما هزینه سرویس دستگاه‌ها آزاد محاسبه می‌شود. خوشبختانه در دو سال اخیر آزمایشگاه‌ها توانسته‌اند هزینه سرویس تجهیزات خود را کسب کنند.»

سه‌شنبه ۲ آبان ۱۴۰۲
شماره ۳۹۸۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

آزمون ورودی دانشگاه‌ها پس از چین در ژاپن و کره تغییر خواهد کرد

فرمول تحول کنکور به روش شرقی

ندا اظهری
مترجم

آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها که برای گزینش بهترین افراد برای ادامه تحصیل طراحی شده‌اند، در دنیای امروز که عصر اطلاعات است، تلاش می‌کنند همگام با فناوری‌های روز دنیا تغییر کنند تا بتوان این آزمون‌ها را براساس دانش و فناوری نوین پیش برد. استفاده از فناوری داده تازه‌ترین اصلاحاتی است که در برخی کشورها موردتوجه قرار گرفته و محققان و کارشناسان از آن به‌عنوان معیاری برای گزینش متقاضیان ورود به دانشگاه استفاده کرده‌اند. ژاپن و کره جنوبی ازجمله کشورهایی هستند که سال‌هاست آزمون‌هایی را برای ورود افراد به دانشگاه برگزار می‌کنند اما به‌تازگی خبر از اعمال تغییر و تحولاتی در این آزمون‌ها داده‌اند که از قرار معلوم در راستای توسعه فناوری در کشور در دستور کار دولت قرار گرفته است. به‌عبارتی زمانی که ما در ایران بر سر حذف یا عدم حذف دروس عمومی در کنکور بحث می‌کنیم، در گوشه‌ای از همین قاره آسیا، چشم بادامی‌ها به فکر اصلاح آزمون‌های ورودی منطبق با تحولات فناورانه روز دنیا هستند. بسیاری از محققان و کارشناسان بر این باورند فرآیند کاهش جمعیتی که ژاپن و کره جنوبی چندسالی است با آن دست به گریبان شده‌اند و نیز ظهور فناوری هوش مصنوعی و پذیرش آن به اصلاح رویکرد آزمون‌هایی که در کشورها برگزار می‌شود، کمک کرده و باعث شده مقامات دولتی دست به اصلاحاتی در زمینه جذب دانشجو بزنند که بتواند به آنها در فرآیندی درازمدت برای رسیدن به هدف یعنی رشد فناورانه کشور کمک کند. ژاپن چندسالی است در همین سمت‌وسو اقدامات خود را آغاز کرده و به‌دنبال جذب و آموزش نیروی انسانی ماهر در حوزه‌های مختلف فناوری است تا بعد از فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه بتوانند با دانش و مهارتی که درطول دوران تحصیل کسب کرده‌اند، نیازی از کشور را برآورده کنند. ژاپن و کره جنوبی درحالی دست به اصلاحاتی در روند برگزاری آزمون‌های ورودی دانشگاه زده‌اند که به‌گفته بسیاری از محققان، این جنبش اعمال تغییرات و اصلاحات به‌طور جهانی درحال انجام است و تنها محدود به این دو کشور نمی‌شود.

دست باز دانش‌آموزان چینی در انتخاب دروس آزمون

در چین آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها به‌دلیل اهمیتی که دارند موردتوجه کل سیستم آموزشی و جامعه قرار دارند. اصلاحاتی که در سال‌های اخیر در آزمون‌های ورودی دانشگاه‌های این کشور صورت گرفته، با هدف اصلاح ملی و بومی در آزمون‌های ورودی اجرا شده است. در سال‌های اخیر هشت منطقه چین شکل اصلاح‌شده‌ای از آزمون‌های ورودی دانشگاهی را در قالب «۳+۳» اعمال کرده‌اند. این طرح ابتدا در سال ۲۰۱۷ در شانگهای و ژجیانگ مورد آزمایش قرار گرفت. در این طرح اصلاحی به دانش‌آموزان اجازه داده می‌شود تا سه درس اجباری به اضافه سه درس اختیاری را از میان فهرست ۶ تایی بگذرانند. اما بعد از اجرای آزمایشی این طرح، قرار شد طرح جایگزینی در قالب «۳+۱+۲» اعمال شود که در آن دانش‌آموزان باید فیزیک یا تاریخ یا هر دو موضوع را از میان چهار موضوع اختیاری باقی‌مانده برای شرکت در آزمون ورودی مورد مطالعه قرار دهند. البته بررسی‌ها نشان می‌دهد در انتخاب‌های دانش‌آموزان تعادل زیادی وجود ندارد، به‌طوری‌که درس فیزیک کمترین اقبال را میان آنها داشته است. از آنجا که کسب نمره در درس فیزیک به‌مراتب دشوارتر است، بنا شده از محاسبه منحنی‌های درجه‌بندی شده برای مقالاتی استفاده شود که محبوبیت کمتری دارند.

اضافه شدن فناوری اطلاعات به کنکور ژاپنی‌ها

به گزارش تایمز، این دو کشور آسیایی براساس برنامه‌ای زمان‌بندی شده، به‌دنبال ایجاد تغییر در شکل برگزاری آزمون‌های ملی ورود به دانشگاه طی سال‌های آینده هستند و نتایج این آزمون‌های تغییریافته تعیین می‌کند که صدها هزار فارغ‌التحصیل دبیرستانی در کدام دانشگاه مشغول به تحصیل شوند. تغییراتی که قرار است در آزمون‌های ورودی دانشگاه‌های ژاپن ایجاد شود، در سال ۲۰۲۵ اجرایی خواهد شد. طبق طرحی که برای این اصلاحات درنظر گرفته شده، مشخص شده که بخش «فناوری اطلاعات» به آزمون ورودی دانشگاه‌های ژاپن اضافه خواهد شود. به‌نظر می‌رسد هدف از این تغییرات کمک به حرکت کشور به‌سمت فناوری بیشتر است و به برآورده کردن تقاضای بالا برای مهارت‌های کامپیوتری کمک می‌کند.

تغییرات ژاپن چگونه اعمال می‌شود؟

به گزارش japantimes، دانشگاه‌های ژاپن در واکنش به موضوعات جدید شامل اصول برنامه نویسی، شبکه‌های اطلاعات و ارتباطات و پایگاه‌های اطلاعاتی، در آزمون‌های استاندارد ورودی دانشگاه‌ها به چند دسته تقسیم شده‌اند. انجمن دانشگاه‌های ملی ژاپن عنوان کرده است این موضوع که اطلاعات نام دارد برای تمام شرکت‌کنندگان در آزمون اجباری است. اما برخی دانشگاه‌های ملی و دولتی عنوان کرده‌اند که در سال اول به این موضوع نمره‌ای تعلق نمی‌گیرد، درحالی‌که بسیاری از دانشگاه‌های دولتی با بودجه دولت‌های محلی، قصد دارند آن را اختیاری درنظر بگیرند. اطلاعات براساس دستورالعمل‌های برنامه‌های درسی جدید که در سال مالی ۲۰۲۲ لازم‌الاجرا شد، به یک درس اجباری در آموزش دوران دبیرستان تبدیل شد. با وجود این، برخی دبیرستان‌ها با مشکلاتی در سیستم آموزش عالی مواجه هستند. طبق آمار ارائه‌شده، حدود ۸۳ درصد از معلمان علم اطلاعات (داده) در دبیرستان‌های دولتی سراسر کشور از اردیبهشت سال گذشته دارای مجوز تخصصی برای رشته جدید بوده‌اند.

برخی دانشگاه‌ها ازجمله هوکایدو، توکوشیما و کاگاوا قرار است براساس این تغییرات اعمال شده، اطلاعات را از جمع محاسبات نمرات نهایی برای پذیرش دانشجو در استاندارد آزمون ورودی ژانویه ۲۰۲۵ حذف کنند. دانشگاه توکوشیما قصد دارد در ژانویه ۲۰۲۷ نمراتی را برای بخش موضوعی اطلاعات در آزمون ورودی استاندارد اختصاص دهد. آنها قرار است بعد از تجزیه و تحلیل میزان واقعی یادگیری دانشجویان جدید نکاتی را درنظر بگیرند. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که ۴۴ درصد از دانشگاه‌های دولتی تصمیم گرفته‌اند موضوع اطلاعات را به موضوعی اجباری در آزمون‌های ورودی مشترک تبدیل کنند و ۴۰ درصد دیگر هم به اختیاری بودن آن رأی داده‌اند. در این میان، امتیاز اعلام‌شده نسبت به تفکیک موضوع نشان می‌دهد که ۵۴ درصد از دانشگاه‌های ملی و دولتی، وزن اطلاعات را کمتر از استاندارد تعیین کرده‌اند. در دانشگاه‌های ملی، دانشجویان بومی بیشترین تعداد متقاضیان را تشکیل می‌دهند و از این موضوع مطلع‌اند که دبیرستان‌های محلی چگونه برنامه‌های درسی خود را مدیریت می‌کنند. سوالات مختلف کنکور در اختیار دانش‌آموختگان جدید دبیرستانی و متقاضیانی که در آزمون‌های سال‌های گذشته مردود شده‌اند، قرار می‌گیرد تا فرصتی پیدا کنند که موضوع «اطلاعات» را تحت‌عنوان برنامه‌های جدید درسی فراگیرند. از سوی دیگر رئیس انجمن ملی تحقیقات آموزش اطلاعات در دبیرستان‌ها، دانشگاه‌ها را وادار کرده تا برخورد مناسبی با موضوع اطلاعات در آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها داشته باشند. طبق این تغییرات، دانش‌آموزان فعلی سال سوم دبیرستان که در آزمون سال آینده قبول نشوند، باید در آزمون استاندارد ورودی اطلاعات در ژانویه ۲۰۲۵ شرکت کنند. در دانشگاه‌های سراسری، این شرایط بسیار رقابتی است و با اضافه شدن نمرات آزمون‌های امتحانات نوبت دوم که به‌صورت جداگانه از سوی مدارس برگزار می‌شود، وزن نمرات اطلاعات کاهش می‌یابد.

تغییراتی همگام با دنیا

درعین‌حال در کره جنوبی هم پیشنهادهایی از سوی سیاستگذاران برای اعمال اصلاحاتی در آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها ارائه شده که قرار است در سال ۲۰۲۸ اعمال شود. به‌نظر می‌رسد اعمال این تغییرات با توجه به کاهش شمار افراد شرکت‌کننده در آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها، به‌سمت ساده‌تر کردن آزمون‌ها پیش می‌رود و درنهایت پیش‌بینی می‌شود این تغییرات به کاهش فشار بر متقاضیان ورود به دانشگاه کمک کند. تعجب‌آور نیست که ژاپن و کره جنوبی در آزمون‌های ملی ورودی دانشگاه‌های خود با چالش‌هایی مواجه هستند، چون این چالش‌ها در دیگر کشورها نیز وجود دارند و سایر دولت‌ها نیز اقداماتی را برای سر و سامان دادن به این آزمون‌ها در دستورکار خود قرار داده‌اند. به‌عنوان مثال یکی از استادان آموزش عالی دانشگاه بوستون، اشاره کرده آمریکا نیز به اصلاحات آزمون‌های ورودی تن داده است.

تغییرات در کره چگونه اعمال می‌شود؟

شکل و شمایل آزمون ورودی دانشگاه‌ها در کره جنوبی قرار است تا سال‌های آینده دستخوش تغییر و تحولاتی شود که از سال ۲۰۲۸ اعمال خواهد شد. وزارت آموزش عالی این کشور اعلام کرده که برگزاری آزمون CSAT 2025 (آزمون توانایی تحصیلی دانشگاه) دانش‌آموزان را ملزم می‌کند در یک موضوع مشترک و یک موضوع انتخابی برای هر دو حوزه زبان‌کره‌ای و ریاضی مورد آزمون قرار گیرند. قالب فعلی آزمون‌های ورودی دانشگاه‌های کره جنوبی به این شکل است که بیشتر روی دو حوزه خواندن و ادبیات و به‌طورکلی علوم‌انسانی متمرکز بوده و درعین‌حال به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد بین گفتار و نوشتار یا زبان و رسانه یکی را انتخاب کنند. برای آزمون ریاضی، دانش‌آموزان باید به مطالعه ریاضی یک و دو بپردازند، اما آنها همچنین می‌توانند بین احتمال و آمار، حساب و دیفرانسیل و انتگرال و هندسه نیز حق انتخاب داشته باشند. دانش‌آموزان می‌توانند براساس تغییرات اعمال شده، دو موضوع را از مجموع ۱۷ رشته در مطالعات اجتماعی و علوم انتخاب کنند درحالی‌که انتخاب تاریخ کره اجباری است. درواقع در این تغییرات، دانش‌آموزان دبیرستانی در زمان شرکت در آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها باید دروس مشترک علوم اجتماعی و نیز حساب دیفرانسیل و انتگرال را امتحان دهند.

تاثیر آزمون‌های ورودی اصلاح شده بر آموزش عالی

تغییرات بالقوه‌ای که در ژاپن و کره جنوبی اعمال می‌شود، بیانگر آن است که «سیستم تعیین دانشجویان پذیرفته شده» برای زمان‌هایی که به‌سرعت در حال تغییر هستند، مناسب نیست. به گفته این استاد در سطح جهانی، کشورهای زیادی از طریق آزمون سراسری که از سوی دولت هم تعیین می‌شود، پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌های خود را تعیین می‌کنند. انجام اصلاحات قابل توجه در آزمون‌های ورودی دانشگاه‌های سراسری کار دشواری است؛ چراکه عدالت و برابری برای همه متقاضیان جزء نخستین مواردی است که مدنظر قرار می‌گیرد. نابرابری‌های منطقه‌ای در سطح دبیرستان، آزمون‌های یکنواخت را پیچیده کرده؛ همان‌طورکه تفاوت‌های بین موسسات آموزش عالی نیز وجود داد. این نوع سیستم آزمون ورودی دانشگاه‌ها، استقلال دانشگاه‌ها را محدود می‌کند، به‌طوری‌که دانشگاه‌ها خودشان بتوانند درمورد پذیرش داوطلبان خود تصمیم‌گیری کنند.

در این میان برخی محققان، تردیدهایی را نسبت به سودمندی امتحانات ازجمله ارتقای احتمالی آنها را نشان داده‌اند. معاون دفتر استراتژی بین‌المللی دانشگاه «توهوکو» عنوان کرده است که آزمون مبتنی بر برنامه‌های درسی دوران دبیرستان، لزوما نمی‌تواند عملکرد یادگیری دانشجویان را در دانشگاه پیش‌بینی کند. یکی از استادان دانشکده آموزش عالی دانشگاه «کیوشو» در این باره اظهار کرده تغییراتی که قرار است در آزمون‌های ورودی ژاپن اعمالی شوند، هدف سیاستی کشورها را برآورده کرده و همه زبان‌آموزان را در راستایی قرار می‌دهد که به آموختن دانش و مطالعه حول محور فناوری بپردازند.

با توجه به این نکته مهم که دانش‌آموزان تمایل بالایی به خواندن موضوعاتی که برای آزمون‌های ورودی مطالعه کرده‌اند، این احتمال مطرح می‌شود که این اتفاق حتی در دوران دانشگاه نیز ممکن است اتفاق بیفتد. با توجه به قانون ژاپن مبنی بر اینکه تغییرات در آزمون‌ها باید از دو سال قبل مشخص شوند، اما به‌نظر می‌رسد که این سیاست کنکوری برای همیشه در ژاپن محکوم به تاخیر است. محققان بر این باورند که گاهی این تغییرات باعث قشربندی در سیستم آموزش عالی می‌شود که نسبت به آن هشدار داده شده است. علاوه بر این شکاف بین دانشجویانی که توانایی مالی برای تحصیل در رشته‌های اطلاعاتی دارند، در مقابل دانشجویانی که از این توانایی برخوردار نیستند، افزایش می‌یابد.

تغییرات بحث‌برانگیز آزمون‌های جهانی

به‌نظر می‌رسد ایجاد چنین تغییراتی در آزمون‌های ورودی دانشگاه‌های سایر کشورها نیز به موضوعاتی بحث‌برانگیز تبدیل شده‌اند. به‌عنوان مثال انتقادهای زیادی به آزمون‌های پذیرش ACT و SAT در کالج‌های آمریکا مطرح شده و این آزمون‌ها در بسیاری از دانشگاه‌ها یا به‌صورت آزمون‌های اختیاری تبدیل شده‌اند یا به‌طور کامل کنار گذاشته شده و دیگر آزمونی برگزار نمی‌شود. کارشناسان پیش‌بینی کرده‌اند که به‌دلیل کاهش جمعیت کشورهایی چون ژاپن و کره جنوبی و نیز پذیرش بالای دانشجویان هوش مصنوعی توسط دانشجویان، سوالات بیشتری برای آزمایش‌های سنتی ایجاد می‌کند و احتمالا تغییرات بیشتری در نقاط دیگر جهان در راه است. علاوه بر این در چین و تایوان هم بحث‌هایی پیرامون تغییرات اعمال شده بر آزمون‌ها به‌عنوان آزمون‌های مخاطره‌آمیز با تاثیر بر بخشی از فرهنگ ملی این کشور مطرح است.

فرهیختگان
سازمان آگهی‌های روزنامه
تلفن وفکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
ایمیل: a66348018@gmail.com
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

نوبت اول
آگهی مزایده
دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر بابک بر اساس مجوز شماره ۰۷/۵۸۳۸ تصمیم به واگذاری سلف و سرویس خود از طریق مزایده عمومی به اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط مندرج در اسناد مزایده به‌صورت اجاره یک ساله را دارد. متقاضیان درصورت تمایل از تاریخ درج این آگهی به مدت ۱۰ روز کاری جهت بازدید اماکن مورد مزایده و دریافت اسناد مربوطه به اداره امور مالی این واحد دانشگاهی واقع در شهر بابک – بلوار خلیج‌فارس – مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر بابک – قسمت امور مالی مراجعه نمایند.
-ارائه ضمانتنامه بانکی معتبر در وجه دانشگاه به میزان ذکرشده در اسناد مزایده یا واریز به حساب اعلام‌شده. دانشگاه در رد یا قبول یک یا تمامی پیشنهادات مختار است. هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده خواهد بود.
شماره تماس: ۰۳۴۳۴۱۲۱۲۰۹
روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر بابک

مدرک موقت مهدی میرنژاد فرزند علی‌اکبر دارای شناسنامه به شماره ۰۹۲۰۴۵۸۶۶۱ صادره مشهد رشته مهندسی عمران صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به آدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر به صندوق پستی ارسال نماید.

برگ سبز و سند خودرو وانت پیکان مدل ۸۹ به رنگ سفید شیری روغنی به شماره موتور ۱۱۴۸۹۰۹۴۵۶۷ و به شماره شاسی NAAA ۳۶ AA ۰ BG ۲۳۵۵۴۵ و به شماره پلاک ۱۴ – ۶۴۳ ط ۳۵ به نام رضا عبیداوی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کانون تبلیغاتی سپهر جوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
مجری انحصاری تبلیغات محیطی دانشگاه آزاد اسلامی

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسنادواملاک کشور - حوزه ثبت ملک همدان -ناحیه دو
آگهی فقدان سند مالکیت
آقای عشقلی قاضی‌خانی باتسلیم دوبرگ استشهادیه محلی مصدق به مهر دفتر خانه ۲۳ همدان مدعی است که سند مالکیت ششدانگ پلاک ثبتی ۴۰۴ فرعی مجزی شده از ۸۷ اصلی واقع دربخش ۴ همدان به‌شماره چاپی ۴۷۹۹۳۴ ثبت شده دردفتر الکترونیکی به‌شماره ۱۳۹۸۲۰۳۲۶۰۳۴۰۱۱۳۷۳ که به علت نامعلوم مفقود گردیده. لذا به استناد تبصره الحاقی به ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت بدینوسیله آگهی می‌شود تا هرکس مدعی انجام معامله یا وجود سند نزد خود باشد از تاریخ انتشار این آگهی طی مدت ۱۰ روز به اداره ثبت اسنادواملاک مراجعه و ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله اعتراض کتبی خود را تسلیم نماید. درصورت انقضای مدت واخواهی و نرسیدن اعتراض یا درصورت اعتراض چنانچه اصل سند مالکیت ارائه نشود سند المثنی به نام متقاضی صادر و تسلیم خواهد شد.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۸/۰۲
شماره شناسه: ۱۵۹۱۱۹۷ م الف ۱۳۰۳

نوبت دوم
آگهی فراخوان تجدید مناقصه
شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران منطقه قزوین در نظر دارد مناقصه مندرج در جدول زیر را برگزار نماید:

نوع مناقصه	مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای به شماره ثبت ۲۰۰۲۰۹۲۱۸۷۰۰۰۰۱۹ در سامانه تدارکات الکترونیک دولت
موضوع مناقصه	تهیه مصالح، رنگ‌آمیزی و تعمیرات ساختمان اداری انبار نفت قزوین
مبلغ برآورد اولیه	۱۶،۲۵۰،۵۷۸،۷۴۴ریال
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	۸۱۲,۵۲۸,۹۳۷ ریال
نوع تضمین فرآیند ارجاع کار	مطابق بندهای الف، ب، پ، ج، چ، ح ماده ۴ آیین‌نامه تضمین در معاملات دولتی شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ ه – مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۲، درصورت واریز وجه نقد، به حساب ۹۲۰۰۰۱۱۳۷۶ بانک ملت شعبه مرکزی (شماره شناسه ۴۲۴۴) به نام شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه قزوین با شناسه ملی ۱۴۰۰۷۴۷۸۲۳۴؛ اصل فیش واریزی که به نام دریافت‌کننده اسناد مناقصه (مناقصه‌گر) است تا مهلت قبول پیشنهادها تحویل دبیر کمیسیون مناقصات گردد.
مهلت دریافت اسناد مناقصه	پس از انتشار نوبت اول آگهی تا ۴/ ۱۴۰۲/۰۸ در بستر سامانه تدارکات الکترونیک ایران
ساعت و تاریخ جلسه توضیح و تشریح اسناد	یکشنبه مورخ ۰۷/ ۱۴۰۲/۰۸ راس ۱۰:۰۰ صبح
مهلت قبول پیشنهادها	لغایت روز شنبه تاریخ: ۲۰/ ۱۴۰۲/۸ درج در سامانه تدارکات الکترونیک دولت و ارائه فیزیکی پاکت الف تا ساعت ۱۵ همان روز
ساعت و تاریخ بازگشایی پیشنهادها	روز یکشنبه تاریخ ۲۱/ ۱۴۰۲/۸ ساعت: ۸ صبح
محل دریافت اسناد و قبول پیشنهادها	قزوین- کیلومتر ۳ جاده قدیم تهران- ساختمان ستادی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه قزوین- طبقه اول- دبیرخانه کمیسیون مناقصات- تلفن ۰۲۸۳۳۵۵۴۳۳۴ داخلی ۱۷۶ - فاکس ۰۲۸-۳۳۵۵۰۸۷۸
توضیحات: کمیت خدمات: به شرح شرایط مندرج در اسناد مناقصه - کیفیت خدمات: به شرح شرایط مندرج در اسناد مناقصه	

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران- منطقه قزوین: انتشار نوبت اول آگهی: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱ انتشار نوبت دوم آگهی ۲/ ۱۴۰۲/۰۸
شماره شناسه ۱۵۸۷۲۵۶

نشست تهران با حضور وزرای خارجه ۵ کشور درگیر مساله قفقاز کنش فعال ایران در تحولات حساس منطقه بود

قفقاز بدون ناتو، بدون اسرائیل

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

قفقاز و دعوای آذربایجان و ارمنستان، قصه کریدورها و دعوا برسر احداث آنها ازجمله موضوعاتی بود که چند وقت اخیر و پیش از درگیری‌های اسرائیل در نوار غزه، بخش مهمی از اخبار و دیدارهای منطقه را به خود اختصاص می‌داد. نشست ۳+۳ قفقاز در تهران در روزهایی که خاورمیانه دستخوش تحولات و اتفاقاتی است که هر روز معادلات جدید به همراه می‌آورد را می‌شود فرصت مهمی برای حل این چالش‌ها بدون حضور و دخالت قدرت‌های خارجی دانست. اینکه آیا این نشست منجر به حل تمام اختلافات خواهد داشت یا نه، امری است که البته قابل تحلیل و بررسی است اما می‌توان آن را مقدمه گام برداشتن به سمت حل چالش‌ها و بازگرداندن ثبات به منطقه با حضور و نقش‌آفرینی ایران دانست.

نشست ۳+۳؛ قالبی برای کاهش چالش‌ها بدون دخالت قدرت‌های خارجی

پیش از نشست تهران، نشست ۳+۳ در مسکو و با حضور پنج کشور (ایران، آذربایجان، ارمنستان، روسیه، ترکیه) منهای گرجستان برگزار شده بود. گرجستان اعلام کرده بود که به خاطر اختلافاتی که با مسکو در مرزهای جغرافیایی‌اش دارد، در این نشست شرکت نخواهد کرد. آخرین نشست ۳+۳ قفقاز روز گذشته در تهران برگزار شد و اگرچه گرجستان این بار هم در نشست حضور پیدا نکرد، اما وجه تفاوت این نشست با نشست‌های قبلی حضور نمایندگان کشورها در سطح وزارت خارجه بود، درحالی‌که پیش از این، نشست در چهارچوب معاونان برگزار می‌شد. از این جهت می‌توان تفاوت این نشست با دیگر نشست‌ها را قابل توجه ارزیابی کرد. امری که امیرعبداللهیان نیز به آن اشاره کرد و آن را سنگ بنای برقراری آرامش، در منطقه دانست و گفت: «نشست وزرای خارجه فرمت ۳+۳ در تهران می‌تواند سنگ بنای مسیر برقراری آرامش و پایان چالش‌ها در قفقاز جنوبی با مشارکت بازیگران درون‌منطقه‌ای و همسایگان باشد.» نشست تهران، البته در شرایطی برگزار می‌شود که اسرائیلی‌ها که پیش از این همواره به دنبال نفوذ و تهدید ایران در این منطقه بودند، اکنون درگیر جنگ در نوار غزه هستند و شاید بتوان از این جهت نیز برگزاری این نشست را قابل توجه دانست. نفوذ اسرائیل البته یکی از چالش‌های موجود در منطقه قفقاز است. درحالی‌که همچنان اختلافات سرزمینی و جغرافیایی کشورها در این منطقه با چالش مواجه است، جنگ اوکراین و روسیه نیز منجر به توجه کشورهای اروپایی، آمریکا و ناتو به این منطقه شده که لازم است کشورهای موثر در این منطقه، پیرامون آن به اتفاق نظر برسند تا قفقاز ثباتی نسبی با نقش‌آفرینی ایران پیدا کند.

قصه قره‌باغ و اختلاف آذربایجان و ارمنستان

اختلافات سرزمینی و جغرافیایی را شاید بتوان یکی از مهم‌ترین اختلافات در منطقه قفقاز جنوبی دانست. امری که باعث شده این منطقه همواره دچار بی‌ثباتی و درگیری باشد. یکی ازمهم‌ترین این اختلافات میان آذربایجان و ارمنستان است. تصرف منطقه قره‌باغ توسط ارمنستان با وجود اینکه آن منطقه جزء خاک آذربایجان بود، یکی از موارد بروز درگیری میان این دوکشور بود که منجر به جنگ هم شد و البته آذربایجان بخش‌هایی از خاک خود را پس گرفت. آخرین درگیری جدی میان آذربایجان و ارمنستان در این منطقه در سال ۲۰۲۰ اتفاق افتاد و دوطرف یکدیگر را به آغاز درگیری‌ها متهم کردند. در آخرین نمونه نیز، در جریان درگیری‌ها در شهریور ماه اخیر، آذربایجان و ارمنستان بر سر آتش‌بس توافق کردند و بر این مبنا قرار شد که شبه‌نظامیان ارمنی و تشکیلات مسلح غیرقانونی در قره‌باغ سلاح‌های خود را زمین بگذارند، مواضع رزمی و پست‌های نظامی خود را ترک کنند، شبه‌نظامیان غیرقانونی منحل شوند و در عین حال همه سلاح‌ها و تجهیزات سنگین تسلیم شود. این امر اگرچه منجر به برقراری ثباتی نسبی در این منطقه شد اما همه ماجرای بی‌ثباتی در قفقاز، قره‌باغ نبود.

کریدور زنگه‌زور یا راهگذر ارس؟

این روزها بحث احداث کریدوری به نام زنگه‌زور در اخبار منطقه قفقاز نیز مورد توجه قرار دارد. ترکیه همراستا با آذربایجان اقبال زیادی برای احداث این کریدور نشان می‌دهد؛ چراکه احداث آن ترکیه را به دریای خزر، ترکمنستان و چین متصل می‌کند اما احداث این کریدور منجر به تغییر ژئوپلیتیک منطقه برای ایران خواهد شد و علاوه‌براینکه ارتباط ایران با ارمنستان را محدود می‌کند، برای متصل شدن ایران به اروپا نیز مشکلاتی به وجود می‌آورد و می‌شود گفت ایران به نوعی در این منطقه محصور می‌شود. ایران اما برای احداث یک راه ترانزیتی و همچنین تحت تاثیر قرار نگرفتن موقعیت ژئوپلیتکی خود، راه‌حل دیگری ارائه داد و آن‌هم احداث «راهگذر ارس» بود. احداث این راهگذر، نخجوان را به آذربایجان متصل می‌کند؛ پیشنهادی که منجر به اتصال روابط اقتصادی ایران و آذربایجان می‌شود و از طرفی منجر به تغییر ژئوپلیتیک منطقه نیز نمی‌شود. این پیشنهاد در جریان دیدار اخیر وزیر راه با الهام علی‌اف و رئیس کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی ایران و آذربایجان مطرح شد و توافقی در این راستا صورت گرفت. بذرپاش در این دیدار گفت: «برنامه جامع ارتقای ترانزیت تا ۱۵ میلیون تن در افق ۲۰۳۰ در تمام شقوق هدفگذاری شده است که برنامه عملیاتی آن باید پیگیری شود.» این طرح البته همچنان در حال پیگیری است و به نظر می‌رسد یکی از محورهای جلسه ۳+۳ قفقاز است.

ردپای ناتو و فرصتی برای حذف تهدیدهای خارجی از قفقاز

یکی دیگر از چالش‌هایی که منطقه قفقاز همچنان با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، حضور و نفوذ قدرت‌های خارجی در این منطقه است. این امر در جریان جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ شدت بیشتری پیدا کرد و از طرفی نیز راه‌های ترانزیتی منطقه باتوجه به اهمیتی که برای دیگر کشورهای خارجی دارد، منجر به حضور و دخالت آنها در قفقاز شده است. بحرانی که اروپا در ماجرای درگیری میان روسیه و اوکراین در حوزه انرژی و ترانزیتی با آن مواجه شد، منجر به نقش‌آفرینی اروپایی‌ها در منطقه شد. جنگ اوکراین منجر به افزایش اهمیت این منطقه برای آمریکایی‌ها هم شد. همچنین آمریکا از طریق حضور ناتو در منطقه نیز به دنبال تهدید منافع روسیه در این منطقه هست. صهیونیست‌ها نیز از طرف دیگر با نفوذی که در جمهوری آذربایجان داشتند، به دنبال تهدید منافع ایران در این منطقه هستند. همه این اتفاقات، معادلات موجود در منطقه قفقاز را با چالش جدی مواجه کرده و منجر به این شده که بازگرداندن ثبات به منطقه با فرض حفظ منافع تمام طرف‌ها، با مشکل مواجه شود. اما در وهله اول می‌بایست این دخالت‌ها و اعمال نفوذها کنترل شود. شاید بتوان گفت باتوجه به اینکه صهیونیست‌ها الان درگیر جنگ در نوار غزه هستند و تمرکز متحد آمریکایی آنها هم روی کنترل شرایط در اسرائیل است، اکنون فرصت مناسبی برای تغییر معادلات منطقه‌ای به نحوی است که ثبات به منطقه برگردد و ایران نیز نقش محوری در این چهارچوب داشته باشد.

سیاست خارجی کنشی و مبتکرانه ایران در قفقاز

برای بررسی ابعاد مهم و قابل پرداختی که در این نشست مورد توجه قرار دارد با علی حیدری، کارشناس مسائل قفقاز گفت‌وگو کردیم. حیدری معتقد است این نشست باتوجه به حضور کشورها در سطح وزارت خارجه و نقش‌آفرینی ایران در این منطقه اهمیت این نشست را افزایش داده است و در تحلیل آن گفت: «پلتفرم ۳+۳ در سطح وزرای خارجه، شامل ایران، آذربایجان، ارمنستان، روسیه، ترکیه منهای گرجستان خواهد بود یعنی پنج کشور در این پلتفرم و در سطح وزرای خارجه حضور پیدا خواهند کرد. می‌توانیم بگوییم در سه دهه گذشته، بالاترین سطح اجلاس، در منطقه در این خصوص است که در حال برگزاری است. پیش از این نشستی که در مسکو برگزار شده بود، در سطح معاونان وزیر خارجه بود ولی سطح این نشست وزیران است و هدفش هم رسیدن به راه‌حلی برای صلح در منطقه قفقاز خواهد بود. از این جهت می‌توانیم بگوییم که حضور تقریبا بالاترین، مقامات دیپلماسی کشورهای منطقه در این نشست تاثیر بالایی خواهد داشت و نقش مهم ایران در این منطقه را نشان می‌دهد. ایران بعد از جنگ ۲۰۲۰ و تغییراتی که در حوزه مرزهای شمالی‌اش به وجود آمد - یعنی آزادسازی خاک اشغالی آذربایجان- تصمیم گرفته که راهبرد خودش را در منطقه قفقاز جنوبی، تغییر دهد و از حالت سیاست سه‌دهه گذشته، مبنی بر سیاست خارجی بدون ابتکار، به سیاست خارجی کنشی و مبتکرانه تغییر کند. ایران سعی می‌کند تا ضمن ایجاد راه‌حلی برای رسیدن به صلح، در حوزه مهم مساله ترانزیت هم به راه‌حلی دست پیدا کند.»

تاکید بر ممنوعیت حضور قدرت‌های بیگانه در قفقاز

این کارشناس مسائل قفقاز، نکات بعد از جنگ قره‌باغ را مورد اشاره قرار می‌دهد و می‌گوید: «بعد از جنگ قره‌باغ، دو نکته در این منطقه خیلی مهم بود؛ یکی در موضوع وضعیت سیاسی و حقوقی قره‌باغ بود که بعد از جنگ به چه شکلی خواهد شد و دوم هم بحث دالان موسوم به زنگه‌زور بود که آذربایجان و ترکیه به‌دنبال آن بودند. با جنگی که ماه گذشته از طرف آذربایجان تحت‌عنوان عملیات مبارزه با تروریسم، در قره‌باغ شکل گرفت و تسلیم شدن شبه‌نظامیان ارمنی و پذیرش الحاق قره‌باغ به خاک جمهوری آذربایجان، می‌توانیم بگوییم موضوع قره‌باغ به‌طورکامل از دستورکار خارج شده و امروز بحث کریدور در دستورکار آذربایجان و به‌خصوص ترکیه قرار گرفته است. با توجه به این موضوع اگر با راه‌حل مرضی‌الطرفین، راه‌حلی که همه طرفین بپذیرند، دنبال نشود، ممکن است دوباره بی‌ثباتی در این منطقه حاکم بشود، لذا جمهوری اسلامی تلاش دارد که این موضوع در این نشست مطرح شود. از طرف دیگر بحث حضور رژیم صهیونیستی در مرزهای شمالی ایران را داریم که بعد از جنگ قره‌باغ پررنگ شده و تهران بارها به طرف آذربایجانی اعلام کرده است که اجازه نخواهد داد این منطقه به کانون تمرکز یا حضور عناصر صهیونیستی در منطقه تبدیل شود، چون تهران بر این اعتقاد است که حضور این عناصر باعث ناامنی در قفقاز جنوبی در آینده خواهد شد. به همین خاطر فکر می‌کنم یکی دیگر از محورهایی که در این نشست مدنظر جمهوری اسلامی قرار دارد یادآوری مجدد این موضوع به طرف آذری است که خودش را در قالب این موضوع که نیروهای بیگانه نباید در منطقه حضور داشته باشند، نشان خواهد داد. از طرف دیگر ارمنستان هم از سال ۲۰۲۰ به این سو به‌دنبال کشاندن کشورهای خارجی از اتحادیه اروپا و به‌خصوص فرانسه در این منطقه است و تلاش می‌کند با کشاندن پای آنها به منطقه به‌زعم خودش، امنیتی برای خود در مقابل آذربایجان به‌وجود آورد. این نشست و اهداف آن را می‌توان به‌نوعی این یادآوری و تذکر به ارمنستان بدانیم که آوردن بیگانگان به منطقه با هر دلیل و نیتی در آینده باعث بی‌ثباتی منطقه خواهد شد. تهران امیدوار است که در این نشست به بخش‌های زیادی از اهداف خودش برسد که در صدر آنها موضوع ثبات و صلح در منطقه است و بحث حضور نیروهای خارجی و بیگانه و همین‌طور اتصال نخجوان به خاک آذربایجان به طریقی که همه منطقه راضی باشند، ازجمله موارد مورد توجه ایران است.»

موضوع امنیت در قفقاز و محکوم کردن اقدامات رژیم صهیونیستی؛ نقطه مشترک کشورهای قفقاز

حیدری در ادامه در پاسخ به این سوال که برگزاری این نشست با توجه به درگیری اسرائیل در غزه، بر نفوذ اسرائیل در منطقه تاثیر خواهد گذاشت، گفت: «در راهبرد رژیم صهیونیستی حضور در مناطق کشورهای اسلامی و مناطق پیرامون ایران، یکی از مهم‌ترین موضوعات است، چون باعث می‌شود به‌زعم خودشان جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهند و این برنامه را حتما دنبال خواهند کرد. اما اتفاقاتی مثل طوفان الاقصی و درگیری‌هایی که در غزه به‌وجود می‌آید، باعث می‌شود این روند با خدشه روبه‌رو شود و از طرفی دیگر اگرچه جمهوری اسلامی ایران بارها عنوان کرده که به‌طور مستقیم در این اتفاقات نقشی نداشته است اما طرف صهیونیستی متوجه شده که اگر در مرزهای ایران دست به ناامنی بزند، پاسخش را در مناطق اشغالی دریافت خواهد کرد و همین می‌تواند در محاسبات مقامات رژیم صهیونیستی در قبال تحولات قفقاز جنوبی تاثیرگذار باشد.»

این کارشناس مسائل قفقاز در پاسخ به این سوال که با توجه به اینکه در جریان برگزاری این نشست‌ها، بیانیه پایانی منتشر نشده، آیا این احتمال وجود دارد که در پایان این جلسه بیانیه پایانی منتشر شود نیز توضیح داد: «چون این کشورها با هم اختلافاتی دارند، ازجمله آذربایجان و ارمنستان و همین‌طور سایر کشورها که نمی‌خواهیم ذکر کنیم. بالاخره اختلافات جزئی و بعضا کلی در موضوعات سیاست منطقه‌ای با هم دارند. نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که یک بیانیه همه‌جانبه یا کاملی از سوی طرفین درقبال همه تحولات منطقه قفقاز و مناطق پیرامون صادر شود، چون نگاه‌های متفاوتی نسبت به این تحولات وجود دارد اما موضوعاتی مثل ایجاد صلح و ثبات و تلاش برای رسیدن به رفاه و امنیت در منطقه قفقاز جنوبی و همین‌طور محکوم کردن رژیم صهیونیستی درباره حمله به غزه از نقاط مشترک همه این کشورهاست که امیدواریم بیانیه‌ای در این خصوص منتشر شود، یعنی لزوم تلاش برای رسیدن به یک راه‌حل صلح بلندمدت در منطقه برای ایجاد وفاق و همین‌طور بحث محکوم کردن حملات رژیم صهیونیستی مطرح است که می‌توانیم امیدوار باشیم یک بیانیه صادر شود.»

حیدری درباره اینکه آیا این نشست، اهداف اقتصادی نیز برای ما به همراه دارد، گفت: «یکی از موارد ذکرشده در این نشست موضوع ترانزیت و همکاری‌های ترانزیتی و اقتصادی بین کشورهاست. مقامات جمهوری اسلامی هم به این موضوع توجه کرده‌اند و در حاشیه این نشست که به موضوع صلح و ثبات در منطقه اختصاص دارد، حتما دیدارهای دو و چندجانبه‌ای هم درباره این موضوع یعنی همکاری‌های اقتصادی و ترانزیتی به‌خصوص بین ایران و آذربایجان و ارمنستان انجام خواهد گرفت تا بتواند از این نشست یک دستاورد اقتصادی داشته باشد.»

ترکیه و آذربایجان برای احداث راه‌های ترانزیتی آلترناتیوهای متعددی دارند

حیدری درباره اینکه ابتکار راهگذر ارس می‌تواند جای کریدور زنگه‌زور را بگیرد هم توضیح می‌دهد: «درباره این موضوع همه کشورها برای سیاست خارجی در حوزه اقتصادی و سیاسی تلاش می‌کنند که جایگزین‌ها و آلترناتیوهای متعددی داشته باشند و سبدشان انتخاب‌های متعددی را در بربگیرد تا محدود به یک یا دو کشور نباشند. درباره موضوع کریدور هم ترکیه و آذربایجان اگرچه به‌دنبال یک کریدور به‌زعم خودشان با نام زنگه‌زور هستند که از ارمنستان کشیده شود، اما درعین حال برای آن، آلترناتیوها و جایگزین‌هایی هم قرار دادند تا اولا طرف ارمنستانی را تحت‌فشار قرار دهند تا هرچه سریع‌تر به خواسته‌های آنها تن بدهد و درثانی اگر بنا به دلایلی این کریدور نتوانست کار خودش را شروع کند یا در آینده کارش دچار اخلالی شد بتواند از مسیرهای جایگزین مانند مسیر ایران استفاده کند. اما اینکه فکر کنیم با ایجاد مسیر از ایران آن کریدور را متوقف خواهند کرد نه چنین نخواهد بود.»

این کارشناس مسائل قفقاز، درباره راه‌حل مشکلات این منطقه با حضور کشورها نیز گفت: «این نکته را همه طرف‌های قفقاز باید مدنظر قرار بدهند که گفتمان سلبی راه به جایی نخواهد برد و گفتمان ایجابی و همکاری است که می‌تواند همه طرف‌ها را به منافع خودشان برساند. اگر کشوری فکر می‌کند چون در جنگ پیروز شده آنچه را که می‌خواهد می‌تواند در قفقاز جنوبی پیاده کند اشتباه کرده و ایران نشان داده که اجازه نخواهد داد که به خواسته‌های ناحق و زیاده‌خواهانه این کشورها جامه عمل پوشانده شود. بهتر است که به همکاری و گفتمان ایجابی رو بیاورند تا بتوانند به اهداف خودشان برسند.»

نقدی بر تبلیغات ویدئویی زننده شرکت‌های مختلف در فضای مجازی

سرجدت به «سال» زنگ نزن!

هومن جعفری
خبرنگار

۱. در امر ضعیف بودن تبلیغات یا به عبارت دیگر صنعت تبلیغات در ایران بحثی نیست. دنبال دلیل و بهانه‌اش هم نمی‌گردیم. محدودیت‌ها و ضعف اقتصادی و هزینه نکردن درست شرکت‌ها برای تبلیغات می‌تواند دلیل مهمی باشد که چرا هنوز این صنعت در ایران بسیار جای کار دارد و حتی به مرزهای بلوغ هم نزدیک نشده. هنوز تبلیغ بومی درست و حسابی نداریم و معدود تبلیغ‌هایی که سعی می‌کنند چشم‌نواز جلوه کنند، کپی‌برداری مو به مو و نعل به نعل از نمونه خارجی است که اگر با بچه‌های موطلایی و چشم‌آبی همراه نشود، تهیه‌کننده شب خوابش نمی‌برد! امروز و در این مطلب اما با صنعت تبلیغات رسمی در ایران کاری نداریم.

۲. اگر شما هم مثل من مشتری دائمی فضای مجازی باشید، با آژانس‌های تبلیغاتی جدیدالتاسیسی طرف شده‌اید که برای فضای مجازی تبلیغ می‌سازند و طبیعتا همان پختگی نیم‌بند آژانس‌های رسمی تبلیغاتی را هم ندارند! اگر صنعت رسمی تبلیغات در ایران، برای آگهی ساختن باید هزار امتحان بدهد و هزار بار نظارت شود و آدم‌هایش باید تلاش کنند تا کارشان معنا و کیفیت داشته باشد، در صنعت تبلیغات غیررسمی یا تبلیغات فضای مجازی، نه با کیفیت طرفیم نه با ممیزی و نه با حساسیت. نه کسی هست که روی محتوا نظارتی داشته باشد و نه اصلا کسی هست که به این آقایان یا خانم‌های سازنده تبلیغات بگوید: خرت به چند! هرچه دل‌شان می‌خواهد می‌سازند و یک جمله داغ یا به اصطلاح خودشان «قلاب» می‌اندازند سر کلیپی که تولید کرده‌اند و بعد یک تبلیغ گروه سنی الف تحویل مردم می‌دهند و به معجزه پیج‌های پرطرفدار، تبلیغ بدشان به مقیاس میلیونی دیده می‌شود و سفارش‌دهندگان بعدی از راه می‌رسند.

۳. بعضی وقت‌ها این تبلیغات فقط بی‌ادبانه و روی اعصاب است. مثلا تبلیغ یک شرکت که اپلیکیشن بازی طراحی کرده را هر وقت می‌بینم، دلم می‌خواهد موبایلم را بشکنم! تبلیغ برای بازی منچ است. پسر جوانی از خواب بیدار می‌شود. سر سفره صبحانه منچ بازی می‌کند و از خوشحالی بردن یا مثلا جفت‌شش آوردن، لیوان سر سفره را می‌شکند! در آسانسور، هم جفت‌ششی چیزی می‌آورد و از خوشحالی، به دختر جوانی که کنارش ایستاده، تنه می‌زند و دختر رانقش زمین می‌کند و بی‌آنکه ککش هم بگزد، آسانسور را ترک می‌کند! بعد روی موتور جفت‌شش می‌آورد و با موتور به یک مانع راهنمایی رانندگی می‌کوبد و شادی می‌کند. در جلسه کاری، درحالی‌که مدیر ارشد مشغول توجیه کارمندان و توضیح دادن یک نمودار مهم ویدئویی است، استاد جفت‌شش می‌آورد و از خوشحالی به کارمندی که مشغول کار کردن و توجه به صحبت‌های مدیر است، تنه می‌زند و او را از روی صندلی پرت می‌کند پایین! دست آخر هم دختری که صبح در آسانسور تنه خورده بود، در آسانسور جفت‌شش می‌آورد و با خوشحالی به پسر تنه می‌زند و پسر نقش زمین می‌شود!

صادقانه بگویم برداشت من از دیدن این تبلیغ این است: این بازی فقط برای افراد بی‌شعور، بی‌ادب و فاقد شعور اجتماعی طراحی شده. آدم‌هایی که می‌توانند در همه چیز، از اخلاق انسانی تا اخلاق رانندگی تا اخلاق کاری، بی‌شعور و نفهم باشند. هر وقت این تبلیغ را می‌بینم، با خودم عهد می‌کنم این بازی را روی گوشی نصب نکنم و نمی‌کنم.

۴. تازگی‌ها نوع دیگری از تبلیغات در اینستاگرام مد شده. تبلیغ برویم ببینم چه خبر است. یکی می‌گوید: دیدم این خانم اینجا نشسته. لابد پول کرایه ماشین ندارد. برویم به او پولی کمک کنیم که به خانه‌اش برود. بعد با دختر صحبت می‌کنند و دختر توضیح می‌دهد که در کنار خیابان مشغول مثلا ترید کردن در بازارهای مالی است و آنقدر پول درآورده که صرف نمی‌کند از جایش بلند شود و به محل کارش برود. تهش هم می‌گوید: اگر به پیج استاد «بق بقوییان» بروید، می‌توانید همه فنون ترید کردن زیر تیر چراغ‌برق را یاد بگیرید و میلیاردر شوید. این تبلیغات آخرین متد تبلیغات افتضاح، بی‌کیفیت، بدون فکر و طبیعتا بدون نظارت هستند که صرفا چون بسیار دیده می‌شوند، موفق جلوه می‌کنند، درحالی‌که از منظر پیام تبلیغاتی قطعا هزار و یک ایراد دارند. برای تولید کردن‌شان هم نیازمند ذهن خلاق و عقل درست و حسابی نیستید. فقط کافی است یک آدم فضول پشت دوربین باشد و دختری جذاب و امروزی را سوار ماشینی آنچنانی نشان دهید که با نگاه کردن به گوشی موبایلش، مشغول انجام دادن کارهای بزرگی است. تهش هم آدرسی می‌دهید که برو فلان پیج و آنجا آخرین شیوه‌های فلان کار را یاد بگیر. این تبلیغات تکراری، بدون خلاقیت و از همه مهم‌تر سری‌دوزی شده، به‌تازگی وارد بازار جدیدی از وقاحت، بی‌اخلاقی و نفهمی شده‌اند. از همه بابت اینکه نمی‌توانم توهین‌های مناسب‌تر و درخورتری پیدا کنم عذر می‌خواهم، چون اینجا خانواده نشسته ولی شما هم بعد از خواندن پاراگراف پایینی، متوجه می‌شوید که منظورم چیست و احتمالا خودتان ناسزاهای مودبانه‌ای که نوشتم را با کلمات پرچاشنی‌تر و مناسب‌تر جایگزین خواهید کرد.

خانمی می‌رود برای مصاحبه. از مردم سوال می‌کند که عزیز از دست داده‌اند یا نه؟ مردم صحبت می‌کنند. یاد عزیزان ازدست‌رفته می‌افتند. اشکی می‌ریزند. وارد شوک می‌شوند. یادشان می‌افتد که عزیزی از دست داده‌اند. بعد مردی می‌آید جلوی دوربین و تعریف می‌کند که مشکلی بوده و یکی از عزیزانش به عمل نیاز داشته و عمل بسیار پرخرج بوده اما او توانسته با رفتن به پیج استاد «قارقارکیان» و یادگرفتن شیوه‌های کسب درآمد دلاری، عزیزش را زنده نگه دارد و شما هم می‌توانید با حضور در پیج این استاد حکیم، این آموزش‌ها را ببینید! شما را نمی‌دانم اما من و تمام کسانی که این تبلیغ را دیدند، برای روح و روان خانواده استاد، چنان دعاهای خیری انجام داده‌اند که طرف ناچار شده کامنت‌ها را ببندد! احتمالا آن مغز متعفنی که پشت طراحی این تبلیغ بوده، از رو نمی‌رود و بر این باور است که «تبلیغم خیلی باحال بود چون مخاطب را درگیر کرد!»

درد اینجاست. وقتی نظارت هست، فجایعی را در صنعت تبلیغات می‌بینیم که روی بیلبوردهای سطح شهر، به‌شدت حال‌بدکن بودند. تبلیغاتی با کنایه‌های جنسی که نیاز نیست یادآوری شود. ببینید اینجا که احتمالا نه نظارتی هست و نه کسی کاری به کار محتوا دارد، برای درگیر کردن مخاطب به چه تدابیر کثیفی رسیده‌اند. یاد سریال «بهتر است با «سال» تماس بگیری» افتادم و آن تیمی که داشت برایش تبلیغ درست می‌کرد. از منظر کیفیت ساخت تبلیغ و همچنین بی‌منطق بودن تبلیغات، این آگهی‌های اینستاگرامی را انگار خود سال گودمن ساخته با همان دو سه دانشجوی کنار دستش. اگر این است که لطفا با «سال» تماس نگیرید!

سه‌شنبه ۲ آبان ۱۴۰۲
شماره ۳۹۸۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

سه‌شنبه ۲ آبان ۱۴۰۲
شماره ۳۹۸۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

تنها یک‌چهارم سرزمین‌های اشغالی باقی مانده است

در مسیر خروج از زمین‌های ۱۹۴۸؟

سیدمهدی طالبی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

رژیم‌صهیونیستی نسبت به دوران اوجش، وسعت اشغالگری‌هایش شامل ۸۰ هزار کیلومترمربع از سرزمین‌های فلسطین، مصر، سوریه و لبنان می‌شد، چهار برابر کوچک‌تر شده. این سرزمین‌ها نه با صلح و یا مذاکره که با فشارهای نظامی مختلف از چنگ صهیونیست‌ها خارج شده است. عملیات طوفان الاقصی در هفتم اکتبر، در حال به چالش کشیدن صهیونیست‌ها در ۲۲ هزار کیلومترمربع باقی‌مانده است. خیلی سخت نیست درک روزهای پس از جنگ. صهیونیست‌ها بعید است جرأت کنند در غلاف غزه یا نزدیک جنوب لبنان ساکن شوند.

چرا رژیم از عینک متحدانش هم اشغالگر است؟

رژیم‌صهیونیستی به‌طور کلی بر اساس اشغالگری شکل گرفته و حتی اگر یک مترمربع را نیز در دست داشته باشد، آنجا منطقه‌ای اشغالی به حساب می‌آید. این دیدگاه در میان دشمنان رژیم فراگیر و قاطع است، اما اگر از عینک صهیونیست‌ها نیز به اقدامات و کنترل سرزمینی آنها نگاه کنیم، آنها اقداماتی در حوزه اشغالگری داشته‌اند.

بر اساس طرح‌های سازمان ملل، قرار بود فلسطین بین فلسطینیان و یهودیان ساکن این سرزمین تقسیم شود که بر مبنای آن سه منطقه جدای از هم یعنی کرانه باختری، نوار غزه و الجلیل به فلسطینیان تعلق می‌گرفت. این طرح که در قالب قطعنامه شماره ۱۸۱ سازمان ملل منعکس شده و مورد رای‌گیری در مجمع عمومی قرار گرفت، ۵۵ درصد فلسطین را در اختیار یهودیان قرار می‌داد. با این وجود یهودیان پس از تشدید شورش خود علیه مردم فلسطین و دولت انگلیس که در آن برهه کنترل این سرزمین را در دست داشت، موفق شدند الجلیل را به‌طور کامل اشغال کرده و از وسعت کرانه باختری و نوار غزه بکاهند؛ درنتیجه رژیم‌صهیونیستی در شرایطی تشکیل شد که نسبت به طرح متحدانش غربی‌اش، مناطق بیشتری را اشغال کرده و سهم ۵۵ درصدی خود را به ۸۰ درصد رسانده بود. اگر دولت‌ها و بخشی از افکار عمومی تشکیل رژیم را براساس قطعنامه ۱۸۱ مشروع بدانند، صهیونیست‌ها ۲۵ درصد بیشتر از این طرح، سرزمین‌های فلسطین را تصرف کرده‌اند. با این حال کشورهای غربی علی‌رغم رای‌گیری خود برای مشروعیت‌دهی به رژیم، به جای ۵۵ درصد، تل‌آویو را در ۸۰ درصد فلسطین به‌رسمیت شناختند که ۲۲ هزار کیلومترمربع از مجموع ۲۷ هزار کیلومترمربع سرزمین فلسطین را شامل می‌شد؛ منطقه‌ای که به سرزمین ۱۹۴۸ مشهور شد.

صهیونیست‌ها در سال ۱۹۵۶ پس از آنکه انگلیس و فرانسه تصمیم گرفتند در واکنش به ملی ساختن کانال سوئز توسط جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر به این کشور حمله کنند، با آنها هماهنگ شده و با استفاده از این فرصت موفق شد صحرای سینا را اشغال کند. این منطقه که ۶۰ هزار کیلومترمربع وسعت داشت، تقریبا ۲٫۷ برابر سرزمین ۱۹۴۸ به‌عنوان سرزمین رسمی صهیونیست‌ها بود؛ هرچند تل‌آویو تحت فشارها و بر اساس توافق شوروی و آمریکا از این منطقه به‌سرعت خارج شد. با این حال چشم رژیم همچنان به‌دنبال صحرای سینا بود. صهیونیست‌ها در جریان جنگ شش روزه ۱۹۶۷ به‌طور ناگهانی به سرزمین‌های باقی‌مانده فلسطین، مصر و سوریه حمله کردند. در این جنگ دو منطقه کرانه باختری و غزه که سرزمین‌های باقی‌مانده در دست فلسطینیان به شمار می‌رفتند و با ۵ هزار کیلومترمربع ۲۰ درصد سرزمین فلسطین را شامل می‌شدند، اشغال کردند. آنها همچنین بلندی‌های جولان متعلق به سوریه را با ۱۸۰۰ کیلومترمربع و صحرای سینا متعلق به مصر را با ۶۰ هزار کیلومترمربع تصرف کردند. وسعت مجموع سرزمین‌های ۱۹۶۷ (شامل کرانه باختری و غزه)، بلندی‌های جولان سوریه و صحرای سینا به ۶۶ هزار کیلومترمربع می‌رسید که سه برابر وسعت سرزمین ۱۹۴۸ به‌عنوان مرزهای رسمی رژیم بود. با احتساب این مناطق، وسعت مجموع مناطق تحت اشغال صهیونیست‌ها به ۸۸ هزار کیلومترمربع رسیده و وسعت رژیم تنها طی شش روز چهار برابر شد.

رژیم در سال ۱۹۸۲ جنوب لبنان تا بیروت، پایتخت این کشور را به اشغال خود درآورد که تقریبا نیمی از وسعت ۱۰ هزار کیلومترمربعی این کشور بود. وسعت تقریبا ۵ هزار کیلومترمربعی نیمه‌جنوبی لبنان که به اشغال تل‌آویو درآمده بود نیز به‌لحاظ نسبت، معادل یک‌چهارم وسعت سرزمین ۱۹۴۸ بود.

ازکدام مناطق عقب رانده شدند؟

پس از اشغال صحرای سینا توسط رژیم، فاصله ۳۰۰ کیلومتری سرزمین‌های اشغالی با قاهره، پایتخت مصر به نزدیک ۱۰۰ کیلومتر رسید. اگر تا پیش از این استقرار نظامیان مصری در صحرای سینا، خطر موجودیتی برای صهیونیست‌ها بود و می‌توانست سایه اشغال کامل را بر فراز رژیم ایجاد کند، این‌بار احتمال داشت صهیونیست‌ها در یورشی ناگهانی و پرحجم مانند سال ۱۹۶۷، قاهره و اسکندریه دو شهر اصلی مصر را اشغال کنند. چنین خطری دمشق را نیز تهدید می‌کرد، زیرا از بلندی‌های جولان تا دمشق تنها ۷۰ کیلومتر فاصله بود، مضاف بر آنکه صهیونیست‌ها با اشغال جولان، بر این شهر به‌لحاظ اطلاعاتی و توپخانه‌ای مشرف بودند. در نتیجه دو کشور در ۷ اکتبر ۱۹۷۳، عملیات نظامی علیه رژیم‌صهیونیستی را آغاز کردند. این جنگ برای نخستین‌بار سایه خطر موجودیتی را که صهیونیست‌ها از آن هراس داشتند، بالای سر آنان گسترده کرد. بر همین اساس تل‌آویو برای نخستین‌بار به فکر استفاده از سلاح هسته‌ای درصورت لزوم افتاد.

آمریکا برای دفاع از رژیم و جلوگیری از به‌کارگیری سلاح هسته‌ای کمک‌های نظامی گسترده‌ای به صهیونیست‌ها ارائه کرد که موثر واقع شده و موضع آنان را که تا پیش از آن در جنگ شکست خورده بودند، تقویت کرد. با فشارهای بین‌المللی و بازیابی روحیه صهیونیست‌ها، مصر و سوریه چاره‌ای جز ترک مخاصمه ندیدند، اما صهیونیست‌ها که در سال ۱۹۷۳ تا مرز از دست دادن کل سرزمین‌های تحت اشغال‌شان رفته بودند، به پیشنهاد یا فشار آمریکا ناچار شدند از صحرای سینا خارج شوند. واشنگتن امید داشت با این حربه مصر را که پیرو مسکو بود وارد جرگه متحدان خود کند و صهیونیست‌ها را نیز از فشار قدرت نظامی این کشور رها سازد.

بر همین اساس ابتدا دو کشور توافق صلح کمپ‌دیوید را با میانجیگری آمریکا در سال ۱۹۸۲ به امضا رساندند و بر پایه آن، صهیونیست‌ها تا سال ۱۹۸۲ صحرای سینا را تخلیه کردند. در پی این خروج، تل‌آویو ۱۸ شهرک صهیونیست‌نشین این منطقه را برچید و ساکنان آن را به داخل فلسطین بازگرداند.

از این رو منطقه وسیع و مهم صحرای سینا هر چند به شکل خسارت‌بار، به‌طور رسمی از اشغال صهیونیست‌ها خارج شد. با این حال مصری‌ها قول دادند در این منطقه دیگر ارتشی مستقر نکنند و برای هرگونه تحرکات نظامی لازم برای سرکوب شورشیان و قبایل حاضر در آن با صهیونیست‌ها هماهنگ باشند. همچنین آمریکا و رژیم، حقی برای سیطره اطلاعاتی در این منطقه به‌دست آوردند. با تمام این مشکلات، صحرای سینا نخستین سرزمینی بود که از اشغال صهیونیست‌ها به‌صورت رسمی خارج می‌شد.

دومین منطقه، جنوب لبنان بود. رژیم که در سال ۱۹۸۲ نیمه‌جنوبی لبنان را اشغال کرده بود، با فشار نظامی نیروهای مقاومت لبنان تا سال ۱۹۸۵ به مرور از بخش اعظم مناطق اشغالی خارج شدند. با این حال همچنان از سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۰ از ارتش جنوب لبنان حمایت می‌کرد که منطقه‌ای حائل بین لبنان و سرزمین‌های اشغالی بود. این منطقه که ۸۰۰ کیلومترمربع وسعت داشت نهایتا در سال ۲۰۰۰ با عقب‌نشینی صهیونیست‌ها طی یک روز به‌طور ناگهانی فروپاشید. پس از صحرای سینا در دهه ۱۹۸۰، جنوب لبنان دومین منطقه اشغالی‌ای بود که صهیونیست‌ها از آن به‌طور کامل خارج می‌شدند. با وجود فاصله ۱۸ساله میان خروج از صحرای سینا تا خروج از جنوب لبنان، دفعه سوم بسیار زودتر رخ داد. تنها پنج سال پس از پاک‌سازی لبنان، صهیونیست‌ها تحت فشار انتفاضه دوم ناچار شدند در سال ۲۰۰۵ به‌طور کامل از نوار غزه عقب‌نشینی کنند. غزه هر چند در تاریخ خروج صهیونیست‌ها از مناطق اشغالی‌شان سومین مورد بود اما این منطقه نخستین بخش از خاک فلسطین بود که از سلطه رژیم رها شد. تل‌آویو با این خروج، ۲۱ شهرک صهیونیست‌نشین این منطقه را نیز برچیدند. از آنجا که کرانه باختری بخش دیگر انتفاضه دوم بود، صهیونیست‌ها ناچار شدند چهار شهرک در شمال این منطقه را هم برچینند.

کرانه باختری در معرض شورش

صهیونیست‌ها با وجود برچیده شدن چهار شهرک صهیونیست‌نشین در شمال کرانه باختری به‌دلیل ناامنی در آنها به‌دنبال نزدیکی به کانون‌های انتفاضه مانند شهر جنین، بر شدت شهرک‌سازی خود در این منطقه افزودند. در نتیجه تعداد شهرک‌نشینان از ۴۰۰ هزار نفر به ۷۰۰ هزار نفر رسید. در سال ۲۰۲۰ کنست رژیم‌صهیونیستی تخمین زد که ۴۰۰ هزار سلاح غیرقانونی در اسرائیل در گردش است. بخشی از این سلاح‌ها در کرانه باختری دست‌به‌دست می‌شود. به‌دنبال تشدید مسلح‌سازی کرانه باختری و افزایش شکاف میان شهرک‌نشینان و فلسطینیان، صهیونیست‌ها تا پیش از «طوفان الاقصی» تقریبا ۷۰ درصد نیروی زمینی خود را با هفت لشکر در این منطقه مستقر ساختند. به‌لحاظ نفرات، تعداد نظامیان صهیونیست در کرانه باختری ۵ هزار کیلومتری به ۳۵۰ هزار نفر می‌رسید. تمرکز این میزان نیرو در کرانه باختری درحالی‌که تنش‌ها با لبنان در مرزهای شمالی و جولان در حال تشدید بود، نشان‌دهنده عمق بحرانی بود که صهیونیست‌ها در این منطقه حس می‌کردند؛ هر چند وضعیت صهیونیست‌ها درحال‌حاضر در کرانه باختری نسبت به منطقه غلاف غزه و الجلیل بهتر است، اما به‌نظر می‌رسد مهاجرت‌ها از این منطقه نیز به‌سمت خط ساحلی حیفا- تل‌آویو شکل خواهد گرفت.

وقتی کار به خروج از سرزمین ۱۹۴۸ می‌رسد

رسانه‌های عبری اعلام کردند در نخستین روز جنگ که به کشته شدن نزدیک دوهزار نفر از ساکنان مناطق صهیونیست‌نشین اطراف نوار غزه انجامید، ۶۰ هزار نفر از آنان به‌سرعت از این منطقه گریختند. دیگر ساکنان نیز که ناتوان بودند یا در میان تبادل آتش گرفتار شده بودند، روزهای بعد به فراریان پیوستند. نزدیک به ۱۰۰ هزارنفر صهیونیست گریخته از منطقه غلاف غزه، راهی مناطق داخلی سرزمین‌های اشغالی شده‌اند تا در هتل‌ها و تاسیسات دولتی به‌عنوان آوارگان جنگ سکونت کنند. بااین‌حال براساس آنچه تارنمای عبری‌زبان روتر نت گزارش کرده، بیش از ۹۰ درصد از شهرک‌نشینان آواره اعلام کرده‌اند دیگر هرگز به غلاف غزه باز نخواهند گشت.

شلومیت تسور، روزنامه‌نگار صهیونیست که با تعدادی از این صهیونیست‌ها مصاحبه و آن را در روزنامه عبری‌زبان دی‌مارکر منتشر کرده است، نوشته تعدادی از شهرک‌نشینان نه‌تنها از عدم بازگشت صحبت می‌کنند، بلکه به‌دنبال خروج کامل از سرزمین‌های اشغالی هستند. با این حساب ۲۲ شهرک صهیونیست ساکن در غلاف غزه از اکتبر ۲۰۲۳ به همان سرنوشتی دچار شده‌اند که ۲۱ شهرک صهیونیست‌نشین نوار غزه در سال ۲۰۰۵ به آن دچار شده‌اند؛ با این تفاوت که در سال ۲۰۰۵ دولت رژیم نیز موافق دائم شهرک‌نشینان بود اما تاکنون علی‌رغم دستور رسمی تخلیه این شهرک‌ها، نسبت به آینده آن موضع‌گیری نکرده است.

درکنار خروج ۱۰۰ نفر از ساکنان غلاف غزه، احتمال دارد دیگر ساکنان استان جنوب در رژیم نیز به فکر فرار به‌سمت مناطق مرکزی بیفتند. تعداد ساکنان این منطقه به یک‌میلیون نفر می‌رسد.

درکنار اوضاع ملتهب جنوب که جنگ در آن جریان دارد، به‌نظر می‌رسد به‌لحاظ آوارگان منطقه شمال وضعیت بدتری دارد. در این منطقه جنگ به‌شکل غیررسمی و همراه با زدوخوردهای مرزی جریان داشته اما درخلال آن تاکنون دست‌کم ۱۶۰ نظامی صهیونیست به هلاکت رسیده یا زخمی شده‌اند. به همین دلیل تل‌آویو تاکنون ۲۷ هزار صهیونیست از ۲۸ شهرک در مرزهای لبنان را به مناطق داخلی‌تر منتقل ساخته و تخلیه ۲۳ هزار ساکن شهرک شهرک کریات الشمونه را نیز کلید زده است. بااین‌حال چنین خروج‌هایی به دستورهای رسمی باز می‌گردد. در این موارد دولت دستور تخلیه کامل ساکنان را می‌دهد اما شهرک‌نشینان بسیاری در منطقه شمال بدون آنکه دستوری وجود داشته باشد، به‌سمت مناطق داخلی گریخته‌اند.

شبکه ۱۲ تلویزیون رژیم‌صهیونیستی در نخستین روزهای جنگ اعلام کرد که بیش از ۷۵ درصد صهیونیست‌های ساکن الجلیل در شمال فلسطین‌اشغالی از ترس نفوذ و حمله احتمالی مبارزان مقاومت این منطقه را ترک کرده و به دیگر مناطق رفته‌اند. ۱۰ سال قبل در سال ۲۰۱۳، این منطقه شامل ۶۵۰ هزار فلسطینی و ۵۴۰ هزار صهیونیست می‌شد. اگر این تعداد را ثابت بدانیم و مبنا قرار دهیم، ۴۰۵ هزار صهیونیست از منطقه الجلیل گریخته‌اند. این تعداد به‌طور تخمینی چیزی در حدود یک‌دهم یا یک‌پانزدهم جمعیت صهیونیست‌های غاصب ساکن در سرزمین‌های اشغالی است. ۴۰۵ هزار صهیونیست گریخته از الجلیل به دیگر مناطق مهاجرت نکرده‌اند، بلکه به شکل آواره، راهی بخش‌های داخلی‌تر شده‌اند. همچنین این تعداد در فقدان امکان حضور در کرانه باختری و جنوب، راهی جز مناطق مرکزی و شهرهایی مانند حیفا و تل‌آویو ندارند. با توجه به صدها هزار صهیونیست آواره‌شده از شهرک‌های اطراف غزه، می‌توان گفت امروزه تقریبا از هر ۱۰ صهیونیست، یک نفر آواره شده است.

آیا اخراج صهیونیست‌ها رویاست؟

صهیونیست‌ها تقریبا یک‌چهارم جغرافیایی را که در جریان اشغالگری‌شان تصرف کرده بودند به‌شکل رسمی در دست دارند. بااین‌حال در همین منطقه محدود برتری جمعیتی و نظامی‌شان به چالش کشیده شده است. سرزمین ۱۹۴۸ که هسته اصلی رژیم و باقی‌مانده مناطق اشغال‌شده منطقه صهیونیست‌هاست، امروز به لایه‌های مختلفی تبدیل شده که در بخشی از آنها دولت دستور رسمی تخلیه را صادر کرده (غزه و نوار مرزی شمال در مجاورت لبنان) و در مناطق دیگری مانند الجلیل و استان جنوب بسیاری از ساکنان بدون وجود دستور رسمی به‌سمت مناطق مرکزی‌تر گریخته‌اند.

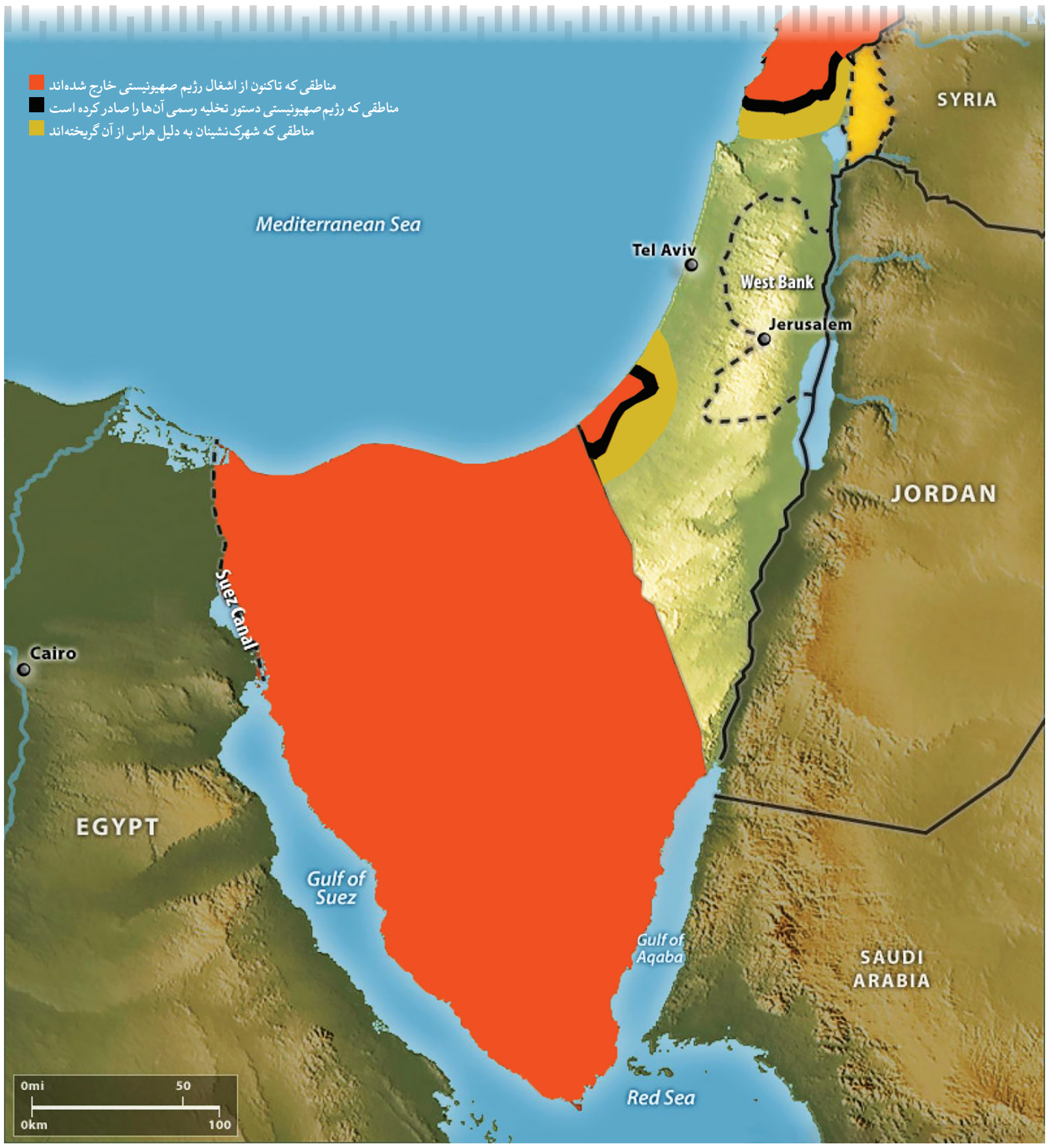

فرهیختگان ورزشی
شماره مسلسل ۴۷۲۷
سه‌شنبه ۲ آبان ۱۴۰۲
۸ ربیع‌الثانی ۱۴۴۵
۲۴ اکتبر ۲۰۲۳
شماره ۳۹۸۹
| Tue | 24 Oct 2023 | vol.15 |
No. 3989 | 16 Pages

رامین رضاییان با ۲ شلیک تماشایی
ستاره برد سپاهان در ازبکستان بود

رامینالدو

عکس: مرتضی طالبی

محمد باقری معتمد: سرمربی تیم ملی باید خیلی زودتر تغییر می کرد
اگر ساعی ادعای فنی دارد سرمربی شود

استقلال نکوودومین شروع برتر تاریخ لیگ
آبی‌ها شاید مقابل آلومینیوم جاودانه شوند

پرسپولیس با ۹ تغییر به مصاف استقلال تاجیکستان می‌رود
ارسال از جناحین؛ حربه یحیی برای موفقیت برابر تاجیک‌ها

کار نساجی برای صعود سخت شد
کامبک نوبهار خزان رحمتی

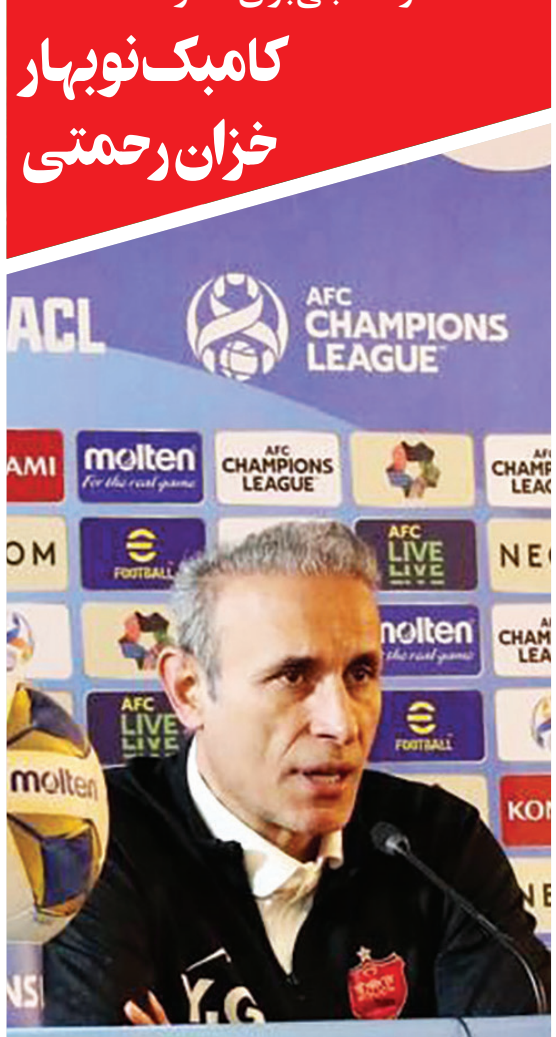

گل‌محمدی در کنفرانس خبری از کدام تیم رسانه‌ای گلایه کرد
خط‌ونشان برای کدام استقلال؟

پشت پرده افشای قرارداد یامگا
ایجنت بازیکن فرانسوی به دنبال انتقام از استقلال!

سه‌شنبه ۲ آبان ۱۴۰۲
شماره ۳۹۸۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

استقلال نکو و دومین شروع برتر تاریخ لیگ

آبی‌ها شاید مقابل آلومینیوم جاودانه شوند

محمدرضا حاجی‌عبدالرزاق
خبرنگار گروه ورزش

تیم فوتبال استقلال از هفته هشتم رقابت‌های لیگ برتر جمعه هفته آینده به مصاف آلومینیوم اراک خواهد رفت. این در حالی است که شاگردان نکونام طی ۶ دیدار ابتدای فصل خود به ۵ پیروزی و یک شکست دست پیدا کرده و در حال حاضر با یک بازی عقب‌افتاده با امتیازی برابر و به خاطر تفاضل گل کمتر، در مقابل حریف سنتی که اتفاقا این تیم هم یک بازی کمتر انجام داده در رده دوم جدول قرار گرفته است. استقلالی‌ها به جز دیدار هفته سوم برابر سپاهان که به‌زعم کارشناسان داوری با ناداوری و تصمیم اشتباه داور ۳ امتیاز این دیدار را از دست دادند، در سایر دیدارهای خانگی و بیرون از خانه خود موفق عمل کرده و تمامی امتیازات ممکن این ۵ دیدار را به خود اختصاص داده‌اند.

بنابراین شاگردان نکونام در حالی در دیدار با آلومینیوم به‌دنبال ششمین برد خود در رقابت‌های لیگ برتر در فصل جاری این رقابت‌ها هستند که این تیم در این فصل تا پایان دیدار هفته هفتم یا به عبارتی تا بعد از ششمین دیدار خود در تاریخ این رقابت‌ها، یکی از بهترین آغازهای خود را به ثبت رسانده است. گفتنی است استقلال دو هفته ابتدایی را مقابل نفت‌آبادان و ملوان با برتری پشت‌سر گذاشت. این تیم در اصفهان در حالی به مصاف سپاهانی آماده و پرمهره رفت که شاید خوش‌بین‌ترین هوادار استقلال هم نسبت به نتیجه پایانی این دیدار خیلی خوش‌بین نبوده اما این در صورتی است که اتفاقا شاگردان نکونام یکی از بهترین نمایش‌های فصل خود را با وجود شکست، در اصفهان و مقابل یکی از مدعیان قهرمانی ارائه دادند.

در ادامه این تیم ۳ دیدار دیگر خود را هم به‌صورت پیاپی با برتری پشت‌سر گذاشته و ابتدا در هفته چهارم رقابت‌ها از مصاف حریف هم‌نام خوزستانی گذشته، سپس بعد از توقفی حدود ۴۰ روزه در رفسنجان، مس را شکست داد و درنهایت هم هفته گذشته طی برگزاری دیدارهای هفته ششم (عقب افتاده) در مقابل هوادار کامبک زده و دیدار ۲ بر صفر باخته را با برتری ۳ بر ۲ به پایان رساند. این در حالی است که دربی ۱۰۲ از هفته پنجم رقابت‌ها به تعویق افتاده تا هر دو تیم صدرنشین پرسپولیس و استقلال با یک دیدار عقب افتاده و با ۶ دیدار در پایان هفته هفتم صدرنشین جدول رقابت‌ها باشند.

استقلال و بهترین آغاز در ۶ دیدار نخست

همان‌طورکه اشاره کردیم استقلالی‌ها در فصل جاری با ۵ پیروزی در ۶ مسابقه ابتدایی خود یکی از بهترین شروع‌های لیگ برتر را پشت‌سر گذاشته و حالا این فرصت را دارند تا در دیدار برابر آلومینیوم این رکورد را بهتر کنند. نکونام که نهمین سرمربی استقلال طی یک دهه اخیر به‌شمار می‌رود، در حالی توانسته ۸۳ درصد از امتیازات فصل تا به این جای کار را جمع کند که کسب چنین نتایجی در تمامی ادوار لیگ برتر برای آبی‌ها در تاریخ لیگ برتر بی‌سابقه نبوده و در فصول قبلی استقلالی‌ها در یک فصل شروع بهتر دیگری را هم به ثبت رسانده‌اند.

حال اینکه استقلال در طول تاریخ رقابت‌های لیگ برتر در کدام فصل طی برگزاری ۶ دیدار ابتدایی فصل خود بهترین نتیجه را کسب کرده است در زیر به مقایسه نتایج ۶ هفته ابتدایی استقلال در ادوار لیگ برتر پرداخته و آنها را مرور خواهیم کرد.

از رکورد امیر تا شروع‌های ناامیدکننده با منصوریان

اگر در مقام مقایسه نتایج ۶ دیدار ابتدایی استقلال در تاریخ رقابت‌های لیگ برتر به‌صورت معکوس از فصل گذشته تا فصل نخست رقابت‌ها برویم؛ استقلالی‌ها در فصل گذشته همراه با ساپینتو از همین تعداد بازی به ۱۱ امتیاز دست پیدا کرده و درنهایت در پایان فصل عنوان سومی را به خود اختصاص دادند. این در شرایطی است که در فصل بیست‌ویکم که استقلال با فرهاد مجیدی موفق شد بدون شکست و جابه‌جا کردن آمارهایی متفاوت و متعدد به‌عنوان قهرمانی برسد در ۶ دیدار ابتدایی خود ۱۴ امتیاز به‌دست آورده و در مقایسه با امسال یک امتیاز کمتر کسب کردند.

در فصل بیستم نیز استقلال همراه با محمود فکری با نتایجی شبیه به تیم ساپینتو از ۶ دیدار ابتدایی خود ۱۱ امتیاز را کسب کرد تا شروع مناسبی در این فصل داشته باشد با این حال نیمکت این تیم در این فصل فقط تا نیم‌فصل به فکری وفا کرده و درنهایت او جای خود را به مجیدی داد.

در فصل نوزدهم اما استقلال همراه با استراماچونی یکی از بدترین شروع‌های خود را تجربه کرده و درحالی‌که از ۵ دیدار ابتدایی فقط ۳ امتیاز گرفته بود، در هفته ششم سریال بردهای خود را آغاز کرده و تا پایان هفته یازدهم به آن ادامه داد. با این حال این تیم در این فصل نیز از ۶ دیدار ابتدایی فقط به ۶ امتیاز دست پیدا کرد.

در فصل هجدهم نیز آبی‌ها با شفر هم شروع ناامیدکننده‌ای را به ثبت رسانده و از ۶ دیدار نخست خود فقط ۷ امتیاز به‌دست آوردند. این در شرایطی است که استقلال بدون شک بدترین آغاز فصل خود را در فصل هفدهم همراه با منصوریان به‌دست آورده و درحالی‌که تنها ۸ هفته با سرمربی خود ادامه دادند در این فصل از ۶ بازی آغازین فقط ۴ امتیاز به‌دست آورده و از این تعداد مسابقه، ۴ بازی را با شکست پشت‌سر گذاشتند.

در فصل شانزدهم نیز درحالی‌که منصوریان طی یک فصل کامل هدایت استقلال را برعهده داشت هم این تیم از ۶ دیدار همان تعداد امتیاز فصل هفدهم یعنی ۴ امتیاز را از ۴ تساوی به‌دست آورده و در ۲ دیدار دیگر شکست خوردند.

در فصل پانزدهم اما استقلال همراه با مظلومی به همین تعداد امتیاز از ۶ بازی ابتدایی خود مانند فصل جاری یعنی کسب ۱۵ امتیاز از ۶ مسابقه رسیده و جالب اینکه این تیم در هفته سوم مقابل دیگر نماینده اصفهان یعنی ذوب‌آهن شکست خورد. با این حال تفاضل گل این تیم در حالی تا پایان هفته ششم مثبت ۵ بود که در فصل جاری تفاضل تیم نکونام مثبت ۶ است، به این ترتیب تا این فصل بهترین شروع ازآن استقلال با سرمربیگری نکونام باشد. اما این تیم در فصل چهاردهم هم در ۶ هفته آغازین همین نتایج را به‌دست آورد و جالب اینکه در این فصل هم استقلال در هفته سوم باز هم به سپاهان باخت؛ هرچند همراه با قلعه‌نویی با تفاضل گل مثبت ۷ بهترین شروع خود در لیگ برتر را به ثبت رساند. در این فصل استقلالی‌ها دیدار هفته هفتم را با پیروزی پشت‌سر گذاشته و درنهایت در هفته هشتم با شکست از نفت به رکورد خود پایان دادند و این بدان معناست که درصورت ۲ برد دیگر در فصل جاری، نکونام بهترین شروع فصل را به خود اختصاص خواهد داد؛ هرچند برتری با تفاضل بیشتر از ۳ گل در بازی با آلومینیوم نیز این رکورد را به تنهایی در اختیار استقلال با سرمربیگری نکونام قرار خواهد داد.

در فصل سیزدهم نیز استقلال با قلعه‌نویی از همین تعداد بازی ۱۵ امتیاز کسب کرده و با تفاضل مثبت ۶ عملکردی شبیه به استقلال این فصل را به ثبت رساند.

جالب اینکه استقلال درحالی در ۳ فصل پیاپی به رکورد ۱۵ امتیاز از ۶ بازی رسیده است و در پایان این ۳ فصل هرگز به‌عنوان قهرمانی نرسید و این یعنی آمار نشان می‌دهد صرفا بهترین شروع‌ها قهرمانی را به همراه نداشته‌اند و چه‌بسا بعضا استقلال در فصولی این عنوان را به خود اختصاص داده که تا هفته ششم این سال‌ها حتی به میانگین امتیاز قهرمانی (هر دیدار ۲ امتیاز) هم نرسیده‌اند.

**در سایر فصول نیز استقلال از ۶ دیدار ابتدایی خود امتیازات زیر را کسب کرده است.

فصل دوازدهم: ۹ امتیاز (قهرمانی)
فصل یازدهم: ۱۳ امتیاز
فصل دهم: ۹ امتیاز
فصل نهم: ۱۲ امتیاز
فصل هشتم: ۷ امتیاز (قهرمانی)
فصل هفتم: ۸ امتیاز
فصل ششم: ۱۴ امتیاز
فصل پنجم: ۱۳ امتیاز
فصل چهارم: ۱۲ امتیاز
فصل سوم: ۱۱ امتیاز
فصل دوم: ۸ امتیاز
فصل اول: ۱۰ امتیاز

پشت‌پرده افشای قرارداد یامگا

ایجنت بازیکن فرانسوی به دنبال انتقام از استقلال!

قرارداد کوین یامگا بازیکن فرانسوی استقلال درحالی روز گذشته به‌منظور بررسی برخی مفاد قرارداد وی از جمله موضوع مالیات این بازیکن رسانه‌ای شد که طی سالیان اخیر باشگاه استقلال از این امر یعنی رسانه‌ای شدن قرارداد بازیکنان و مربیانش در مواقع حساس بیشترین ضربه را پذیرا شده است. این درحالی است که درخصوص موضوع افشای قرارداد یامگا شنیده می‌شود فابیو، ایجنت خارجی کوین یامگا با استناد به یک قرارداد مشکوک، درخواست ۲۶۰ هزار دلار بابت دستمزد خود جهت انعقاد قرارداد اولیه و تمدید قرارداد یامگا از باشگاه استقلال کرده بود که در زمانی که فرشید سمیعی معاون حقوقی استقلال بود کار به دعوی حقوقی کشیده شده و نهایتا فیفا رای خود را به نفع تیم حقوقی استقلال صادر کرد. از آن زمان و قبل از هر موعد پرداختی به این بازیکن این ایجنت اقدام به دادن نوتیس کرده تا ضمن فسخ یک‌طرفه و انتقال کوین به تیم دیگری به خیال خود انتقام خود را از بابت نپذیرفته شدن درخواستش بگیرد. این درحالی است همزمان با این کشمکش‌ها انتشار قرارداد کوین یامگا کاملا مشکوک به نظر می‌رسد.

انتقال دوباره استقلالی‌ها به پژوهشگاه

چمن کمپ حجازی مرمت می‌شود

تیم فوتبال استقلال درحالی تمرینات خود را بعد از یک روز تعطیلی از روز گذشته پیگیری کرد که شاگردان جواد نکونام این تمرین را در پژوهشگاه نفت تهران برگزار کردند. نکته قابل توجه اینکه شنیده می‌شود زمین چمن کمپ حجازی تا حدودی به استراحت و مرمت نیاز داشته که بر همین اساس این موضوع باعث می‌شود تا کار آماده‌سازی بازیکنان استقلال به‌منظور برگزاری دیدار این تیم در برابر آلومینیوم در پژوهشگاه نفت تهران برگزار شود.

یک مقام مسئول در سازمان لیگ: به‌خاطر نام استقلال با هاشمی‌نسب همکاری کردیم

اگر کارت بگیرد، به نام چه کسی ثبت کنیم؟

تیم فوتبال استقلال جمعه گذشته درحالی در دیدار برابر هوادار با یک پیروزی شیرین کار را به پایان رساند که در جریان این دیدار اتفاقات تلخی روی نیمکت این تیم رخ داده و مهدی هاشمی‌نسب مربی محبوب آبی‌ها به همراه سایر اعضای کادرفنی استقلال از همراهی تیمش محروم شد. در این مورد طی این چند روز شایعات زیادی شنیده شد؛ این در حالی هست که یک مقام مسئول در سازمان لیگ به «فرهیختگان» گفت: «به احترام نام استقلال طی سه هفته کمک کردیم تا هاشمی‌نسب روی نیمکت استقلال بنشیند. هر بار هم اعلام کردیم مدارکش را کامل کنند اما استقلالی‌ها فقط بخشی از مدارک را آوردند! وقتی نام این مربی در لیست استقلال نیست، به‌صورت قانونی اگر داور به او کارت زرد و قرمز بدهد باید این کارت‌ها را به نام چه کسی ثبت کرد؟ با این حال در بازی‌های قبلی ما به‌خاطر نام استقلال و خودش کمک کردیم تا او از روی نیمکت تیمش را همراهی کند اما در ادامه وقتی درخصوص تکمیل مدارک اقدامی صورت نگرفت طبق قانونی جلوی تداوم این حضور را گرفتیم چون بیشتر از نمی‌شد با این تیم و هاشمی‌نسب همکاری کنیم.»

برد نوبرانه طلایی‌پوشان در ازبکستان

سپاهان مدعی صعود شد

تیم فوتبال سپاهان در هفته سوم مرحله گروهی رقابت‌های لیگ قهرمانان آسیا در ازبکستان به مصاف تیم آلمالیق این کشور رفت و در دیداری نه چندان دشوار موفق شد میزبانش را با نتیجه سه بر یک شکست دهد. شاگردان مورایس که بازی هفته دوم‌شان برابر الاتحاد عربستان به دلیل بهانه‌جویی‌های حریف و ناظر AFC لغو شده بود در دومین دیدار خود در دور گروهی موفق شدند نخستین برد خود را کسب کنند. طلایی‌پوشان در همان نیمه نخست روی اشتباه گلر حریف و توسط زکی‌پور به گل رسیدند که در بررسی VAR، آفساید تشخیص داده شد. در ادامه باز هم اشتباه سنگربان حریف باعث شد تا کرنر رضائیان به گل نخست سپاهان تبدیل شود. پیش از پایان نیمه نخست یکی از معدود حملات آلمالیق با شوت زیبای میراحمدوف به گل تبدیل شد تا بازی در نیمه نخست به تساوی کشیده شود. سپاهانی‌ها در نیمه دوم با ضربه کاشته تماشایی رضائیان به گل دوم رسیدند و ضربه اسدی در دقیقه ۵۹ کار را برای میزبان تمام کرد تا سپاهان با سه امتیاز به اصفهان برگردند.

باشگاه از سرمربی اسپانیایی ناراضی است اما هنوز کار به اولتیماتوم نرسیده

زور تراکتور به خمز نمی‌رسد!

نیلوفر مژدهی
خبرنگار

شکست تیم تراکتور در خانه آن هم مقابل هواداران پرشور این تیم در بازی با شمس‌آذر یکی از عجیب‌ترین نتایج چند هفته اخیر لیگ برتر بود. کمتر کسی فکر می‌کرد تراکتور در این بازی بازنده باشد. حتی بدبین‌ترین هواداران این تیم که شکست را برای تیم‌شان محتمل می‌دانستند هم، فکر نمی‌کردند تراکتور با سه گل بازی را واگذار کند. البته کامبک نصفه و نیمه این تیم می‌توانست تمام معادلات را به هم بریزد و حالا تیم برنده تراکتور باشد، اما زمان برای بازگشت آنها کافی نبود و درنهایت شاگردان خمز نتیجه را واگذار کرده و یک شکست سنگین را پذیرفتند. توقع می‌رفت این تیم با این همه ستاره عملکرد بهتری داشته باشد اما درحالی‌که آنها در آستانه پنجمین پیروزی پیاپی خود بودند، در تبریز شکست خوردند تا روند موفقیت‌هایشان همین‌جا متوقف شود. این تراکتور شاید از جا برخاسته و سری در میان سرها در بیاورد اما بدون شک نمی‌تواند توقعات را برآورده کند. تیمی که خمز امسال روانه لیگ برتر کرد باگ‌های زیادی دارد و تقریبا می‌توان گفت؛ او زمان را برای برطرف کردن ایرادات تیمش از دست داده است.

جایگاه تراکتور فیک است

تیم تراکتور در حالی با هفت بازی در رده سوم رقابت‌های لیگ برتر قرار دارد که هنوز یک بازی از استقلال و پرسپولیس و دو بازی از سپاهان و گل‌گهر بیشتر برگزار کرده است. به این ترتیب درصورتی‌که سایر تیم‌ها بازی‌های عقب افتاده خود را برگزار کنند، این احتمال وجود دارد که تیم تراکتور حتی تا رده هشتم سقوط کند. از این‌رو جایگاه فعلی تیم تراکتور، یک جایگاه حقیقی نیست بلکه فیک است. شاگردان خمز اگر می‌خواهند خود را در بین سه تیم بالای جدول حفظ کنند باید اول از همه خوش‌شانس باشند و در مرحله دوم رقبای خود را کنار بزنند تا به این ترتیب سه شکست تیم تراکتور جبران شود. تیمی که از تراکتور در بازی با شمس‌آذر دیدیم از ثبات برخوردار نبود. نمی‌توان منکر ضعف‌های فنی و تاکتیکی تیم تراکتور شد اما قبل از هر چیز غرور کاذب و دست‌کم گرفتن تیم شمس‌آذر باعث شکست آنها شد. تراکتوری‌ها اگر با انگیزه بالا وارد زمین شده و به‌هیچ‌وجه حریف را دست‌کم نمی‌گرفتند شاید حالا آنها برنده این بازی بودند. چنین شرایطی پیش از شروع مسابقه قابل پیش‌بینی بود. شمس‌آذر هرچند اولین حضور خود در لیگ برتر را سپری می‌کند اما تیمی دونده و جنگجوست. از این‌رو می‌تواند برای هر حریفی خطرناک باشد و در بازی تراکتور و شمس‌آذر دقیقا همین اتفاق افتاد. تراکتوری‌ها به خاطر توانمندی‌های تیم حریف به‌شدت غافل‌گیر شدند و زمانی فهمیدند نباید حریف را دست‌کم بگیرند که دیگر دیر شده بود. مسابقه آنقدر طولانی نشد تا تلاش‌شان نتیجه دهد و بتوانند سه امتیاز را از آن خود کنند.

این ترکیب برنده نیست

خمز هنوز ترکیب تیم برنده را پیدا نکرده است. پاکو تیمی دونده و جسور می‌خواهد. او بارها چه در زمین چه در تمرینات و چه در کنفرانس‌های مطبوعاتی مدعی شده به بازی‌سازی علاقه‌مند است. از این‌رو بازیکنانی می‌خواهد که از کنار دروازه خود تا دروازه حریف بازی‌سازی کنند و با ارائه یک فوتبال زیبا به گل رسیده و نتیجه را به دست بیاورند، اما طی فصل جاری ما هنوز تراکتور مورد نظر خمز را ندیدیم. این‌طور به نظر می‌رسد که او هنوز بازیکنان مورد نظر خود برای چنین ترکیبی را پیدا نکرده و برای آنچه در ذهنش می‌گذرد همچنان به زمان نیاز دارد. با این حال چیزی که در تیم خمز به چشم می‌آید انگیزه و تلاش برای رسیدن به خواسته سرمربی است. روحیه‌ای که بازیکنان تراکتور پس از دریافت سه گل از شمس‌آذر داشتند، گواه این ادعاست. تنها چیزی که در تیم خمز به‌شدت توی ذوق می‌زند ضعف تاکتیکی این تیم است. آنها در انتقال توپ و بازی‌سازی با مشکل روبه‌رو هستند. ضمن اینکه در خط دفاعی به‌شدت آسیب‌پذیر نشان می‌دهند. اشتباهات مکرر مدافعان این تیم و فضایی که به مهاجمان حریف می‌دهند نقطه‌ضعف بزرگ آنهاست. چیزی که باعث شد آنها به راحتی از لیگ قهرمانان آسیا نیز حذف شوند. به همین علت خمز قبل از هر کاری باید خط دفاعی تیمش را ترمیم کند.

تراکتور نمی‌تواند خمز را برکنار کند

با وجود ناکامی و عدم موفقیت تیم تراکتور اما سرمربی این تیم همچنان مرد محبوب سکوهاست. در روزی که هواداران تراکتور قبل از سوت پایان ناامیدانه ورزشگاه یادگار امام تبریز را ترک می‌کردند، عده‌ای روی سکوها حمایت خود را از سرمربی تیم‌شان نشان دادند. برخی از آنها تا آخرین لحظه روی سکوها ایستاده و حتی پس از سوت پایان بازی و قبول شکست، باز هم از خمز حمایت کردند تا مبادا باشگاه به سرش بزند و با این مربی وارد چالش شود. این اما تنها مانع مسئولان باشگاه تراکتور برای برکناری خمز نیست. در واقع هنوز دو سال دیگر از قرارداد این مربی با تراکتور باقی مانده است و به همین دلیل در صورت برکناری وی ضرر مالی زیادی متوجه باشگاه تراکتور خواهد شد. شاید خیلی‌ها فکر کنند که تراکتور برنامه‌ای برای برکناری این مربی ندارد اما واقعیت این است که جو این باشگاه به نفع سرمربی مغرور و یک‌دنده تراکتوری‌ها نیست. برخی در باشگاه به ارنج او هم خرده گرفته و تفکراتش را آشفته می‌دانند. این شایعات وقتی قوت گرفت که خمز نیز ناامیدانه در کنفرانس خبری مدعی شد نمی‌داند آیا ارزش دارد اینجا بماند و کار کند؟ البته تراکتوری‌ها هم هنوز به آن مرحله نرسیدند که بخواهند به خمز اولتیماتوم داده و برایش فرصت تعیین کنند. یکی از بازیکنان باشگاه تراکتور در همین مورد به ما گفت: «درواقع آنها فعلا قصد برکناری خمز را ندارند اما به این موضوع فکر می‌کنند. تراکتوری‌ها از نتایج و ترکیب راضی نیستند و تفکرات سرمربی را عامل ناکامی می‌دانند. اصلی‌ترین چیزی که فعلا مانع آنهاست، مبلغ قرارداد و مدت قرارداد این مربی است. این نکته است که فعلا آنها را مردد کرده است.»

درویش دلخور از مصاحبه‌های تمام‌نشدنی معاون سابق

ارسال از جناحین؛ حربه یحیی برای موفقیت برابر تاجیک‌ها

پرسپولیس با ۹ تغییر به مصاف استقلال تاجیکستان می‌رود

گل‌محمدی در جلسه هیات‌مدیره حاضر می‌شود

حمیدرضا اسکندری
خبرنگار گروه ورزش

هفته سوم از مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا از روز گذشته آغاز شد و دو نماینده کشورمان نساجی و سپاهان مقابل حریفان ازبک خود به میدان رفتند و امروز هم پرسپولیس، دیگر نماینده کشورمان میزبان حریف تاجیکستانی خود است. دیداری که از هر لحاظ برای دو تیم حائز اهمیت است؛ چراکه بازنده این مسابقه شانس بسیار کمی برای صعود از این گروه خواهد داشت. پرسپولیس و استقلال تقریبا دوسال پیش هم با یکدیگر مصاف داشتند که آن مسابقه را استقلالی‌ها میزبان بودند که با یک گل مغلوب شدند. نکته جالب‌توجه اینکه تیم تاجیکستانی نسبت به دوسال قبل تغییرات عمده‌ای داشته و وقتی ترکیب آنها در بازی دوسال پیش با پرسپولیس را با ترکیب اصلی بازی قبل این تیم با النصر و الدحیل مقایسه کردیم هیچ نام آشنایی ندیدیم. درواقع می‌توان گفت که استقلال تاجیکستان تقریبا هیچ شباهتی با آن تیمی ندارد که در مرحله یک هشتم با پرسپولیس بازی کرد. در این سو هم تقریبا اوضاع به همین شکل است. پرسپولیس در آن بازی حامد لک، سیدجلال حسینی، سعید آقایی، علی نعمتی، فرشاد فرجی، میلاد سرلک، رضا اسدی، امید عالیشاه، مهدی ترابی، وحید امیری و مهدی عبدی را در ترکیب ثابت خود داشت که در این میان برای بازی فردا به احتمال خیلی زیاد فقط نعمتی و ترابی در ترکیب ثابت باشند. میلاد سرلک مصدوم است و عالیشاه به‌همراه فرجی از روی نیمکت نظاره‌گر بازی خواهند بود. بدون‌شک پرسپولیس نسبت به تیم دوسال قبل خود قوی‌تر و باتجربه‌تر شده است و به این خاطر راحت‌تر می‌تواند حریف تاجیکستانی اش را شکست دهد. ناگفته نماند که وحدت حنانوف هم در بازی دوسال پیش در ترکیب استقلالی‌ها حضور داشت و فردا شانس زیادی برای حضور در میدان با پیراهن قرمز دارد. اگرچه خیلی از بازیکنان استقلال با توجه به تغییرات زیادی که در این تیم انجام شده، به نوعی همبازی سابق او به‌حساب نمی‌آیند.

پرسپولیس به برد پرگل فکر می‌کند

شاگردان یحیی گل‌محمدی نتوانستند شروع خوبی در لیگ قهرمانان داشته باشند و در بازی اول خود با دو گل مغلوب النصر شدند اما در بازی دوم پرسپولیس بسیار متفاوت و قدرتمند ظاهر شد و توانست الدحیل را در زمین خودش شکست دهد. بااین حال تفاضل گل سرخپوشان هنوز منفی یک است و امروز این فرصت را دارد تا تفاضل گلش را بالا ببرد. البته یحیی و تیمش به هیچ‌وجه نباید استقلال را دست‌کم بگیرند از این جهت که آنها تیمی یکدست و دونده هستند. در این میان گروه آنالیز سرخپوشان متوجه شده‌اند که حریف تاجیک روی ضربات ایستگاهی و توپ‌های هوایی ضعف دارند و به این خاطر یکی از اهداف اصلی‌شان برای رسیدن به گل ارسال‌های بلند از کناره‌ها و بهره بردن از ضربات ایستگاهی است. در بازی با پیکان هم شاگردان یحیی روی این مساله اصرار داشتند و توانستند توسط شهاب زاهدی نیز روی یک ضربه ارسالی از روی کرنر به گل برسند و چند صحنه خطرناک مشابه این گل را هم خلق کنند. از این رو در بازی امروز کنعانی زادگان، گولسیانی، نعمتی و زاهدی به‌عنوان بازیکنان سرزن تیم‌شان نقش اساسی را در به گل رسیدن این تیم خواهند داشت. اگرچه در این میان نقش وینگرها و حتی مدافعان کناری پرسپولیس هم برای ارسال‌های دقیق و تند و تیز بسیار مهم است. ضمن اینکه سروش رفیعی نیز در هفته‌های اخیر ضربات ایستگاهی را به بهترین شکل در تیمش ارسال کرده است.

پرداخت نیمی از آپشن‌ها

باشگاه پرسپولیس بعد از اینکه توانست مجوز برداشت پول را از سپرده‌اش از سازمان خصوصی‌سازی بگیرد درتلاش بود که مراحل اداری این انتقال زودتر انجام شود تا بتواند به سرخپوشان تا قبل از بازی امروز پرداختی داشته باشد. بااین حال به آنها اطمینان داده شد که ظرف همین یکی دو روزه نیمی از آپشن‌های قرارداد فصل پیش خود را دریافت خواهند کرد و در این مورد دیگر دغدغه‌ای نداشته باشند.

بادامکی سمتی در هیات فوتبال مشهد ندارد

معاون ورزشی باشگاه پرسپولیس تقریبا ۴ ماه بعد از استعفای محمد محمدی معرفی شد و حسین بادامکی این سمت را برعهده گرفت. شماره ۸ سابق سرخپوشان درحالی دوباره و در سمت معاون به این تیم برگشته که در چندسال اخیر از خیلی از اتفاقات و جریانات این تیم مطلع نبود اما در مورد بادامکی گفته شده که او باید از سمتش در هیات فوتبال مشهد استعفا دهد. این جمله را احساس اصولی عضو هیات‌رئیسه فدراسیون اعلام کرده است. در این مورد وقتی روز گذشته پیگیر شدیم، یکی از مسئولان باشگاه پرسپولیس عنوان کرد که بادامکی قبل از گرفتن حکم معاونت مدعی شده که دیگر سمتی در هیات فوتبال مشهد ندارد.

سرمربی پرسپولیس نشان داد تغییر کرده است

یحیی گل‌محمدی سال ۱۳۹۲ بود که به‌عنوان سرمربی جانشین مانوئل ژوزه در پرسپولیس شد. او اگرچه در نیم‌فصل جانشین این مربی پرتغالی شد اما درنهایت توانست با سرخپوشان راهی فینال جام حذفی شود، هرچند وقتی در فینال بازی را به سپاهان واگذار کرد، مدعی شد سرمربی ضعیف‌ترین پرسپولیس تاریخ شده است! بعد از این اظهارنظر خیلی‌ها او را نقد کردند که چرا وقتی خواست جای ژوزه را بگیرد، این حرف را نزد. یحیی در ادامه راه مربیگری راهی تیم‌هایی چون ذوب‌آهن، تراکتور و شهرخودرو شد. او در تمام این سال‌ها همیشه وقتی نمی‌توانست به موفقیت برسد مدام از کمبودهای تیمش می‌نالید. غافل از اینکه مربیان بزرگ همواره در هر شرایطی از داشته‌های تیم‌شان تعریف و سعی می‌کنند با تمجید از آنها اعتماد به‌نفس‌شان را بالا ببرند، بدون اینکه بخواهند بابت از دست دادن مهره‌های ارزشمند تیم‌شان به هردلیلی ناامید شوند. کاری که روز گذشته یحیی گل‌محمدی انجام داد. او ضمن اینکه مصدومیت سلمانی و پورعلی‌گنجی را اتفاقات تلخ و جزئی از فوتبال دانست، سعی کرد از داشته‌های تیمش و مخصوصا نفرات جوان تعریف و تمجید کرده و به‌نوعی نشان دهد که به آنها اعتماد کامل دارد. درواقع او حرف‌هایی را زد که از دهان مربیان با تجربه و بزرگ بیرون می‌آید.

درویش شاکی از مصاحبه‌های معاون سابق

محمد محمدی هنوز مهر حکم حسین بادامکی به‌عنوان جانشینش در پرسپولیس خشک نشده، مصاحبه‌ای علیه مدیریت این باشگاه انجام داد. البته او از زمانی که از پرسپولیس جدا شده چند باری علیه مدیریت این باشگاه موضع گرفته و تکرار این ماجرا با دلخوری شدید درویش مواجه شده است. مدیرعامل پرسپولیس زمانی که محمدی را به‌عنوان معاون خود در پرسپولیس معرفی کرد مورد انتقادات زیادی از سوی هواداران تیمش قرار گرفت از این جهت که آنها اعتقاد داشتند محمدی در دوران فوتبالش بیشتر استقلالی بوده تا پرسپولیسی! از این رو درویش انتظار این مصاحبه‌ها را از محمدی ندارد. مخصوصا اینکه هر دو مدیر به‌نوعی زیرنظر وزارت ورزش فعالیت می‌کنند.

جلسه هیات‌مدیره با حضور گل‌محمدی

هیات‌مدیره باشگاه پرسپولیس جلسه ابتدای این هفته خود را به خاطر بازی این تیم با استقلال تاجیکستان به آخر هفته موکول کرد. البته دلیل اصلی آن این بود که این جلسه با حضور یحیی گل محمدی برگزار شود. پیش از این سرمربی سرخپوشان تاکید کرده بود تا زمانی که باشگاه به تعهداتش در قبال اعضای تیم عمل نکند حاضر به حضور در جلسه هیات‌مدیره نیست. اما از آنجا که قرار است ظرف یکی دو روز آینده پرداختی به سرخپوشان انجام شود، یحیی نیز در صورت این اتفاق در جلسه آخر هفته هیات‌مدیره باشگاه پرسپولیس شرکت خواهد کرد. هرچند او نه از سوی مدیرعامل، بلکه از سوی دیگر اعضای هیات‌مدیره برای شرکت در جلسه آینده دعوت شده است.

رادو باز هم دغدغه شد

همان‌طور که پیش از این در خبرها داشتیم باشگاه پرسپولیس چند روز پیش با ارسال نامه‌ای به رادوشویچ خواستار رضایت او برای دریافت قسط آخرش از فیفا شد اما حالا باگذشت چند روز پس از این نامه، رادو هیچ پاسخی نداده است. در این مورد با خبر شدیم که رادو بابت اینکه قسط سومش را از پرسپولیس باتاخیر گرفته، شاکی است و به این خاطر قصد همکاری با تیم سابقش را ندارد. این می‌تواند بدترین خبر برای مدیریت باشگاه پرسپولیس باشد. از این جهت که این باشگاه با مشکلات مالی زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کند و درویش همه تلاشش این بوده و هست ۲۰۰ هزار دلار آخر رادو و حتی جریمه احتمالی که ۲۰۰ هزار دلار دیگر است را از طریق حساب پرسپولیس در فیفا بپردازد. به‌هرحال این باشگاه به‌دنبال این است که راهی برای جلب رضایت رادو و وکیلش پیدا کند در غیر این صورت باید این پول را از حساب باشگاه پرداخت کنند.

سه‌شنبه ۲ آبان ۱۴۰۲
شماره ۳۹۸۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

محمد باقری معتمد در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: سرمربی تیم ملی باید خیلی زودتر تغییر می‌کرد

اگر ساعی ادعای فنی دارد سرمربی شود

توقع داشتیم مقانلو به‌خاطر نتایج ضعیف تیم عذرخواهی کند

تکواندو حال و روز خوشی ندارد و افلاکی نمی‌تواند کارستان کند

مهدی منصرف
خبرنگار

به‌دنبال عملکرد پرانتقاد تیم ملی تکواندو در بازی‌های آسیایی هانگژو و مرحله سوم رقابت‌های گرندپری ۲۰۲۳، چهارشنبه ۲۷ مهرماه جلسه کمیته فنی فدراسیون تکواندو برگزار شد و سرانجام اعضای کمیته فنی به قطع همکاری با بیژن مقانلو رسیدند. موضوعی که روز شنبه این هفته به‌صورت رسمی از سوی سرمربی تیم ملی اعلام شد تا پرونده دومین حضور مقانلو در مسئولیت سرمربیگری تیم ملی نیز به پایان برسد. پس از این تصمیم نیز مجید افلاکی دستیار بیژن مقانلو به‌عنوان سرمربی موقت تیم ملی تا فینال رقابت‌های گرندپری انتخاب شد تا پس از این رقابت‌ها کمیته فنی درخصوص آینده تیم ملی تصمیم بگیرد. محمد باقری معتمد، دارنده مدال نقره المپیک ۲۰۱۲ لندن که آخرین مدال تکواندوی ایران را در المپیک کسب کرد در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درخصوص قطع همکاری با مقانلو و آینده تیم ملی صحبت کرد. صحبت‌های دارنده مدال طلا و نقره جهان، طلای بازی‌های آسیایی، دو مدال طلا، یک نقره و یک برنز آسیا و مربی سابق تیم ملی را در ادامه بخوانید.

روند نتایج ضعیف تیم ملی سرانجام باعث قطع همکاری با بیژن مقانلو شد.

ابتدا باید بگویم که مقانلو بدون هیچ عذرخواهی فرار رو به جلو می‌کند. در یک سال و نیم گذشته این نتایج ضعیف کسب شد و اگر جای رئیس فدراسیون بودم خیلی زودتر از اینها این تصمیم را می‌گرفتم. اگر قرار به فرصت دادن بودن باید یک یا دو بار این اتفاق می‌افتاد؛ نه اینکه چهار، پنج بار فرصت بدهیم.

اعتقاد دارید که این همکاری باید خیلی زودتر به پایان می‌رسید؟

خیلی دیر این اتفاق افتاد و باید زودتر از اینها به فکر تغییر می‌افتادند. اعتقادی به تغییرات ندارم، اما وقتی سرمربی با مربیان تعامل ندارد باید زودتر این تصمیم گرفته می‌شد. متاسفانه مقانلو نتوانست مدیریت و توقعات را برآورده کند. ایشان گفته که به خاطر حفظ حرمت تصمیم به قطع همکاری با تیم ملی گرفتم، اما سوال این است که چه حرمتی؟ مقانلو سابقه مربیگری خود را هم زیر سوال برد. در دوره اول حضور مقانلو تیم ملی یک بار در سال ۲۰۱۵ قهرمان جهان شد، اما در المپیک ۲۰۱۶ ریو نتیجه نگرفت. بعد از ۶ سال دوباره به‌عنوان سرمربی انتخاب شد و نتایج مقطع دوم مربیگری او نیز مشخص است. این جوری صحبت کردن خیلی بد است و باید اشتباه خود را بپذیریم. مربیان بزرگ دنیا در رشته‌های مختلف وقتی نمی‌توانند نتیجه بگیرند و کمک کنند حداقل یک عذرخواهی می‌کنند و این توقع از ایشان نیز وجود داشت.

در ناکامی این دوره و روند نزولی تکواندوی ایران فقط مربیان مقصر هستند؟

خیلی سال است که ما در تیم ملی مشکل داریم و نتیجه آن نیز المپیک ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ بود، اما بعد از المپیک توکیو در یک دوره نسل جوانی درحال معرفی شدن بود و من نیز افتخار داشتم که مربی تیم ملی باشم. در آن مقطع یک‌سری جوانان را معرفی و درحال کار کردن روی آنها بودیم که تغییر و تحولات فدراسیون اتفاق افتاد و مقانلو سرمربی شد و این نفرات را به نام خود زد. به خدا دلسوز تکواندو هستم و دنبال جایگاه هم نیستم، اما اگر مقانلو کمی با کمک‌های خود تعامل داشت و به مربیان کنارش بها می‌داد این اتفاقات نمی‌افتاد. متاسفانه بعد از المپیک ۲۰۱۶ ریو نیز مقانلو ناکامی خود را گردن مهدی بی‌باک انداخت. او هیچ‌وقت در مواقع شکست مسئولیت‌پذیر نبوده و این خیلی بد است و امیدوارم درس عبرتی برای آینده باشد.

مقانلو پس از قطع همکاری با تیم ملی اعتقاد دارد که ما همچنان کسب شانس کسب سهمیه المپیک پاریس از طریق رنکینگ و مسابقات گرند اسلم را داریم.

اگر ایشان هنوز سرمربی تیم ملی بود چنین حرفی می‌زد؟ شانس کسب سهمیه یک بحث است و بحث دیگر روند تیم بود که خوشایند نبود. در این مدت کوتاه هم اتفاق خاصی نمی‌افتاد. بارها مصاحبه کردم و گفتم وقتی شانس کسب سهمیه از طریق رنکینگ را نداریم، بچه‌ها را به گرندپری نبرید و آنها را ترسو بار نیاورید. این روند که در گرندپری شرکت می‌کردیم تا رنکینگ بچه‌ها را بهتر کنیم تا در مسابقات قاره‌ای با حریفان ضعیف‌تر روبه‌رو شویم، درست نبود. این ترس باعث شده بچه‌ها در مقابل حریف اسم و رسم‌دار نتوانند مسابقه را در بیاورند. برای مسابقات قاره‌ای کیفیت مهم است و ما می‌توانستیم با توجه به شانس دو سهمیه روی دو نفر تمرکز بیشتر می‌کردیم تا سهمیه بگیرند. اگر از این دو نفر در المپیک یک نفر نیز مدال بگیرد یک مدال است. تنها شانس‌های ما برای کسب سهمیه درحال حاضر آرین سلیمی در گرند اسلم است که اگر روزش باشد با کسب مدال طلا یا نقره سهمیه را کسب و برای سهمیه دوم باید در مسابقات قاره‌ای شرکت کنیم و اگر این اتفاق نیفتد نیز آخرین شانس ما کسب دو سهمیه در مسابقات قاره‌ای خواهد بود.

مجید افلاکی به‌عنوان سرمربی انتخاب شد که این انتخاب نیز موافقان و مخالفان خود را داشت.

فدراسیون کسی را ندارد و فکر می‌کنم به خاطر اینکه گزینه‌ای وجود نداشت، به افلاکی رسیدند تا اینکه یک مربی با تفکرات جدید را انتخاب کنند. فکر می‌کنم قرار است تا پایان فینال گرندپری سرمربی باشد، اما از قرارداد ایشان اطلاعی ندارم. تکواندو در مجموع روز خوشی ندارد که فکر کنیم با رفتن مقانلو، افلاکی بتواند کاری بکند کارستان. با توجه به دو رویداد آخری که نتیجه نگرفتیم شرایط ما سخت است و امیدوارم افلاکی نخواهد کارهای مقانلو را تکرار کند تا ضربه بخورد.

مقانلو عنوان کرده که فقط خواستار اختیار کامل سرمربی بوده است. موضوعی که به‌نظر می‌رسد به خاطر دخالت در کارش بوده است.

در بازی‌های آسیایی دیدم که رئیس فدراسیون از بالا صحبت می‌کرد و بازیکنان به مربی توجه نمی‌کردند. طبیعی است به مقانلو بربخورد و این حرفش درست است. اگر آقای ساعی ادعا سرمربیگری دارد وارد کار فنی شود و اشکالی هم ندارد. کاری که رسول خادم انجام می‌داد. خادم آنقدر توانایی در خودش می‌دید که همزمان رئیس فدراسیون و سرمربی تیم ملی بود و نتیجه هم می‌گرفت. نمی‌گویم ساعی بیاید نتیجه هم می‌گیرد ولی اگر ادعایی دارد می‌تواند این کار را انجام بدهد. بازیکن به خاطر اینکه ساعی رئیس فدراسیون است مجبور است بالا را نگاه کند و این موضوع را من در بازی‌های آسیایی دیدم.

به‌نظر شما با حضور افلاکی نیز این اتفاق ادامه خواهد شد؟

شاید این اتفاق بیفتد. می‌دانم تعامل آقای افلاکی بیشتر از مقانلو است و روحیات ایشان را می‌شناسم. فکر می‌کنم روحیات و تعامل ایشان بیشتر است و امیدوارم بتواند در این شرایط سخت موفق باشد.

شما بارها عنوان کردید که به حضور سرمربی اعتقادی ندارید، فکر می‌کنید بعد از مرحله فینال گرندپری امکان حضور چند مربی در تیم ملی وجود دارد یا باز هم سرمربی جدید انتخاب خواهد شد؟

زمان زیادی را از دست دادیم و این حرف من برای دوسال پیش بود، حتی قبل از حضور به‌عنوان مربی در تیم ملی نیز گفتم که به حضور سرمربی در تیم ملی اعتقاد ندارم. دلیل این موضوع پیشرفت کشورهایی است که سرمربی ندارند و از چند مربی استفاده می‌کنند. کسی که بخواهد کمک کند در قالب مربی هم می‌تواند، به خصوص در شرایطی که متاسفانه بین مربیان در ایران «منم‌منم» زیاد است و همه خود را بالاتر از دیگران می‌دانند. تکواندو را همین «منم‌منم» کردن‌ها به این روز انداخت.

شما یکی از منتقدان پولادگر بودید و انتظار می‌رفت با حضور ساعی به‌عنوان یک قهرمان از ایشان حمایت کنید، اما همچنان در این فدراسیون منتقد هستید.

هم زمان پولادگر و هم در این مقطع همیشه انتقاد فنی کردم و به مسائل شخصی افراد کاری ندارم. همه ما بالاخره مشکلات شخصی در زندگی داریم، اما همیشه انتقاد فنی کرده‌ام، چون دلسوز تکواندو هستم و همه جا گفته‌ام که نان مرا تکواندو نمی‌دهد و دستم هم در جیب فدراسیون نیست. همیشه به خاطر سال‌ها حضور در این رشته دلم می‌سوزد. زمان پولادگر هم انتقاد می‌کردم، اما ایشان تمایل داشت به تیم ملی کمک کنم که رفتم و کمک کردم. خصومت شخصی با کسی ندارم. همین الان هم بخواهند، کمک می‌کنم. یوسف کرمی سه، چهار ماه پیش زنگ زد و گفت محمد حرف نزن. او گفت با هادی صحبت کرده و ساعی گفته مصاحبه‌های مرا ببیند. به یوسف هم گفتم که انتقاد فنی کردم، اما ساعی همه انتقادات فنی را به پای خصومت شخصی می‌گذارد.

یعنی اگر به شما پیشنهاد همکاری بدهند باز اگر مشکل فنی وجود داشته باشد، انتقاد خواهید کرد؟

چرا نباید انتقاد کنم؟ مگر کسی بالای سر من است. باید به ظرفیتی برسیم که انتقادات را بشنویم، به طور مثال چرا مقانلو نباید اشتباهاتش را قبول کند و دوپهلو حرف بزند. زمانی که سرمربی بود هیچ حرفی نمی‌زد و حالا که بیرون است هم دوپهلو حرف می‌زند.

به‌عنوان یک سوال کلی چقدر در عدم نتیجه‌گیری تیم ملی برای فدراسیون نقش قائل هستید؟

به طور کلی هم مشکلات به فدراسیون باز می‌گردد. چیدمان فدراسیون از ابتدا در بحث سرمربیگری و مربیان اشتباه بود. اگر یک مقدار رفیق بازی را کنار می‌گذاشتند شرایط بهتر می‌شد. نمی‌گویم باید به ما فرصت می‌دادند، اما می‌توانستند حداقل بگویند تا جهانی مگر یک فرصت دارید. آنقدر پررو نبودیم که اگر نتیجه نمی‌گرفتیم توقع ادامه دادن داشتیم. قربانی خصومت‌های شخصی شدیم تا رفیق‌های خود را بیاورند. بینید از آن زمان چند کمک مربی عوض شده است و این به خاطر چیدمان اشتباه بود. در این زمان کم تا المپیک پاریس هم هنوز سهمیه ما روی هواست. اگر خدایی نکرده سهمیه هم نگیریم باید در فدراسیون را ببندیم.

سه‌شنبه ۲ آبان ۱۴۰۲
شماره ۳۹۸۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

رسانه قطری چطور یکه‌تاز خبررسانی در ماجرای غزه شد؟

سند تحول الجزیره را اجرا کنید

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

نام رسانه الجزیره نه‌تنها برای دنبال‌کنندگان جدی مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای، بلکه برای خیلی از مردم عادی ما هم آشناست. تا پیش از جنگ اکتبر ۲۰۲۳ غزه، شاید خیلی‌ها نمی‌دانستند این نام را کجا شنیده‌اند اما به هر حال شنیده بودند. حتی خیلی‌ها فکر می‌کردند این شبکه برای کشور الجزایر است و از ارتباط آن با قطر بی‌اطلاع بودند اما بعد از طوفان‌الاقصی، تقریبا همه ایرانی‌هایی که کم‌وبیش سری در حساب اخبار دارند نسبت به این عنوان آگاهی‌هایی پیدا کرده‌اند. جالب اینجاست که الجزیره شعبه‌ای به زبان فارسی ندارد؛ همان‌طور که سی‌ان‌ان ندارد؛ اما نام هر دو شبکه را اکثر ایرانی‌ها شنیده‌اند و حتی اگر نشنیده بودند، خواه‌ناخواه زندگی‌شان از تاثیراتی که این رسانه‌ها بر فضای عمومی سیاست و جو کلی جوامع می‌گذارند، متاثر شده است. سال‌ها از زمانی که عبارت «تاثیر سی‌ان‌ان» به فضای نظریه‌پردازی رسانه وارد شد و سپس نظریه‌اش بدون تغییر نام، تغییر محتوایی داد گذشته بود که الجزیره تاسیس شد و مدت زیادی نگذشت که عبارت «تاثیر الجزیره» را در کنار ترم رسانه‌شناختی و سیاسی قبلی قرار داد. اینکه در جهان تک‌قطبی که دامنه‌اش لااقل به سه دهه کشید و تمام رسانه‌های جریان اصلی را صدای واحدی که متعلق به اردوگاه سرمایه‌داری سفیدپوست بود تشکیل می‌داد، یک رسانه عربی خلاف جریان حرکت کند و بتواند تا این اندازه بدرخشد و مطرح شود، در نوع خود پدیده‌ای شگرف است. مواضع و اصولی که الجزیره برای خودش تعریف کرده از یک‌سو و فعالیت حرفه‌ای و باکیفیت آنها از سوی دیگر، عواملی بودند که توانستند این رسانه را به جایگاه کنونی‌اش برسانند. به عبارتی اینکه الجزیره طرف کدام سمت دعواها را می‌گیرد یکی از عوامل نفوذ و محبوبیت آن است و اینکه این طرف‌گیری را با چه کیفیتی انجام می‌دهد عامل دیگر. پس از طوفان الاقصی در سرزمین‌های اشغالی، کانال الجزیره با اینکه تا همان روز هم اعتبار بالایی داشت یک صعود خیره‌کننده را تجربه کرد. جهان سیاست در آستانه خلق مجددی قرار گرفته و نظم بین‌الملل درحال گردش است. از جنگ اوکراین تا اتفاقات قلب آفریقا خیلی از اخباری که می‌شنویم نشانه‌های وقوع‌یافته این گردش بزرگ هستند و در ضمیر حوادث اتفاقات به‌وقوع نپیوسته‌ای در مناطق دیگر جهان از جمله شرق آسیا مستتر است. در این میان آنچه در غربی‌ترین نقطه آسیا یا به قول غربی‌ها خاورمیانه رخ می‌دهد یکی از مهم‌ترین نقاط عطف تاریخ است و بلوک سرمایه‌داری این بار حتی با لحنی تندتر و صریح‌تر از آنچه برای جنگ اوکراین به کار برد، نسبت به این حوادث واکنش نشان داد و نخواست که در شرمندگی و تعارف نسبت به شعارهای حقوق‌بشری‌اش گیر کرده باشد. رسانه‌های غربی عملا لحن پروپاگاندای جنگی گرفتند که لحنی گستاخ، جانبدارانه و حتی لجوج است و این درحالی بود که افکار عمومی جهان به شکل بی‌سابقه‌ای می‌رفت تا نسبت به موضع همیشگی جهان غرب در قبال نزاع فلسطین، واکنش منفی نشان بدهد. دیری نمی‌گذشت از روزگاری که سه دانشجوی حقوق هاروارد را به جرم محکوم کردن جنایت اسرائیل از هستی اجتماعی ساقط کرده بودند اما حالا صدها حقوقدان شاغل و محصل در غرب بیانیه امضا می‌کنند و ضمن متهم کردن اسرائیل به جنایت جنگی به شکل عمدی و آگاهانه حاضر نمی‌شوند در صدر بیانیه‌شان حماس را هم به‌طور ضمنی محکوم کنند. خیابان‌های اروپا و آمریکا پر از جمعیت‌هایی است که به جنایت صهیونیسم اعتراض می‌کنند. هواداری از اسرائیل اگرچه در میان افراد بالای ۶۵ سال آمریکایی که فکرشان دستپخت دوران جنگ سرد بوده، هنوز بالای ۸۰ درصد است، اما بین افراد ۱۸ تا ۳۴ ساله آمریکایی این نسبت به ۲۷ درصد رسیده است. جهان جدید خسته است از تک‌صدایی رسانه‌های جریان اصلی و در این میان دنبال صدایی دیگر می‌گردد؛ صدایی که بدیل این لحن یکجانبه ۳۰ ساله باشد و نخواهد بدیهیات را با کیمیاگری در کلمات و تصاویر کتمان کند. الجزیره در این لحظه مهم تاریخی توانست بدرخشد و همان صدای بدیل باشد. مواضع این شبکه که جزء اصول آن بودند، از ابتدا حمایت از فلسطین در چهارچوب ملی‌گرایی عربی و امت‌گرایی اسلامی بود اما در این لحظه حساس که چنین مضامینی با احساسات انسانی و ضدیت علیه نژادپرستی پیوند خورده و میلیون‌ها نفر در جهان را به خشم آورده و در وضعیتی که به‌رغم لبریز شدن صبر توده‌ها از یکجانبه‌گرایی زورگویانه بلوک سرمایه، همچنان رسانه‌هایشان همان حرف‌های همیشگی را این بار با لحنی لجوجانه‌تر می‌زنند، الجزیره به‌مثابه روزنه‌ای درآمد که باز شد تا از آن سیل به راه بیفتد. گذشته از عملکرد ضعیف رسانه‌های داخلی ایرانی‌ها که دائما مورد نقد خودی‌ها هم بوده، حتی غول‌هایی مثل چین و روسیه با وجود اینکه توانسته‌اند افکار عمومی داخلی‌شان را کاملا با سیاست‌های کلان حاکمیتی‌شان همسو کنند، در تاثیرگذاری رسانه‌ای روی باقی جوامع کاملا بی‌عمل و شکست‌خورده ظاهر شدند. اما الجزیره توانست صدایی باشد که در میان هیاهوی رسانه‌های جریان اصلی، پیامی دیگر را برساند و در این زمینه موفق عمل کرد.

نگاهی بیندازیم به اینکه الجزیره چطور سر برآورد و چطور مسیرش را ادامه داد تا توانست به این درجه از تاثیرگذاری برسد و از این بپرسیم که ویژگی‌های کیفی و لحن غالب این رسانه از چه عناصری تشکیل شده که تا این اندازه ضریب نفوذ پیدا کرده است. نوع تشکیل این کانال تلویزیونی و شیوه‌ای که امرای قطر برای بهره‌برداری از آن در پیش گرفتند، در بلوغ و تاثیرگذاری این رسانه بسیار تاثیرگذار بود. به علاوه بررسی تاثیراتی که الجزیره در جهان، به‌خصوص جهان عرب داشته نشان‌دهنده ظرفیت‌های اجتماعی به‌خصوصی است که عموما وجودشان توسط رسانه‌های جریان اصلی انکار می‌شود. در ادامه یک بررسی کلی از تاریخچه الجزیره و این ویژگی‌های ممتازش را به بهانه نقش قدرتمند این رسانه در وقایع پس از طوفان الاقصی بخوانید.

تولد یک رسانه شورشی

در آخرین دهه از قرن بیستم میلادی بود که شهروندان کشورهای عربی برای اولین بار شاهد ورود یک میهمان ناخوانده به خانه‌های خود بودند. میهمانی که بدون اجازه دولت‌های عربی به خانه‌ها آمده بود. دولت‌هایی که عادت داشتند رسانه‌ها را زیر سلطه خود داشته باشند و محتوایشان را بدون هیچ گونه اغماضی بررسی کنند. گرچه کشورهای غربی از سال‌های دهه شصت میلادی وارد دنیای ماهواره‌ای شده بودند، باقی کشورها عمدتا سه دهه پس از آن به این مرحله مهم از تکنولوژی و تاثیرات آن بر مسائل اجتماعی و اقتصادی پاگذاشتند. پروژه ماهواره «عرب ست» را می‌توان یکی از مهم‌ترین پروژه‌های عربی موفق در ورود به دنیای ماهواره‌ها دانست که به «آسمان‌های باز» معروف شد. از جمله کشورهای موفق دوران جدید در عرصه دیپلماسی، قطر بود که به‌رغم محدودیت‌های یک کشور کوچک توانست در سیاست خارجی موفقیت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گوناگونی به دست بیاورد. یکی از اصلی‌ترین عواملی که قطر را به این موفقیت‌ها رساند دیپلماسی عمومی یا همان دیپلماسی رسانه‌ای بود. امیر حمد بن خلیفه آل‌ثانی که در سال ۱۹۹۵ با کودتایی آرام پدرش را از سلطنت خلع کرده بود در سال ۱۹۹۶ با تشکیل شورایی هفت‌نفره از وزارتخانه‌های گوناگون دستور تاسیس شبکه الجزیره را صادر کرد. در واقع حضور قطر در صحنه بین‌المللی در دهه ۹۰ با انجام فعالیت‌های رسانه‌ای صورت گرفت. منحل کردن وزارت اعلام یا «وزارت تبلیغات» در قطر با عنوان این موضوع که اعمال سانسور و نظارت بر مطبوعات پس از روی کار آمدن شیخ حمد دیگر ضرورت ندارد یک فضای باز سیاسی و در نتیجه آزادی بی‌سابقه‌ای را برای رسانه‌های گروهی به ارمغان آورد. پدیده رفع موانع و نظارت بر مطبوعات در این منطقه به‌ویژه در شرایط ملتهب و بحران‌زای حاصل از اشغال کویت توسط رژیم عراق گام بزرگ و مهمی به شمار می‌رفت. درحقیقت مورد شبکه الجزیره روندگذاری را برجسته می‌کند که شیخ حمد بن خلیفه آل‌ثانی از زمان به قدرت رسیدن خود در سال ۱۹۹۵ آن را اجرا کرد و با ایجاد میزانی از آزادسازی سیاسی که در میان کشورهای عربی منطقه خلیج‌فارس بی‌سابقه بود اعتبار قابل ملاحظه‌ای یافت. حرکت برای تاسیس الجزیره از تمایلی ساده برای متناسب کردن سیاست‌های قطر با الگوهای کلاسیک توسعه ناشی نمی‌شد بلکه به‌صورت اساسی با حفظ قدرت و احیای مشروعیت خاندان آل‌ثانی در ارتباط بود. این شبکه خبری به‌درستی هدف خود را تاثیر بر ملت‌های عرب زبان انتخاب کرد تا پس از فقط پنج سال به مهم‌ترین شبکه خبری عربی تبدیل شود. الجزیره در این میان چند خوش‌اقبالی استثنایی هم داشت؛ یا بهتر است گفته شود آنها توانستند از چند موقعیت پیش‌آمده در جهان پیرامون‌شان بهترین استفاده‌ها را بکنند. چند مورد اساسی و اصلی از خوش‌اقبالی‌ها از این قرار هستند.

۱- توسعه میادین گاز طبیعی قطر و تسریع در روند برداشت و فروش این منابع و کسب درآمدهای سرشار دولتی برای سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف، دست حکومت را برای حمایت از الجزیره حسابی باز کرد.

۲- درپی پخش تلویزیونی مراسم تشییع جنازه یکی از شاهزادگان سعودی در شبکه تلویزیونی Orbit، دولت عربستان که تامین‌کننده مالی تلویزیون مذکور بود، اقدام به فسخ قرارداد خود کرد. این اقدام دولت سعودی باعث بیکاری پرسنل عرب تلویزیون اوربیت شد. شبکه الجزیره که در ابتدای راه بود، با استفاده از این فرصت طلایی با وعده کار توأم با آزادی عمل و دستمزد بالا اقدام به جذب این نیروها کرد. ۳- تعطیلی بخش عربی BBC باعث شد خبرنگاران و گزارشگران عرب آن شبکه به کمک یک روزنامه‌نگار فلسطینی، جذب شبکه الجزیره شوند. اینها افرادی باتجربه و زبده بودند. این امر حتی این شبهه را ایجاد کرد که BBC در تشکیل الجزیره نقش اصلی را ایفا کرده است. البته بخش عربی BBC در اکتبر ۲۰۰۵ مجددا راه‌اندازی شد. وقتی این سه مورد را که خوش‌اقبالی‌های الجزیره در بدو تاسیس بوده‌اند از نظر می‌گذرانیم، توجه به نکاتی که طریقه بهره‌برداری حاکمان قطر از این موقعیت‌ها را توضیح می‌دهد هم مهم است؛ اینکه خوش‌اقبالی و بداقبالی، درطول دوره‌های تاریخی برای هر دولت و حکومتی پیش می‌آید و نحوه مواجهه با آنهاست که تعیین‌کننده به‌نظر می‌رسد، پس باید توجه کنیم که

۱- توسعه میادین گازی و افزایش سرمایه‌های دولتی باعث حمایت دولت قطر از الجزیره شد نه دخالت در آن. به عبارتی حاکمیت قطر با تعیین خط‌مشی‌های کلی، جزئیات امور را به متخصصان این زمینه سپرد و دست‌شان را در انتخاب لحن و پرداختن به جزئیات باز گذاشت.

۲- جذب نیروهای شبکه اوربیت از یک‌سو و نیروهای BBC عربی از سوی دیگر و استخدام آنها در الجزیره که سیاستی کاملا متفاوت و مغایر با دولت‌های سعودی و بریتانیا داشت، عملی هوشمندانه بود. درحقیقت این عوامل رسانه‌ای توانستند به استخدام یک‌سری سیاست‌های رسانه‌ای جدید دربیایند و مهارت‌هایشان را در خدمت گفتمان جدید قرار دهند.

داستان صعود الجزیره

پخش ماهواره‌ای شبکه الجزیره به‌عنوان اولین شبکه خبری تخصصی عرب‌زبان در اول نوامبر ۱۹۹۶ برای مدت شش ساعت در روز انجام گرفت. در آغاز سال ۱۹۹۷ زمان پخش این شبکه به ۹ ساعت و سپس ۱۲ ساعت در همان سال افزایش پیدا کرد، تا اینکه سرانجام در اول فوریه ۱۹۹۹ پخش الجزیره شبانه‌روزی شد. الجزیره هدفش این بود که از طریق پخش آگهی تا سال ۲۰۰۶ به خودکفایی مالی برسد، اما زمانی که رفته‌رفته مشخص شد در رسیدن به این هدف ناکام خواهد ماند، در سال ۲۰۰۱ امیر قطر با ادامه اعطای یارانه بر مبنای سالانه ۳۰ میلیون دلار به این شبکه موافقت کرد. در آغاز، الجزیره کوشید به‌وسیله عرضه دیدگاه‌های متضاد در ارتباط با برخی کشورهای حوزه خلیج فارس ازجمله عربستان سعودی، بحرین و خود قطر و همچنین رابطه سوریه با لبنان و قوه قضائیه مصر، موجب جذب بیشتر بینندگان خود شود. برنامه مستندی که نمایش لحظه‌به‌لحظه از جنگ داخلی لبنان در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ بود، باعث جهش نرخ بینندگان این شبکه شد اما این هم نتوانست الجزیره را به هدف‌گذاری‌هایش برساند تا اینکه در اواخر سال ۲۰۰۶ سخنرانی ویدئویی رهبران القاعده را پخش کرد و به شهرت جهانی دست یافت. در این مقطع زمانی، همای بخت و اقبال با الجزیره همراه و سبب شد نام و آرم الجزیره روی گیرنده‌های اروپا و آمریکا و دیگر نقاط جهان نقش ببندد.

هنگامی که شبکه CNN دفتر خبری خود را در کابل به‌دلیل کمبود خبر و عدم سودآوری تعطیل کرد، الجزیره در افغانستان یکه‌وتنها ماند. پس از واقعه ۱۱ سپتامبر و متعاقب آن حمله آمریکا به افغانستان، الجزیره حاکم بالمنازع انتشار خبر از افغانستان به سراسر جهان شد و گزارش‌هایش به‌سرعت به‌عنوان تنها منبع خبری قابل‌قبول از افغانستان، مورد پذیرش و خواست جهانیان قرار گرفت. مصاحبه و ارسال پیام‌های پی‌درپی سران القاعده، به‌خصوص بن‌لادن، سود سرشاری را نصیب این شبکه کرد. الجزیره با بت فروش هر دقیقه از نوار پیام‌های بن‌لادن مبلغ ۲۰ هزار دلار از خریداران مطالبه می‌کرد و این درحالی بود که بودجه سالانه آن ۶۰ میلیون دلار برآورد می‌شد. این موفقیت‌ها با پوشش حمله آمریکا به عراق، جنگ ۳۳ روزه لبنان و موارد دیگر ادامه یافت و با وقوع تحولات شمال آفریقا و غرب آسیا و بهار عربی شکوفا شد. در این زمان با وجود اینکه برخی کشورهای عربی اساسا میزبان دفاتر و نمایندگی‌های الجزیره نبودند، این شبکه به موفقیت‌هایش ادامه داد. در تونس درست مدتی پیش از شکل‌گیری اعتراضات، دولت بن‌علی دفتر الجزیره را بست و روابط خود با دولت قطر را متوقف کرد اما این شبکه با سماجت و اعتماد به‌نفس تمام از پایگاه‌های اینترنتی، به‌خصوص فیسبوک و توییتر برای کسب خبر استفاده کرد. شهروندان تونسی که منافع خود را با الجزیره همسو می‌دیدند، همکاری فراوانی با این رسانه داشتند. زمانی که شبکه‌های مهم منطقه‌ای و جهانی مثل العربیه و بی‌بی‌سی از کنار اعتراضات محدود دانشجویی گذشتند، الجزیره از آنها به‌عنوان جرقه‌ای برای شعله‌ور کردن حرکت‌های انقلابی استفاده کرد. محبوبیت الجزیره میان ملت‌های عرب باعث شده این شبکه بتواند حتی درصورت مواجهه با محدودیت‌های دولتی از همکاری‌های مردمی برای گذر از این محدودیت‌ها استفاده کند. چند نکته را می‌توان با مرور تاریخچه صعود الجزیره دریافت که همگی واجد اهمیت هستند؛ اولین نکته لزوم حمایت دولتی از رسانه‌ها، به‌خصوص رسانه‌های خبری و تحلیلی است. این حمایت البته درحالی می‌تواند مفید واقع شود که باعث دخالت در جزئیات نشود. الجزیره در مقاطعی توانست حتی به سوددهی مالی هم برسد اما اگر از ابتدا روی واژه‌هایی مثل «رسانه بخش خصوصی» بیش از اندازه تاکید می‌کرد، اساسا به این جایگاه نمی‌رسید. نکته دوم سرمایه‌گذاری بلندمدت این شبکه روی مناطق و موضوعاتی است که برای باقی رسانه‌ها کم‌اهمیت به‌نظر می‌رسند. موردی مثل افغانستان مثال خوبی برای این قضیه است. معمولا سفارش‌دهندگان دولتی درخصوص چنین مواردی صبور نیستند و این صبر از جانب متخصصان می‌آید. اگر شیوه برخورد حاکمیت با رسانه‌ها صرفا حمایت باشد و نه دخالت، خود اصحاب رسانه چنین صبری به خرج خواهند داد و احتمالا به جاهای خوبی می‌رسند. نکته دیگر درباره الجزیره که البته باید آن را در بخشی جداگانه مورد بررسی قرار دهیم، بدیل بودن آن برای گفتمان سایر رسانه‌هاست. الجزیره همیشه حرفی را می‌زند که بقیه نمی‌گویند و جایی می‌ایستد که حتی وجود آنجا توسط باقی رسانه‌ها انکار می‌شود. این شبکه اساسا تابوشکن است، برخلاف مشی باقی حاکمان عرب موضع می‌گیرد و اخبار جنوب جهانی را بیشتر از بلوک شمال پوشش می‌دهد.

زبانی برای تابوشکنی و گفتمان بدیل

عبارت تاثیر سی‌ان‌ان به این اشاره دارد که رسانه‌های خبری می‌توانند روی رفتار حاکمان دولت‌ها در سیاست‌ورزی بین‌المللی تاثیر بگذارند. در سال ۱۹۹۱ میلادی، با آغاز نخستین جنگ خلیج فارس، شبکه سی‌ان‌ان به واسطه تجربه‌ای که در زمینه پخش ۲۴ ساعته اخبار داشت و با تکیه بر دفاتر خارجی مجرب خود، از موقعیت مناسبی برای تحت پوشش قرار دادن مستمر این جنگ برخوردار بود. در جریان این جنگ، اعتبار و شهرت و نفوذ این شبکه افزایش چشمگیری پیدا کرد. در آن مقطع سی‌ان‌ان گزارش‌های منظمی درباره وضع فلاکت‌بار کردها پخش می‌کرد و متعاقب آن «عملیات همدردی ایالات متحده» شکل گرفت که کمک‌های بشردوستانه را به شمال عراق رساند. وقتی این اتفاق افتاد، مفسران می‌پرسیدند که آیا تصاویر تلویزیونی از کردها، محرک مقامات آمریکایی بوده است؟ مورد بعدی که عبارت تاثیر سی‌ان‌ان را سر زبان‌ها انداخت، ماجرای سومالی بود. در ۱۹۹۲ که سومالی در خشونت قبایلی و قحطی دست و پا می‌زد، صدها هزار نفر جان باختند یا با خطر مرگ دست‌وپنجه نرم می‌کردند. سی‌ان‌ان و دیگر شبکه‌ها، تصاویر این گرسنگان و مصیبت‌زدگان را بر صفحه تلویزیون‌های سراسر جهان به نمایش گذاشتند؛ تا اینکه بالاخره در اواخر همان سال، نیروهای ائتلاف تحت رهبری ایالات متحده برای کمک‌رسانی و حفاظت از جان امدادرسانان وارد سومالی شدند. همان زمان مقامات دولت بوش پدر گفتند که تصاویر زنده کودکان قحطی‌زده‌ای که هر روز در پیش چشمان‌شان به نمایش درمی‌آمد، آنان را به اقدام در سومالی واداشته است. سال بعد، زمانی که گروهی از سومالیایی‌ها یک سرباز آمریکایی را دستگیر کردند، کشتند، بدن او را مثله کردند و در کوی و برزن گرداندند، بحث از عاملی به نام تاثیر سی‌ان‌ان ضرورت و فوریت بیشتری پیدا کرد. دوربین‌های تلویزیونی این صحنه‌ها را ضبط کردند و اندکی بعد کلینتون که به‌تازگی رئیس جمهور ایالات متحده شده بود، اعلام کرد ایالات متحده، سومالی را ترک می‌کند. منتقدان می‌گفتند آمریکا هم به دلیل تصاویر وحشتناک تلویزیونی به سومالی رفت و هم به دلیل چنین تصاویری سومالی را ترک گفت، اما واقعیت بعدها روشن شد. بعدها به این نکته توجه شد که در سپتامبر ۱۹۹۳، یک ماه پیش از آن که پیکر آن سرباز آمریکایی در سومالی مورد اهانت قرار گیرد، دولت کلینتون درباره طرح‌هایی برای خروج از این کشور به بحث پرداخته بود. شاید پوشش تلویزیونی این ماجرا به دولت یادشده کمک کرده باشد تا از سومالی بیرون برود و بر همین قیاس می‌شود حدس زد که ورود دولت قبلی آمریکا به سومالی هم توسط تصاویر گرسنگان سومالی در سی‌ان‌ان زمینه‌سازی شده باشد. به عبارتی این دولت آمریکاست که روی سی‌ان‌ان تاثیر می‌گذارد نه برعکس. اما آنها می‌خواهند چنین وانمود کنند که به دلیل خواست افکار عمومی دست به یک‌سری اقدامات می‌زنند، حال آنکه این افکار عمومی را خودشان مهندسی می‌کنند. تا مدت‌ها رقیب سی‌ان‌ان شبکه آمریکایی دیگری به نام فاکس‌نیوز بود که به پایگاه اجتماعی جمهوری‌خواهان نزدیک‌تر است اما چیزی که ترم رسانه‌ای تاثیر سی‌ان‌ان را از چرت جزمی‌اش بیدار کرد، ورود الجزیره بود. حالا هرجا که به عبارت تاثیر سی‌ان‌ان اشاره شود، در کنار آن عبارات تاثیر الجزیره هم مورد اشاره قرار می‌گیرد؛ چون الجزیره توانست به خوبی نقش یک بدیل را برای جریان رسانه‌ای یک دست غربی یا غرب‌گرا ایفا کند. دو خصوصیت عمده در الجزیره وجود دارند که این شبکه را به چنین جایگاهی رسانده و تبدیلش کرده‌اند به آلترناتیو وضع موجود رسانه‌ای. خصوصیاتی که الجزیره را به شکل یک رسانه آلترناتیو درآورده‌اند، در دو عنوان کلی‌تر قابل احصا هستند.

۱- تابوشکنی: الجزیره برخلاف مشی اقتدارگرایانه‌ای که عمده رهبران عرب اتخاذ می‌کنند، تابوها را می‌شکند و رضایتمندی توده‌های مردمی عرب را بر جلب رضایت از سران عرب ترجیح داده است. رهبران عربستان، الجزایر، کویت، تونس، بحرین و اردن هرکدام در مقطعی دفاتر الجزیره را در کشورشان بسته‌اند و حتی این قضیه گاهی به قطع روابط با دولت قطر انجامیده است، اما حالا ۸۲ درصد کویتی‌ها اخبار را از الجزیره دنبال می‌کنند. در اردن ۹۸٫۴ درصد از مردم، الجزیره را شبکه محبوب‌شان عنوان کرده‌اند و محبوبیت این شبکه در تونس و الجزایر و باقی کشورهای عربی هم با اینکه آمارهایی درباره‌اش گرفته نشده، به شکل محسوسی پیداست.

۲- شبکه بدیل: قرار گرفتن نظریه تاثیر الجزیره در برابر تاثیر سی‌ان‌ان نشان می‌دهد، الجزیره آلترناتیو جریان رسانه‌ای غالب است. الجزیره یک «محدوده جغرافیایی» و یک «حوزه ارزشی» خاص را شناسایی کرده و سرمایه‌گذاری‌اش روی همان است. به‌طور کلی این شبکه جنوب‌بنیاد است و اخبار جنوب جهانی را بیشتر از جبهه شمالی، یا همان بلوک سرمایه‌داری سفیدپوست، مورد توجه قرار می‌دهد. غیر از زبان عربی، الجزیره به انگلیسی و زبان‌های صربی و کرواتی هم پخش می‌شود. یک بررسی درباره الجزیره انگلیسی نشان داد این شبکه در خبر سراسری و زنده خود که ساعت ۱۸ پخش می‌شود، ۶۱ درصد اخبار را به جنوب جهانی، ۳۸ درصد را به شمال و یک درصد را به اخبار بین‌المللی دیگر اختصاص می‌دهد.

ادامه در صفحه ۱۳

در گفت‌وگوی اردشیر زابلی‌زاده با «فرهیختگان» بررسی شد

الجزیره چگونه تصویر و روایت را مدیریت می‌کند؟

مریم فضائلی
خبرنگار گروه فرهنگ

شبکه تلویزیونی الجزیره در اول نوامبر ۱۹۹۶ در شهر دوحه، پایتخت کشور دوبی راه‌اندازی شد. الجزیره خود را اولین شبکه خبری مستقل در جهان عرب معرفی کرد. شبکه رسانه‌ای الجزیره با داشتن بیش از ۷۰ دفتر در سراسر جهان و چهار هزار کارمند در بیش از ۹۵ کشور، در سطح جهانی فعالیت می‌کند. این شبکه رسانه‌ای بیش از ۱۵۰ کشور را پوشش می‌دهد و در بیش از ۴۳۰ میلیون خانه در دسترس است.

با اردشیر زابلی‌زاده، عضو هیات‌علمی دانشکده ارتباطات دانشگاه صداوسیما درباره مسیری که این شبکه رسانه‌ای طی کرده است گفت‌وگو کردیم و او درمورد دلایل ضریب نفوذ این رسانه در منطقه خاورمیانه برایمان گفت. زابلی‌زاده که تجربه ۱۱ سال مدیریت شبکه خبر را داشته است و از منظر؟ ؟؟ موضوع؟ ؟ الجزیره را تشریح می‌کند. زابلی‌زاده صحبت‌هایش را درباره چهارچوب‌ها و قواعد رسانه‌ها شروع کرد: «هر رسانه چهارچوب‌ها و قواعد مختص خودش را دارد که در بزنگاه‌های مهمی مانند جنگ، به کمک سیاست خارجه آن کشور می‌آید. رسانه‌هایی که از زاویه اسرائیل اخبار جنگ را پوشش می‌دهند به دنبال ارائه تصویری‌اند که مردم غزه را در مقابل مردم اسرائیل قرار دهند و به عبارتی آغازگر جنگ را فلسطینی‌ها معرفی کنند. در این مدل پوشش رسانه‌ای، یک مظلوم‌نمایی برای صهیونیست‌ها شکل می‌گیرد. اما الجزیره شبکه‌ای است که از همان ابتدای تاسیسش مقابل هژمونی رسانه‌ای غرب قد علم کرد و متفاوت‌تر از دیگر رسانه‌های جریان اصلی به مسائل ورود می‌کرد. امروز هم که به این شبکه نگاه می‌کنیم، روایتی که شبکه‌های صهیونیستی دارند را بر هم زده است و روایت واقعی را می‌گوید. به نوعی خبر جعلی را تبدیل به خبر درست کرده است.»

او درباره ویژگی‌های رسانه‌ای شبکه الجزیره گفت: «یکی از ویژگی‌های الجزیره ارائه روایتی است که خودش آن را سیاستگذاری کرده است. این اتفاق از طریق پوشش کامل و چینش نیروهایی است که به کار گرفته است. دیگر ویژگی آن حضور میدانی و کف میدان عمل کردن آن است. حضور خبرنگاران خودش در میدان و شنیدن روایت از زبان خبرنگاران خودش تاییدکننده این موضوع است.»

الجزیره مدیریت صحنه می‌کند

این استاد دانشگاه در ادامه به مفهوم اهمیت «روایت در خبر» اشاره کرد و گفت: «یکی از موضوعات مهم در خبر اهمیت روایت اول است. بعضی از رسانه‌ها به اشتباه به جای روایت خبر می‌گویند، قرائت خبر. این دو باهم فرق دارند. حتی اگر رسانه‌ای خبر را زودتر از رقبای دیگرش بگوید به معنای این نیست که روایت اول را گفته است، بلکه این قرائت است. یکی از حسن‌هایی که الجزیره دارد مدیریت صحنه‌ای است. این شبکه ۲۴ ساعت روی آنتن است و جنگ تحمیلی اسرائیل به غزه را پوشش می‌دهد. نکته جالب‌تر این است که مدیریت تصویر و صحنه انجام می‌دهد. بمباران‌های اسرائیل در غزه به دلیل آنکه در مناطق مسکونی اتفاق می‌افتد و کشتار غیرنظامیان حاوی تصاویر آزاردهنده‌ای است اما الجزیره در تصاویری که ارائه می‌کند به دلیل رعایت حال مخاطبان تصویر را مدیریت می‌کند، این مدیریت هم به صورتی است که از شدت حادثه کم نشود.» زابلی‌زاده درباره تفاوت قرائت و روایت در خبر گفت: «روایتگری به این معناست که گره یک مساله را چگونه باز کنیم اما قرائت یعنی صرفا خواندن خبر بدون آنکه موضع و جهتی به آن اضافه کنیم و اهمیت آن را روشن کنیم که این موضوع چه عمقی دارد و از چه لایه‌هایی برخوردار است. روایتگری یعنی در جنگ رسانه‌ای مخاطب را با واقعیت همراه و با یک داستان پردازی هنرمندانه آگاه کنید. در شرایطی که مخاطب اطلاعات زیادی را می‌تواند از منابع گوناگون به دست بیاورد خبر اول می‌تواند فقط یک قرائت نباشد و همراه با تحلیل، روایت و داستان داشته باشد و با این کار است که یک رسانه مخاطبانش را نگه می‌دارد. اتفاقا یکی از ویژگی‌های خوب الجزیره همین است که وقتی خبری را به عنوان خبر اول قرائت می‌کند در مرحله بعدی همان خبر را در چهارچوب روایت می‌آورد. این درحالی است که متاسفانه برخی شبکه‌ها به همان قرائت اول به عنوان روایت بسنده می‌کنند.»

جنگ رسانه‌ای بین الجزیره و صهیونیست‌ها در جریان است

زابلی‌زاده درباره حضور در معرکه خبرنگاران الجزیره گفت: «حضور خبرنگاران الجزیره در آن مناطق حضور خوب و فعالی است که درنهایت روایت منطبق بر روایت اول و واقعیت گفته شود؛ درحالی‌که شبکه‌های همسو با اسرائیل سعی می‌کنند در چهارچوب جنگ و جنگجو جلوه دادن نیروهای مقاومت و مردم غزه، تصویری ارائه بدهند تا دنیا به آنها بدبین شود. در ماجرای کشتار بیمارستان غزه دیده شد که اسرائیل تلاش کرد از طریق رسانه‌های خودش این اتفاق را وارونه جلوه دهد و تقصیر را گردن حماس و نیروهای مقاومت بیندازد. درصورتی‌که الجزیره برخلاف رسانه‌های غربی به کمک فلسطینی‌ها رفت و روایت صحیح را ارائه کرد. اینجا بود که به نظر من یک جنگ رسانه‌ای بین شبکه‌های صهیونیستی و الجزیره شکل گرفت.»

الجزیره، قطر را به دنیا معرفی کرد

زابلی‌زاده درباره نسبتی که شبکه الجزیره با سیاست خارجه دولت قطر دارد، گفت: «تا قبل از الجزیره، قطر کشوری شناخته‌شده نبود. از سال‌های ابتدایی تاسیس شبکه الجزیره قطر در افکار عمومی جهان جا افتاد و مشخص شد که این کشور کجای دنیا قرار دارد. این اتفاق توسط رسانه برای قطر رخ داد. قطر متوجه جایگاه الجزیره است و قطعا الجزیره سیاست‌های قطر و دولتمردان آن را دنبال می‌کند. این خیلی ساده‌لوحانه است اگر بگوییم رسانه‌ای در جایی از دنیا وجود دارد که به چهارچوب دیپلماسی کشوری که آن را تامین مالی می‌کند عمل نمی‌کند. درباره فلسطین قطعا سیاست‌های قطر به نوعی است که الجزیره توانسته به این موضوع بپردازد.»

موفقیت به بودجه نیست

این استاد دانشگاه همچنین به این اشاره کرد که لزوما بودجه زیاد دلیل موفقیت یک رسانه نمی‌شود. وی افزود: «امروزه هزینه کردن و صرف بودجه‌های بالا لزوما نمی‌تواند به نفوذ یک شبکه رسانه‌ای کمک کند. چیزی که شبکه‌های امروزی به آن احتیاج دارند، تجهیزات حرفه‌ای‌تر است. برای مثال در دوران بیداری اسلامی خیلی از شبکه‌ها، تجهیزات سنگین و پرهزینه به مصر بردند و پوشش خبری دادند، اما الجزیره برعکس آنها از سیم پرتابل که قیمت کمی داشت استفاده کرد و یک پوشش بسیار قوی از کف خیابان‌های مصر داد. علاوه بر استفاده الجزیره از تجهیزات ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر باید گفت نیروهای خوبی دارد که سهم بیشتری از موفقیت الجزیره به خاطر توانمندی‌های آنهاست. نیروهایی که سال‌های سال تجربه کرده‌اند و در موقعیت‌های خاص گزارش دهنده بودند و مهارت کسب کردند. نیروهای الجزیره باتجربه هستند کما اینکه این شبکه در شروع کارش از نیروهای خارجی که در شبکه‌های دیگر تجربه کسب کرده بودند استفاده کرد. پس برای بررسی یک شبکه رسانه‌ای تمام جوانب را باید در نظر گرفت و لزوما صرف بودجه زیاد دلیل نمی‌شود که بتوان در این جنگ رسانه‌ای شبکه‌ای موفق به راه انداخت.»

الجزیره؛ برندی بین‌المللی برای کشوری کوچک

آنچه می‌خوانید یادداشت شفاهی داود نعمتی‌انارکی، عضو هیات‌علمی و دانشیار دانشگاه صداوسیما و مدیرکل اسبق روابط عمومی صداوسیما است

شبکه الجزیره قطر در سال ۱۹۹۶ میلادی راه‌اندازی شد و در حال حاضر به زبان انگلیسی و عربی به پخش اخبار و رویدادهای مختلف می‌پردازد. هدف اصلی راه‌اندازی الجزیره این بود که به دیپلماسی عمومی کشور قطر کمک شود؛ یا به عبارتی استفاده از دیپلماسی رسانه‌ای که به اعتقاد من در این زمینه موفق بود. قطری‌ها تلاش کردند با بهره‌گیری از یک شبکه خبری حرفه‌ای فراملی ضعف‌های ژئوپلیتیکی خودشان را پوشش دهند. کشوری بسیار کوچک با راه‌اندازی این شبکه یک برند بین‌المللی را برای خود شکل داد تا بتواند از حاشیه بین‌الملل به متن ورود پیدا کند و به نظر من موفق هم بوده است.

اینکه شبکه الجزیره قطر، شبکه خبری موفقی بود به دلایل مختلفی برمی‌گردد، اما من یک دلیل اصلی را از نظر خودم بیان می‌کنم و اینکه این شبکه از ابتدای تاسیس تاکنون ساختار حرفه‌ای را برای خود شکل داد و بر همان مبنای ساختار حرفه‌ای عمل می‌کند. در واقع این رسانه است که تصمیم می‌گیرد نقشی فعال و حرفه‌ای در پوشش خبری رویدادها ایفا کند و نه سیاست. عوامل تاثیرگذار خارج از رسانه بر عملکرد شبکه خیلی زیاد و همیشگی نبوده است، رویکرد حرفه‌ای باعث شده که به‌نحوی موثر در رویدادها وارد شود، پوشش دهد، مخاطب جذب کند و برای دیگر رسانه‌ها نیز به‌عنوان یک منبع خبری حرفه‌ای به‌رسمیت شناخته شود. البته عوامل دیگری نیز مانند پرداخت حرفه‌ای رویداد، سرعت در انتشار و... وجود دارد که شاید در این فرصت کوتاه نشود آنها را مطرح کرد.

نسبت یک شبکه با حاکمیت

شاید این سوال مطرح شود که چگونه این شبکه توانسته نسبت خودش را با سیاست‌های دولت قطر حفظ کند و درعین‌حال حرفه‌ای باشد. در این ارتباط دو مطلب را باید در نظر گرفت، اول اینکه خاطرم است با یکی از مدیران این شبکه که به ایران آمده بود صحبت می‌کردم، می‌گفت؛ دست‌اندرکاران راه‌اندازی این شبکه پذیرفته‌اند که در فعالیت‌های رسانه‌ای و خبری شبکه کمتر مداخله کنند و این یعنی با کمترین دغدغه رویدادها را پوشش دهند، ضمن اینکه عوامل شبکه و خبرنگاران، گزارشگران و مدیران آن نیز منافع ملی کشور را در نظر داشته باشند؛ ترکیب چنین دیدگاهی یعنی اینکه رسانه با کمترین دغدغه کار حرفه‌ای‌اش را انجام دهد.

نکته دوم را با اشاره به شعار تبلیغاتی شبکه الجزیره قطر می‌گویم، اینکه نظرهای مختلف را در مورد رویدادهای مهم پوشش می‌دهد، یعنی وارد شدن به منطقه اختلاف مشروع نسبت به یک موضوع مهم که همین امر موجب جلب توجه مخاطب می‌شود. مثل همین کاری که در برخی از برنامه‌های گفت‌وگو محور صداوسیما مثل برنامه شیوه انجام می‌شود که نظر مخاطب به آن جلب شده و مورد پسندش قرار می‌گیرد. وقتی شما نسبت به یک موضوع روایت‌های مختلف را در کنار هم قرار می‌دهید، باعث جلب توجه مخاطب می‌شود و رسانه در چنین مواقعی حتی می‌تواند با ظرافتی خاص دیدگاه و تحلیل خود را در معرض مخاطب قرار دهد که بی‌شک مورد توجه هم قرار می‌گیرد.

حرفه‌ای کنار رسانه‌های ضعیف منطقه

به اعتقاد من شبکه الجزیره از ضعف رسانه‌ای که در این منطقه وجود دارد، توانسته استفاده کند. خیلی از رسانه‌های منطقه حرفه‌ای نیستند و مسلما اگر رویکرد و ساختاری حرفه‌ای داشتند، مسلما و چه‌بسا بهتر از الجزیره عمل می‌کردند. یک نمونه مثال بزنم و آن شبکه العالم و هیسپان‌تی‌وی صداوسیماست که در مواردی بسیار حرفه‌ای عمل کردند و تاثیرگذار هم بودند، خاطرم هست شبکه العالم در زمان حمله دوم آمریکا به عراق که باعث سرنگونی صدام شد، عملکردی بسیار حرفه‌ای و مخاطب‌پسند و نمونه داشت، درواقع رویکردی کاملا حرفه‌ای اتخاذ کرده بود. پس اگر رسانه‌های خبری منطقه از ساختار سیاسی فاصله بگیرند و ساختاری کاملا رسانه‌ای و حرفه‌ای پیدا کنند و ملاک عمل آنها نیز همین ساختار حرفه‌ای باشد، موفق و اثرگذار خواهند بود، نکته‌ای که شبکه الجزیره قطر به آن توجه داشته است. ضریب نفوذ این شبکه در منطقه و سطح جهانی نیز نسبتا بالا بوده و دلیل آن نیز اینکه به‌عنوان یک منبع خبری معتبر به آن ارجاع داده می‌شود. همین نکته و نیز عملکرد حرفه‌ای آن که مبتنی بر عدم مداخله سیاست در فعالیت‌های خبری آن بوده، باعث شده که در منطقه این نگاه جا بیفتد که رسانه‌ای مستقل و بی‌طرف است؛ هر چند رسانه بی‌طرف معنا ندارد اما این به هنر رسانه برمی‌گردد که بتواند چنین نگرشی را در مخاطبانش جا بیندازد. نکته آخر اینکه مهم‌ترین تاثیر عملکرد حرفه‌ای یک رسانه افزایش اعتبار و درنهایت اعتماد مخاطب به جریان‌سازی خبری رسانه خواهد بود. به‌نظر من شبکه الجزیره مبتنی بر واقعیت‌های جهان اسلام و آنچه در فلسطین در حال اتفاق افتادن است، عمل کرده. البته این رویکرد در اکثر رسانه‌های جهان اسلام و به خصوص رسانه‌های خودمان نیز به خوبی مشهود است و به همین دلیل در سطح جهانی نسبت به موضوع فلسطین تاثیرگذار بوده‌اند، من معتقدم بر خلاف جو حاکم بر رسانه‌های غربی عمل شده، اما با رویکردی حرفه‌ای و تاثیرگذار.

هزینه در رسانه منفعت دارد

باید بپذیریم که کار رسانه‌ای هزینه‌بر است. اگر می‌خواهید کار حرفه‌ای و تاثیرگذار در رسانه انجام دهید، باید هزینه کنید. مطمئن باشید اگر هزینه کرده و کاملا حرفه‌ای عمل کردید، منفعت آن بیشتر از هزینه خواهد شد. شما اگر به هزینه‌ها و گردش مالی رسانه‌های بزرگ توجه کنید، متوجه خواهید شد که در کار رسانه هزینه‌های بالایی می‌کنند تا بتوانند توجه مخاطبان را جلب کنند و این یعنی جذب و حفظ مخاطب و چه منفعتی بالاتر از این برای یک رسانه.

الجزیره؛ رسانه اول تونس

احسان زیورعالم
خبرنگار گروه فرهنگ

یکی از تجربیات زیستی من در تونس، تفاوت ماهوی شبکه‌های تلویزیونی در این کشور است. تصور قالب ما درباره شبکه‌داری عربی معطوف به شبکه‌هایی است متعلق به کشورهای همسایه؛ شبکه‌هایی که تمرکز خود را بر ساخت سریال، پخش فوتبال و از همه مهم‌تر قدرت سیاسی در امر خبر گذاشته‌اند. با نگاهی به کشور عراق به خوبی می‌توان دریافت چگونه نیروهای سیاسی در راه‌اندازی و مدیریت شبکه‌های خبری در رقابتی تنگاتنگ قرار دارند. رقابتی که البته به جدال‌های داخلی ختم نمی‌شود. وضعیت در جهان عرب به یک رقابت بیناعربی بدل شده است. رقابت میان شبکه الجزیره با العربیه شاید مشهودترین ماجرا باشد. چنین تصوری از شبکه‌داری عربی اما در تونس رنگ می‌بازد. حتی برخلاف کشورهای مغرب عربی، یعنی مصر، لیبی، الجزایر و مراکش، تونسی‌ها تمایل چندانی به داشتن شبکه خبر ندارند. اخبار، جای اندکی در فضای تلویزیونی دارد. در مقابل درگاه خبری مردم تونس رادیو است که از قضا رسانه‌ای محبوب در تونس به حساب می‌آید. برخلاف دیگر کشورهای عربی در تونس شما با جشنواره رادیویی قیروان و بیلبوردهای تبلیغاتی شبکه‌های رادیویی روبه‌رو می‌شوید.

این روزها رادیوهای تونسی - که بیشتر آنها متعلق به بخش خصوصی است- همسو با رویدادهای سیاسی جهان عرب معطوف به وقایع فلسطین است؛ اما رادیو ناتوان از انتقال سریع اخبار به مردم است. نبود خبرنگار مستقر در غزه و البته محدود شدن گزارش‌ها به گفتار، چیزی است که در تونس عطش دانستن مردم را اقناع نمی‌کند. از سوی دیگر در فقدان شبکه‌ای خبری، تونس در رقابت شبکه‌های خبری عربی حضور ندارد. در تلویزیون شما صرفا می‌توانید اخبار داخلی تونس را تماشا کنید که به صورت محدود در چند شبکه دولتی پخش می‌شود. از سوی دیگر شبکه‌های تلویزیونی خصوصی تونس نیز میلی به برقراری یک شبکه خبری ندارند. در چنین شرایطی این پرسش مطرح می‌شود که مردم تونس از چه طریقی اخبار دست‌اول تونس را پیگیری می‌کنند؟ طبق گزارش‌های موجود در تونس شبکه‌های اجتماعی فیسبوک و اینستاگرام بیش از دیگر پلتفرم‌ها محبوبیت دارند. وضعیت به نحوی است که حتی دستگاه روابط عمومی، قیس سعید، رئیس جمهور تونس، اخبار کاخ ریاست جمهوری را نه از طریق تلویزیون که از طریق فیسبوک نشر می‌دهد. یکی از دلایل محبوبیت پلتفرم‌هایی چون فیسبوک وجود امکان Live در نشر ویدئو است. همین ویژگی باعث می‌شود مردم در انتخاب شبکه‌های خبری نیز به دنبال راحتی در دسترسی به تصاویر Live باشند؛ چیزی که برگ برنده شبکه الجزیره در تونس بوده است. انتشار سریع اخبار فوری یا به قول عرب‌ها «عاجل» در الجزیره پررنگ‌تر از دیگر شبکه‌های عربی است. موضوعی که می‌توان آن را در شبکه‌های اجتماعی بهتر ادراک کرد. برای مثال لایوهای این شبکه از طریق پلتفرم‌ها فراتر از دیگر شبکه‌ها بوده است و آن را می‌توان در ترندسازی شبکه الجزیره نیز جست‌وجو کرد. همچنین در پلتفرم توییتر که مساله ترند برآمده از موقعیت جغرافیایی است، می‌توان دید چگونه اخبار الجزیره در این ترندها بیشتر از دیگر شبکه‌ها در تایم‌لاین تونسی‌ها دیده می‌شود که نشان از دنبال شدن صفحه توییتری الجزیره از سوی تونسی‌هاست. در سوی دیگر قابلیت Reel اینستاگرام که میان تونسی‌ها محبوبیت بسیاری دارد، از جانب شبکه الجزیره به خوبی دنبال شده است. هرچند رقیب هموطن الجزیره، یعنی العربی نیز فعالیت‌هایش به چشم می‌آید اما فراگیری خبرنگاران الجزیره در دنیای عرب کماکان نام این رسانه را بیش از پیش مطرح می‌کند. البته این روزها در تونس ویدئوهای دفاع مهدی حسن، مجری مشهور برنامه UpFront از قضیه فلسطین، ترند شده است. ویدئوهایی به زبان انگلیسی که در آن مهدی حسن در برابر چهره‌های سیاسی غربی، حامی باورهای جامعه عربی است.

محبوبیت شبکه الجزیره در تونس را می‌توان در جریان کشته شدن شیرین ابوعاقله، خبرنگار فلسطینی شبکه الجزیره نیز جست‌وجو کرد. به‌محض انتشار خبر شلیک نیروهای صهیونیستی به شیرین ابوعاقله، فضای عمومی تونس در محکومیت این اتفاق پررنگ بود و در همان زمان، شهردار شهر کرم (شهرکی کوچک در شمال پایتخت) نام خیابانی در این شهر را به نام شیرین ابوعاقله نامگذاری می‌کند و دو درخت زیتون قدیمی نیز در ابتدای خیابان به نشانه رابطه تمثیلی دو ملت فلسطین و تونس کاشته می‌شود. خیابان شیرین ابوعاقله در واقع همان جایی است که جنگنده‌های اسرائیلی در عملیات موسوم به پای چوبین، در یکم اکتبر ۱۹۸۵، پس از طی ۲ هزار و ۳۰۰ کیلومتر بمباران کردند. عملیاتی نظامی فراتر از مرزهای فلسطین که منجر به شهادت ۶۰ عضو سازمان آزادی‌بخش فلسطین می‌شود. انتخاب مکان نامگذاری خود شاید به‌طور مستقیم ارتباطی با سیاست‌های شبکه الجزیره ندارد اما به‌صورت غیرمستقیم اتمسفر حاکم بر تونس را با الجزیره گره می‌زند.

چنین موقعیتی را می‌توان در پوشش خبری الجزیره از تونس در دو هفته اخیر نیز ادراک کرد. شور مردم تونس در تجمعات هر روزه خود در خیابان حبیب بورقیبه، رئیس جمهور سابق تونس و حامی یاسر عرفات در اسکان نیروهای فلسطینی در خاک تونس، چیزی است که از سرخط خبرهای الجزیره زدودنی نبوده است. به عبارتی، در تمنای جست‌وجوی واقعیت‌های روز فلسطین، شبکه قطری تلاش کرده است گوشه چشمی به خیابان‌های تونس هم داشته باشد، خیابان‌هایی که حالا رنگ و بوی خشم، انزجار و از همه مهم‌تر شعار علیه عادی‌سازی برخی کشورهای عربی با اسرائیل دارد، خطی به قرمزی پرچم تونس که با وجود فشارهای سیاسی موجودیت رژیم صهیونیستی را به رسمیت نشناخته است.

ادامه از صفحه ۱۲

سه‌شنبه ۲ آبان ۱۴۰۲
شماره ۳۹۸۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

«فرهیختگان» نتایج نظرسنجی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات را منتشر می‌کند

جامعه ایران درباره فلسطین چطور فکر می‌کند

گزاره اول؛ اسرائیل دشمن ایران است
در این گزاره تفاوت چندانی بین افراد در متغیرهای زمینه‌ای و جمعیت‌شناختی (مثل سن، تحصیلات، هزینه خانوار و محل سکونت) وجود ندارد

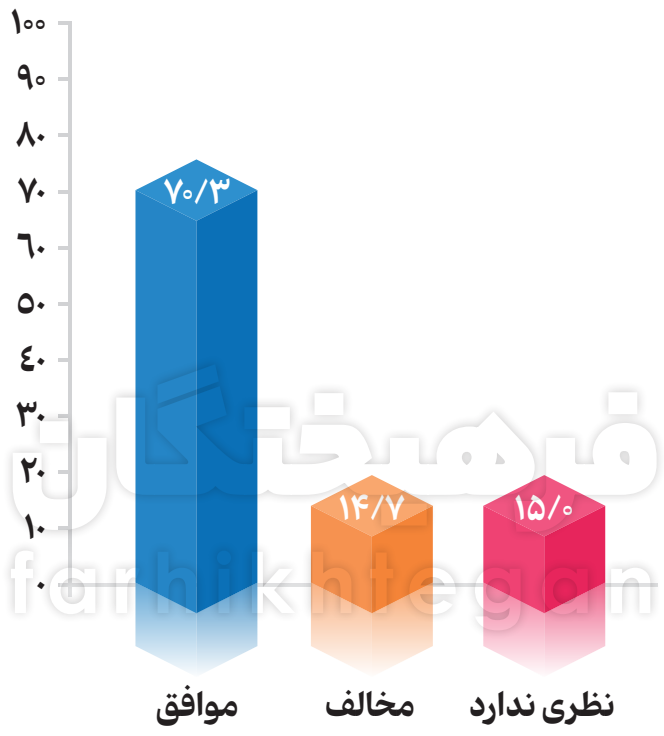

نمودار ۱- میزان موافق با اینکه «اسرائیل دشمن ایران است» (درصد)

گزاره دوم؛ در شرایط فعلی، هر کشور اسلامی وظیفه دارد از مردم فلسطین حمایت کند
با این گزاره افراد بالای ۵۰ سال، بی‌سواد، با هزینه خانوار بین ۷ تا ۱۱ میلیون و ساکنان روستا بیش از بقیه موافقند

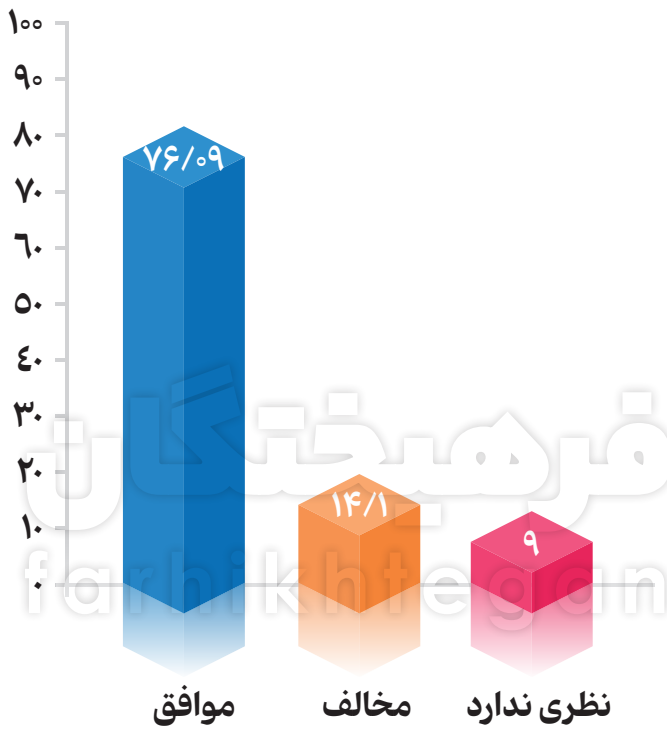

نمودار ۲- میزان موافقت با اینکه «حمایت از مردم فلسطین در شرایط فعلی، وظیفه هر کشور اسلامی است» (درصد)

گزاره سوم؛ با تصمیم ایران برای حمایت از فلسطینی‌ها در برابر اسرائیل موافقم
با این گزاره افراد بالای ۵۰ سال، افراد بی‌سواد در بین گروه‌های تحصیلی و افراد با هزینه خانوار بین ۷ تا ۱۱ میلیون در ماه و ساکن روستا موافق‌ترند

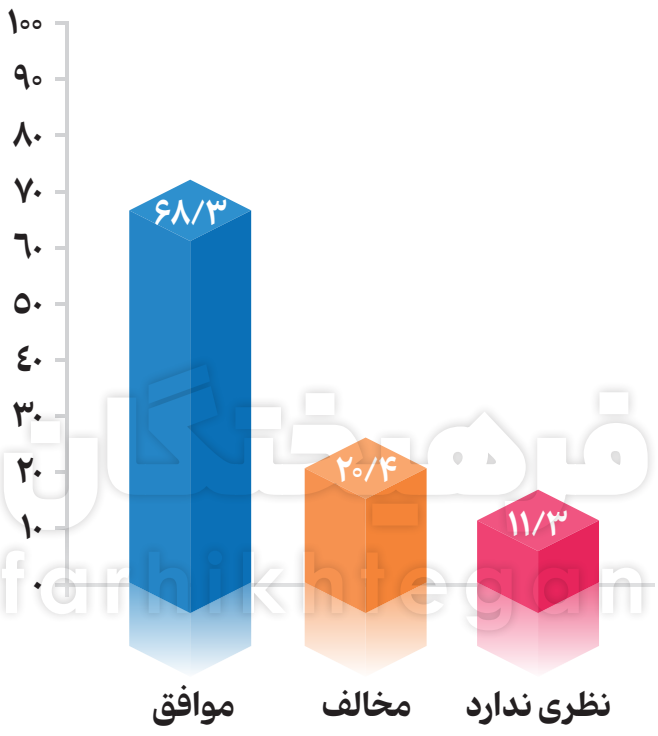

نمودار ۳- میزان موافقت با تصمیم ایران برای حمایت از فلسطینی‌ها در برابر اسرائیل (درصد)

گزاره چهارم؛ اعتقاد دارم که فلسطینی‌ها درنهایت سرزمین خود را از اسرائیل پس خواهند گرفت
افراد بالای ۵۰ سال، دیپلمه‌ها و زیردیپلمی‌ها، با هزینه خانوار بین ۷ تا ۱۱ میلیون و ساکنان روستا با این گزاره بیش از بقیه موافقند

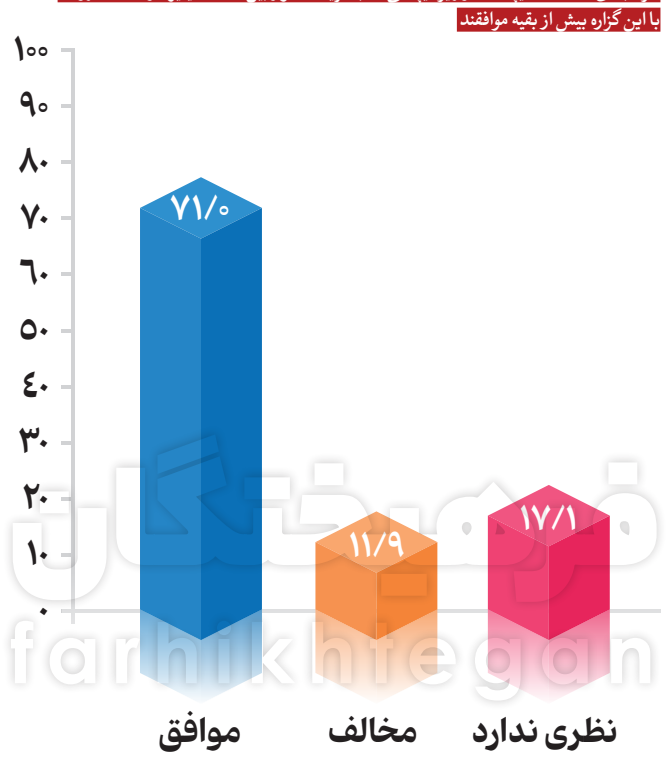

نمودار ٤- میزان موافقت با اعتقاد به باز پس‌گیری سرزمین از اسرائیل توسط فلسطینی‌ها (درصد)

گزاره پنجم؛ مبارزه با اسرائیل حق مردم فلسطین است
افراد بالای ۵۰ سال و دانشگاهی با هزینه خانوار بین ۷ تا ۱۱ میلیون و ساکنان شهرها موافق‌تر از بقیه با چنین گزاره‌ای هستند

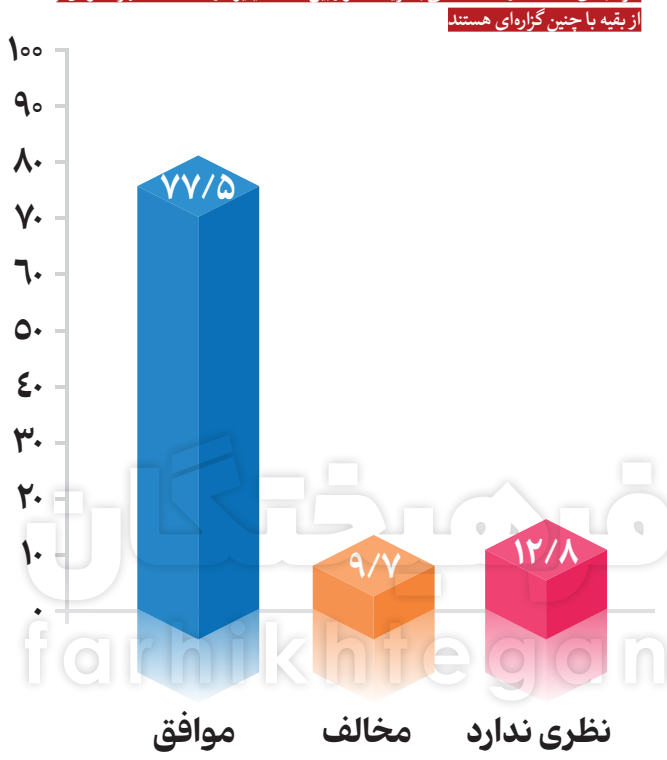

نمودار۵- میزان موافقت با حق مردم فلسطین برای مبارزه با اسرائیل (درصد)

گزاره ششم؛ وجود اسرائیل برای امنیت ایران خطرناک است
در این گزاره تفاوت چندانی بین افراد در متغیرهای زمینه‌ای و جمعیت‌شناختی (مثل سن، تحصیلات، هزینه خانوار و محل سکونت) وجود ندارد

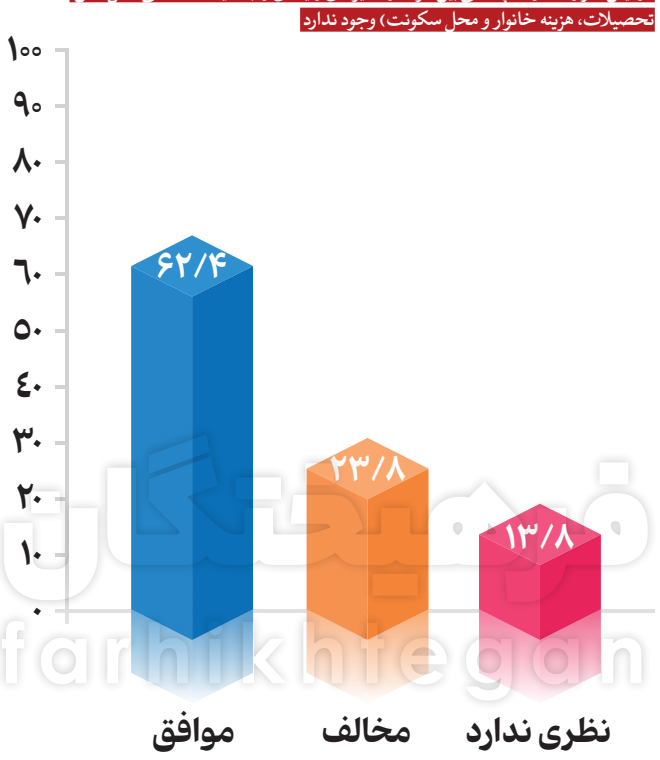

نمودار ۶- میزان موافقت با خطرناک بودن وجود اسرائیل برای امنیت ایران (درصد)

گزاره هفتم؛ برخی می‌گویند اسرائیل مظلوم است. نظر شما چیست؟
افراد بالای ۳۰ سال و دانشگاهی با هزینه خانوار بین ۷ تا ۱۱ میلیون تومان در ماه بیش از دیگران مخالف انگاره مظلومیت اسرائیل هستند

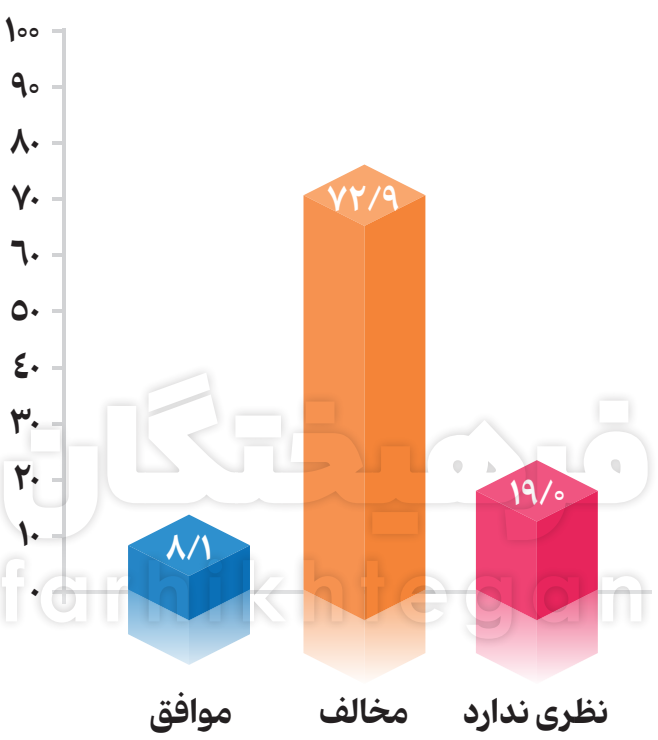

نمودار ۷- میزان موافقت با انگاره مظلومیت اسرائیل (درصد)

ابوالقاسم رحمانی
دستیار سردبیر

همان‌طور که در صفحه اول روزنامه اشاره کردم، من بعد در سرویس پرونده و در قالب گزارش‌ها، گفت‌وگوها و یادداشت‌هایی حول مساله «کیستی مردم ایران» خواهیم نوشت. نوشته‌هایی برمبنای اطلاعات و افکارسنجی‌های معتبر و نه صرفا مشاهدات شخصی و جریانی که الی ماشاءالله این‌طرف و آن‌طرف تولید و مبنای تصمیم‌گیری‌ها می‌شود. برای شروع این پرونده هم سراغ دو گزارش نظرسنجی رفتیم که توسط پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات تهیه شده و در آن به دو مساله «نظر مردم درخصوص مبارزات ملت فلسطین» و «نظر مردم درخصوص فرهنگ وحدت اسلامی» مفصل پرداخت شده است. یافته‌های این سنخ از نظرسنجی‌ها که مبنای آماری و پیمایشی دارند می‌تواند دید خوبی به سیاستگذاران و تصمیم‌گیران در حوزه‌های مختلف حکمرانی دهد تا به‌جای اقدامات هیجانی و پرهزینه، تصمیمات عقلانی به‌نفع همه مردم اتخاذ و اجرا شود. با این مقدمه بخشی از اطلاعات و نتایج حاصل از این دو نظرسنجی را بررسی می‌کنیم. ناگفته نماند که هیچ نظرسنجی و پیمایشی خالی از ایراد و کمبود نیست، منتها در هر حال می‌تواند بهتر از هر مشاهده و تصمیم بی‌مبنا و تحقیقی باشد.

کمی درباره افکارسنجی اول

اولین نظرسنجی هفته آخر مهرماه با عنوان «نظر مردم درخصوص مبارزات ملت فلسطین» توسط پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات صورت گرفته است. مساله‌ای که با بالاگرفتن درگیری‌ها در مناطق اشغالی و نوار غزه بعد از عملیات طوفان الاقصی حائز اهمیت دوچندانی است و می‌تواند درک بهتری نسبت به موضع مردم ایران در قبال مساله فلسطین بدهد. این پژوهشگاه برای نظرسنجی مذکور به‌صورت تلفنی سراغ ۲۶۳۳ نفر در ۳۱ استان کشور رفته که از این تعداد ۱۲۸۲ نفر حاضر به همکاری و تکمیل پرسشنامه شده‌اند. در ابتدای سند نتایج حاصل از این نظرسنجی این نکته هم ذکر شده که نمونه حاضر تحلیل نظرات همکاری‌کنندگان است و از تحلیل ۱۳۲۷ نفری که تمایلی به همکاری نداشتند صرف‌نظر شده است. در بخش اول سند نتایج نظرسنجی سیمایی از پاسخگویان به پرسشنامه آورده شده که در آن به تفکیک به جنس، سن، تحصیلات، وضعیت تاهل، فعالیت، هزینه خانواده و محل سکونت پاسخگویان اشاره شده است. طبق اطلاعات موجود، حدود ۵۳ درصد پاسخ‌دهندگان مرد و نزدیک به ۴۷ درصد هم زن بوده‌اند. بیشترین فراوانی در تفکیک سنی برای بازه ۳۰ الی ۴۹ سال با حدود ۵۶ درصد مشارکت است و کمترین میزان همراهی در بازه سنی ۱۸ الی ۲۹ سال بوده است. ۳۲ درصد از پاسخ‌دهندگان مدرک دیپلم داشتند و بعد از آن لیسانسه‌ها با ۲۱ درصد و بعد ابتدایی و راهنمایی هرکدام با حدود ۱۲ درصد بیشترین فراوانی را از منظر تحصیلات بین پاسخ‌دهندگان داشتند. حدود ۸۲۵ درصد پاسخ‌دهندگان متاهل بوده‌اند و بیش از ۵۰ درصد آنها هم مشغول به کار، ۳۴ درصد خانه‌دار و حدود ۹ درصد بازنشسته، سهم کم و حدود ۲ درصدی دانشجویان و سهم نیم درصدی دانش‌آموزان هم قابل توجه و تامل است. حدود ۴۰ درصد از پاسخ‌دهندگان درآمد بالای ۱۲ میلیون در ماه دارند و حدود ۳۰ درصد هم درآمد بین ۷ تا ۱۱ میلیون و درنهایت حدود ۶۰ درصد آنها مرکزنشینند و نزدیک به ۳۳ درصد هم در شهرهای غیرمرکز سکونت دارند. سهم روستاییان هم در این نظرسنجی حدود ۱۱ درصد است.

ادامه در صفحه ۱۵

سه‌شنبه ۲ آبان ۱۴۰۲
شماره ۳۹۸۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

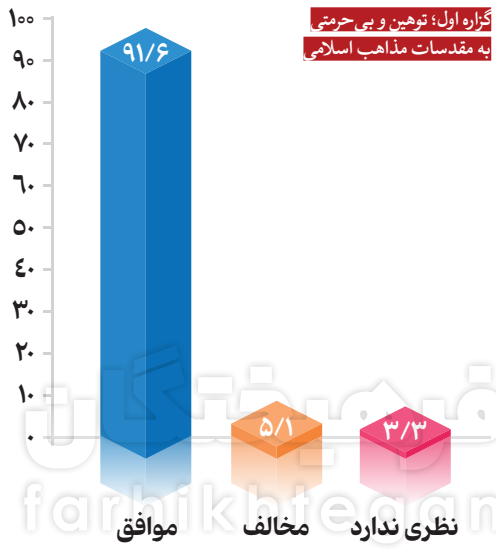

نمودار ۱- وضعیت توهین و بی‌حرمتی به مقدسات مذاهب اسلامی (درصد)

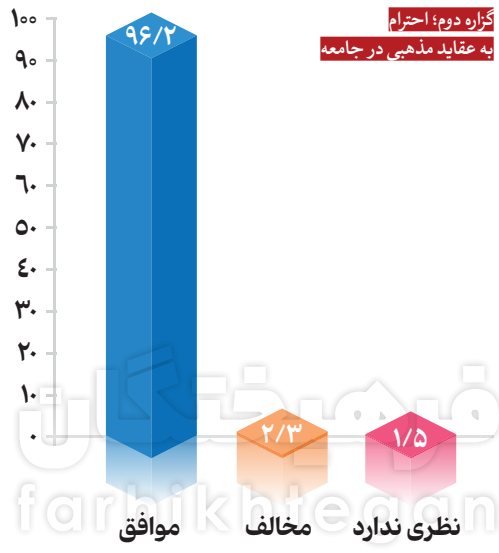

نمودار ۲- وضعیت احترام به عقاید مذهبی در جامعه (درصد)

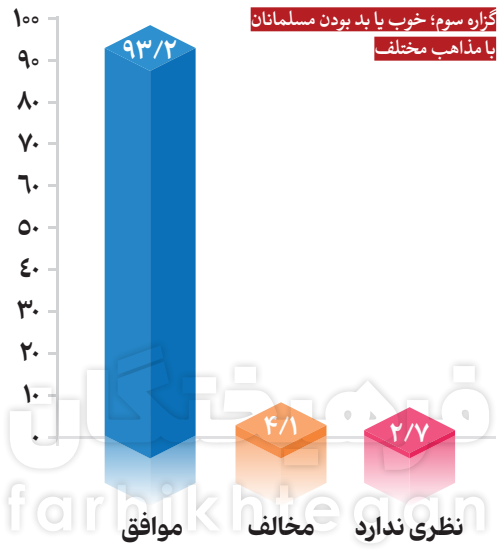

نمودار۳- نظرپاسخگویان درباره خوب یا بد بودن مسلمان‌ها با مذاهب مختلف (درصد)

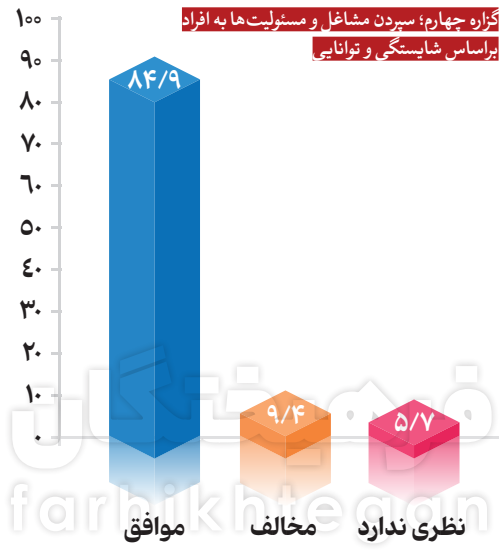

نمودار۴- سپردن مشاغل و مسئولیت‌ها به افراد براساس شایستگی و توانایی (درصد)

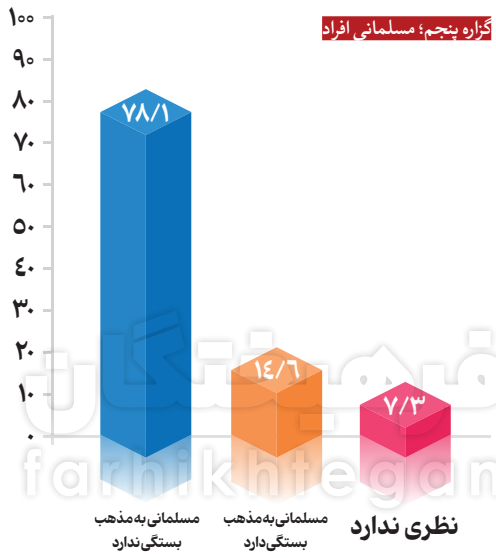

نمودار ۵- نظر پاسخگویان درباره مسلمانی افراد (درصد)

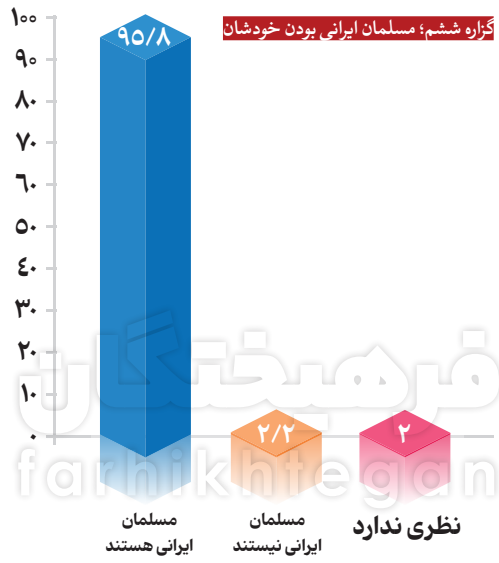

نمودار ۶- نظر پاسخگویان درباره مسلمان ایران بودن خودشان (درصد)

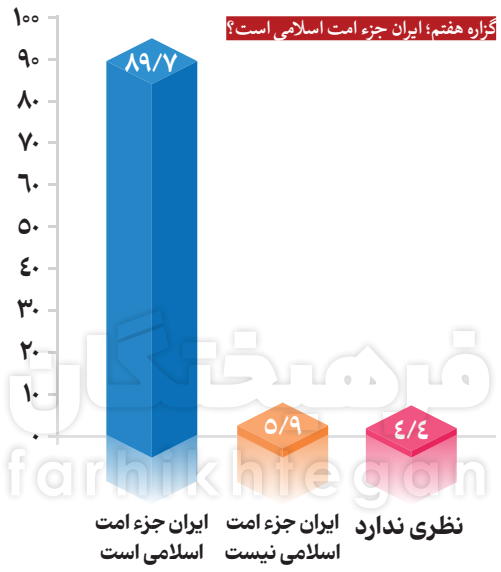

نمودار ۷- نظر پاسخگویان درباره بودن ایران جزء امت اسلامی (درصد)

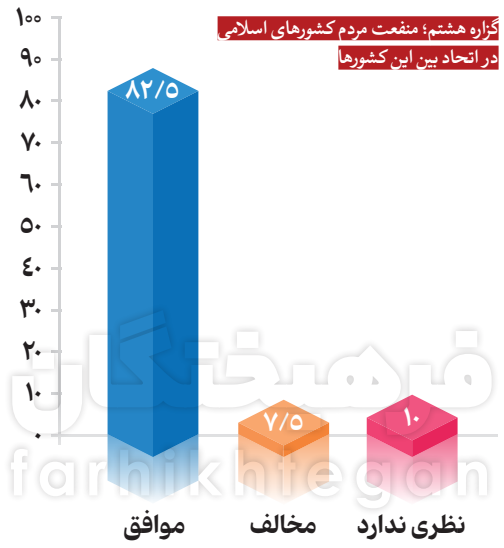

نمودار ۸- منفعت مردم کشورهای اسلامی از اتحاد بین این کشورها از نظر پاسخگویان (درصد)

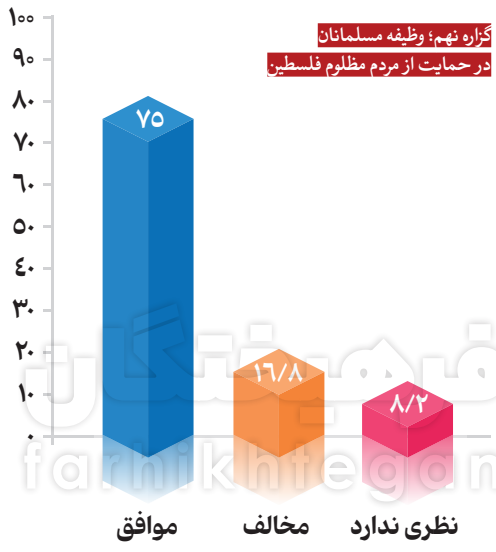

نمودار ۹- نظر پاسخگویان درباره وظیفه مسلمانان در حمایت از مردم مظلوم فلسطین (درصد)

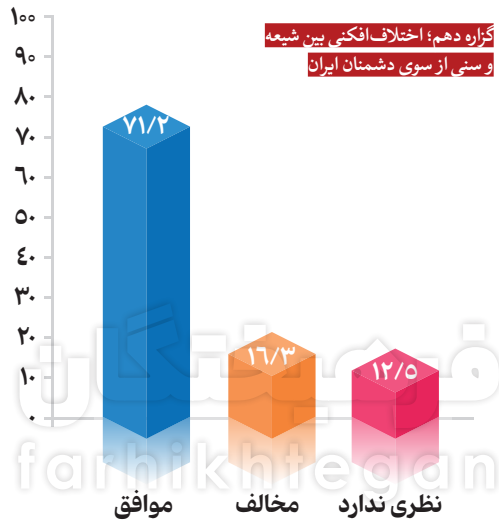

نمودار ۱۰- نظر پاسخگویان درباره اختلاف‌افکنی بین شیعه و سنی از سوی دشمنان ایران (درصد)

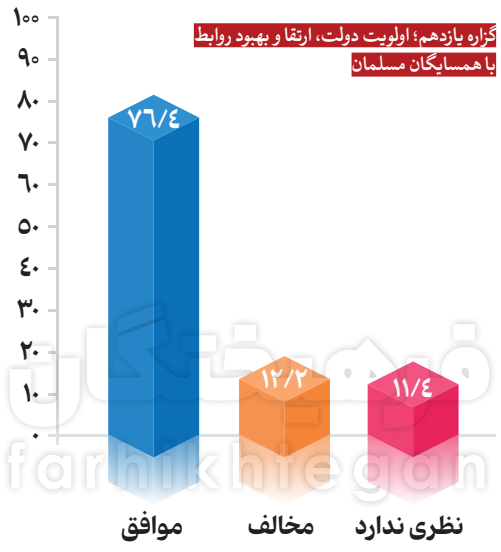

نمودار ۱۱- نظر پاسخگویان درباره ارتقا و بهبود روابط با همسایگان مسلمان از سوی دولت (درصد)

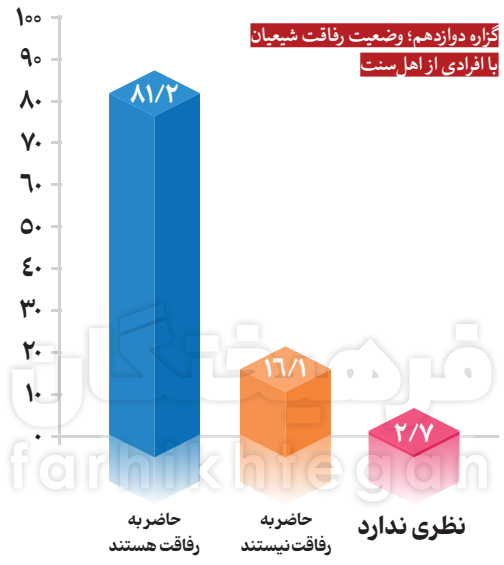

نمودار ۱۲- وضعیت رفاقت شیعیان با افرادی از اهل سنت (درصد)

کمی درباره نظرسنجی دوم

دومین نظرسنجی هفته اول مهرماه با عنوان «نظرسنجی از مردم در خصوص فرهنگ وحدت اسلامی» توسط پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات صورت گرفته است. موضوعی که به طول تاریخ اسلام محل مجادله و مباحثه بوده و دغدغه بسیاری از مردم ایران است. این پژوهشگاه برای نظرسنجی مذکور به صورت تلفنی سراغ ۲۴۴۹ نفر در ۳۲ استان کشور رفته که از این تعداد ۱۳۴۶ نفر حاضر به همکاری و تکمیل پرسشنامه شده‌اند. در ابتدای سند نتایج حاصل از این نظرسنجی این نکته هم ذکر شده که نمونه حاضر تحلیل نظرات همکاری کنندگان است و از تحلیل نظرات ۱۱۰۳ نفری که تمایلی به همکاری نداشتند، صرف نظر شده است. در بخش اول سند نتایج نظرسنجی سیمایی از پاسخگویان به پرسشنامه آورده شده که در آن به تفکیک به جنس، سن، تحصیلات، وضعیت تاهل، فعالیت و مذهب پاسخگویان اشاره شده است. طبق اطلاعات موجود، حدود ۵۲ درصد پاسخ‌دهندگان مرد و نزدیک به ۴۸ درصد هم زن بوده‌اند. بیشترین فراوانی در تفکیک سنی برای بازه ۳۰ تا ۴۹ سال با حدود ۵۶ درصد مشارکت است و کمترین میزان همراهی در بازه سنی ۱۸ تا ۲۹ سال با حدود ۱۸ درصد بوده است. ۳۳ درصد از پاسخ‌دهندگان مدرک دیپلم داشتند و بعد از آن لیسانسه‌ها با ۱۸ درصد و بعد حدود ۱۲ درصد مدرک راهنمایی و حدود ۹٫۵ درصد هم مدرک ابتدایی داشته‌اند. حدود ۸۱ درصد پاسخ‌دهندگان متاهل بوده‌اند و بیش از ۵۰ درصد آنها هم مشغول به کار، ۳۲٫۵ درصد خانه‌دار و حدود ۹ درصد بازنشسته‌اند. سهم کم و حدود ۳ درصدی دانشجویان و سهم ۲ درصدی دانش‌آموزان هم قابل توجه و تامل است. حدود ۸۶ درصد مذهب شیعه داشته‌اند، نزدیک به ۱۰ درصد سنی، نیم درصد غیرمسلمان و حدود ۳٫۵ درصد هم مذهب و دین خود را مشخص نکرده‌اند.

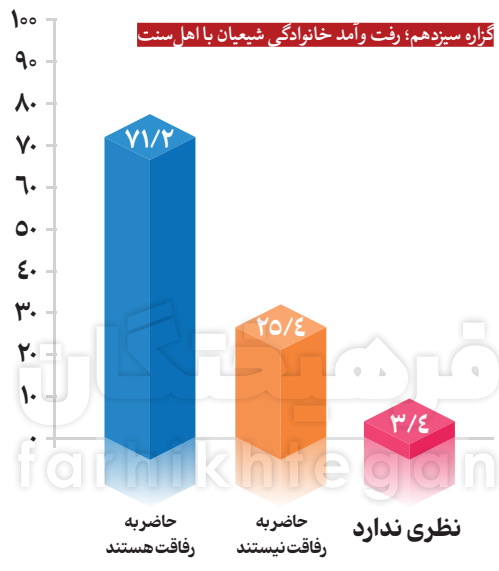

نمودار ۱۳- وضعیت رفت و آمد خانوادگی شیعیان با افرادی از اهل سنت (درصد)

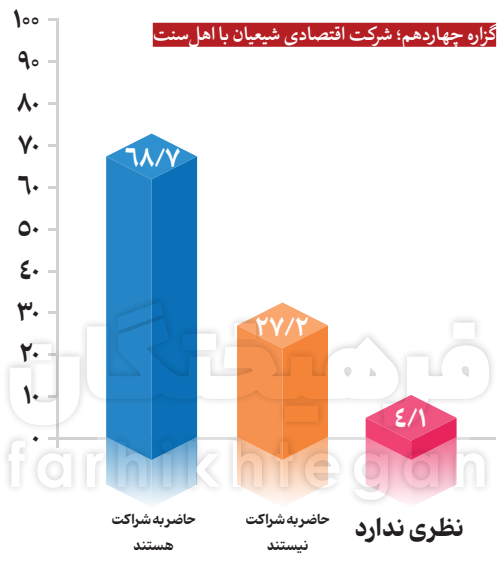

نمودار ۱۴- وضعیت شراکت اقتصادی شیعیان با افرادی از اهل سنت (درصد)

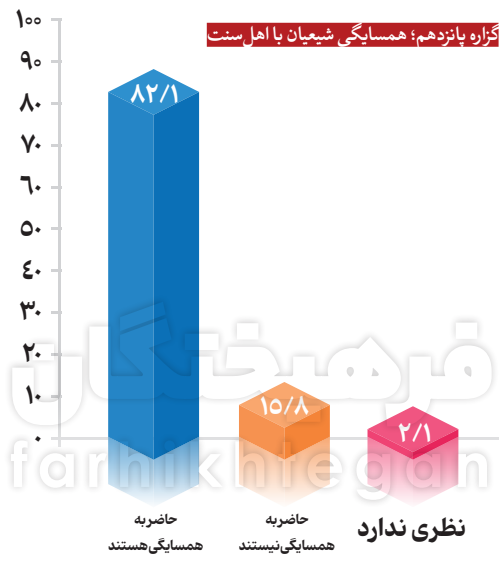

نمودار ۱۵- وضعیت همسایگی شیعیان با افرادی از اهل سنت (درصد)

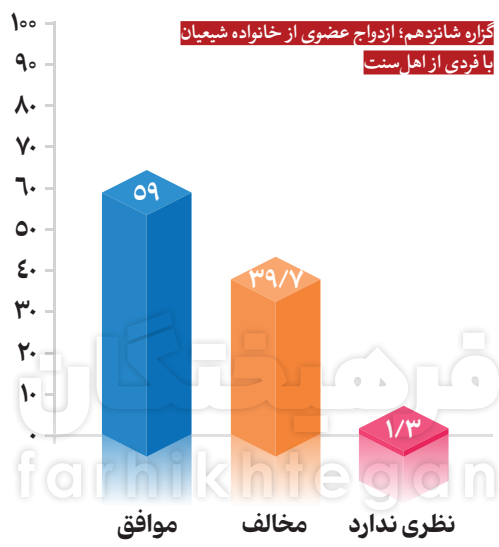

نمودار ۱۶- وضعیت ازدواج عضوی از خانواده شیعیان با فردی از اهل سنت (درصد)

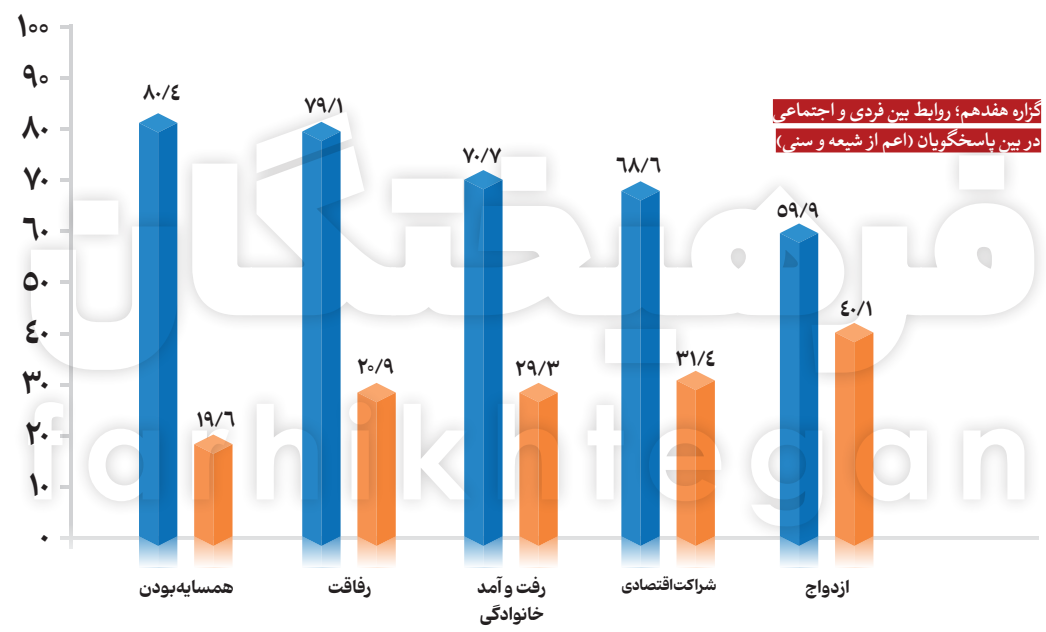

نمودار ۱۷- روابط بین‌فردی و اجتماعی در بین پاسخگویان (اعم از اهل تشیع و تسنن) (درصد)

ادامه از صفحه ۱۴

سه‌شنبه ۲ آبان ۱۴۰۲
شماره ۳۹۸۹
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

نگاهی به برگزاری سومین دوره جایزه اندرزگو

پند و اندرزهای یک جایزه

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

اردیبهشت سال ۱۳۹۸ و در جریان بازدید رهبر انقلاب از نمایشگاه کتاب، توضیحاتی درمورد برگزاری یک جایزه ادبی ویژه داده شد. زمانی که رهبری در غرفه مجمع ناشران انقلاب اسلامی حضور داشتند؛ میثم نیلی، مدیرعامل مجمع ناشران از جایزه ادبی فلسطین و مشارکت با ناشران و انجمن‌های ادبی کشورهای عربی صحبت کرد و بعد هم از کارهای ایجابی که برای مقابله با جریان تطهیر پهلوی در حوزه کتاب انجام داده بودند در قالب جایزه شهید اندرزگو سخن گفت. رهبر انقلاب در همین رابطه گفتند: «پهلوی‌ها مظهر وابستگی بودند. رضاخان را انگلیسی‌ها آوردند و محمدرضا را آمریکایی‌ها. پهلوی‌ها از رژیم قاجار تا جایی که توانستند چهره‌سازی زشت کردند. هرچند دروغ هم نیست. قاجار هیچ عقبه و محبوبیتی ندارد. اگر می‌خواستیم مفاسد پهلوی را بیان کنیم، باید ۱۰ برابر اینکه تولیدشده تولید می‌کردیم. ناشران ما باید نویسنده‌ها را پیدا و در این‌باره تولید کنند.» حالا این جایزه امسال به سومین دوره خود رسیده است و شب گذشته مراسم اختتامیه آن برگزار شد؛ جایزه‌ای که حتما می‌تواند در شناخت پهلوی‌ها به نسل جدید کمک کند. بارها از نوشتن کتاب مخصوصا برای نسلی که در فضای مجازی با شبهات فراوان در این حوزه مواجه می‌شوند، صحبت کردیم. اما نکته‌ای که باید در قالب این جایزه دید، استفاده از ظرفیت‌هایی که برای نسل جدید می‌تواند جذابیت داشته باشد. پادکست یکی از این موارد است که در این سال‌ها توانسته مخاطبان زیادی پیدا کند. کاری که در رادیو مضمون انجام گرفت. پادکست «محمدرضا پهلوی، آن‌طور که فکر می‌کرد، آن‌گونه که حکومت می‌کرد» بسیار پرمخاطب شد و خیلی‌ها را با خود همراه کرد. حتما گذاشتن بخش‌های جدید می‌تواند آورده‌های بیشتری برای این جایزه داشته باشد که هدفش شناخت پهلوی است. در گزارش امروز نگاهی داشتیم به بخش کودک و نوجوان این جشنواره و همین‌طور برگزیده‌های بخش‌های مختلف آن.

ادبیات کودک و نوجوان در مسیر رشد

بخش کودک و نوجوان یکی از بخش‌های این دوره از جشنواره بود که توجه ویژه‌ای به آن شد. نفیسه‌سادات موسوی، داور بخش کودک و نوجوان جایزه شهید اندرزگو در ارزیابی کلی از فضای ادبیات کودک و نوجوان در گفت‌وگو با «فرهیختگان» گفت: «وضعیت ادبیات کودک و نوجوان امروز ما وضعیت سهل و ممتنع است. از لحاظ تعداد آثار و گرایش خانواده‌ها به خریدن آثار و قرار دادن کتاب در سبد فرهنگی بچه‌هایشان اوضاع خوبی داریم اما اگر به آثاری که منتشر و خریداری می‌شود دقیق‌تر نگاه کنیم متاسفانه در چندسال اخیر شاهد کمترین تناسب آنها با فرهنگ ایرانی اسلامی‌مان بوده‌ایم. درحال حاضر کتاب‌هایی برای نوجوانان خریداری می‌شود که متاسفانه از فضای ایرانی ما دور است و متاسفانه در بسترهایی اتفاق می‌افتد که فرهنگ ایرانی با آن فاصله دارد.»

موسوی ادامه داد: «بنده بخشی از این تقصیر را متوجه مولفان و ناشران می‌دانم؛ چراکه آثار تالیفی ما کم است و کتب تالیفی هم که وجود دارد موانعی پیش روی آنهاست به‌طور مثال موانع اقتصادی، مثلا هزینه تمام‌شده زحمت نویسنده که بخواهد زمان قابل‌قبولی را برای تولید یک کتاب خوب و مناسب برای قشر حساس نوجوان تولید کند، بالاست و برای ناشر صرفه اقتصادی ندارد و ناشر ترجیح می‌دهد به کتاب‌های ترجمه و خارجی روی بیاورد. البته تبلیغ‌های خوبی هم برای آن کتاب‌ها می‌شود که این هم ظرفیتی است که کمتر در اختیار مولف‌های ما برای کتب تالیفی قرار می‌گیرد.»

کیفیت آثار تالیفی با رشد روبه‌رو بوده است

این کارشناس حوزه کودک و نوجوان افزود: «اگر بخواهم درکنار این هشدار یا تلنگر، به یک اتفاق خوب اشاره کنم باید بگویم که کیفیت کتاب‌های تالیفی در این چندسال خیلی بهتر شده و مبنای پژوهشی در این کتاب‌ها بیشتر نمایان است و تکرار و عامه‌پسند بودن کنار رفته و یک‌سری مباحث ایدئولوژیک که گنجاندن آن در کتاب برای قشر کودک و نوجوان واقعا سخت است به شیوه‌های هنرمندانه‌تری وارد ادبیات داستانی کودک و نوجوان شده است که اینها اتفاقات خوبی است که می‌افتد و به‌نظر من باید این اتفاقات خوب را شناسایی، گلچین، تقویت و به شیوه‌های مختلف حمایت کرد که از آنجا که قشر نوجوان با مدیا پیوند دارد و به رسانه آنقدر نزدیک هستند، ما باید حتما پیوست‌های رسانه‌ای، پویانمایی، پی‌نما و... برای این قشر در نظر بگیریم و زمانی که با کتاب خوبی آشنا می‌شویم که مفید و مناسب است حتما باید به‌سرعت سراغ پیوست رسانه‌ای آن برویم.»

با کتابی جذاب و مفید برای نوجوانان روبه‌رو هستیم

نفیسه‌سادات موسوی در معرفی کتاب چاپیدشاه، به قلم سپیده انوشه که به‌عنوان نامزد این جایزه انتخاب شده است، گفت: «جلد کتاب اولین نکته‌ای است که توجه افراد را برای خریدن یا نخریدن جلب می‌کند. تصویرسازی استفاده‌شده روی جلد کتاب برای نوجوانان به‌خودی خود جذاب است و فارغ از محتوایی که درحال نمایش است، تصاویر مختلفی را روی طرح جلد شاهدیم که حس طنز بودن را به مخاطب منتقل می‌کند و توجه او را به خود جلب می‌کند. نکته بعدی عنوان کتاب است که بازی واژگانی و آشنایی‌زدایی است و حس خوبی را به کشف بیشتر کودک و نوجوان می‌دهد. ما روی طرح جلد، علاوه‌بر اسم نویسنده و تصویرگر، اسم پژوهشگر اثر را نیز شاهد هستیم؛ با وجود اینکه سپیده انوشه، نویسنده و پژوهشگر تاریخ است اما از یک پژوهشگر دیگری بهره برده که این امتیاز بالایی برای این کتاب محسوب می‌شود.»

این کارشناس حوزه کودک و نوجوان افزود: «شیوه کتاب چاپید شاه مستندروایی است. پرداختن به تاریخ برای قشر بزرگسال هم کار چندان آسانی نیست؛ چراکه مساله تاریخ یک تیغ دولبه است؛ افراد یا به تاریخ علاقه‌مند هستند یا نمی‌توانند این کتاب‌ها را بخوانند و پس می‌زنند و روی خوش نشان نمی‌دهند. اینکه برای نوجوان بخواهیم تاریخ را به شیوه مستندنگاری بخواهیم بنویسیم، حتما کار دوچندان سختی است. من مدعی هستم اگر نوجوانان به‌درستی در معرض این کتاب قرار بگیرند و کتاب را به‌درستی به آنها معرفی کنیم و در اختیارشان قرار داده شود، خودشان مشتاق آن شده و به سمتش می‌روند.»

موسوی گفت: «این کتاب برای نوجوانان جذاب و مفید است؛ چراکه اتفاقاتی آورده شده که مستند است و شبهاتی که درباره پهلوی‌ها وجود دارد و گفته می‌شود و نوجوانان نیز ناخواسته بدون اینکه بخوانند و بدانند در معرض آن قرار می‌گیرند. خوبی‌هایی به پهلوی‌ها نسبت داده می‌شود که نوجوانان اطلاع دقیقی از مساله ندارند و فقط آن را تکرار می‌کنند. این کتاب روی وقایع و اتفاقات مهم دوران پهلوی اول و دوم دست گذاشته و شبهاتی را که نقل زبان نوجوانان و جوانان است، مطرح می‌کند و پاسخ می‌دهد. ما کتاب‌های پژوهشی بسیاری داریم اما وجه تمایز این کتاب نسبت به سایر آثار که برای نوجوان علاقه‌مندکننده است، این بوده که اقتضائات یک نوجوان را درنظر گرفته است. شاید نوجوان نسل امروز حوصله چندانی برای تاریخ و مستند خواندن نداشته باشد، از این رو این کتاب محتوا را برایش لقمه‌لقمه کرده و به‌صورت مصداقی به آن پرداخته شده است. این کتاب از محتواهای بصری و مدیای موردعلاقه نوجوانان درکنار متن بهره گرفته است. در کتاب اطلاع‌نگاشت‌ها و تصویرسازی‌های بسیاری را شاهد هستیم که به نوجوان کمک می‌کند درکنار هر چند صفحه‌ای که مطالعه می‌کند اطلاعات هوشمندانه‌ای و مطابق با سلیقه‌اش را به‌دست بیاورد. نویسنده این کتاب علاوه‌بر تاریخ‌پژوهش بودن یک نویسنده قدری هستند.»

چاپید شاه مصداق بارز جهاد تبیین است

موسوی با گریزی به بیانات اخیر مقام معظم رهبری درخصوص جنگ روایت‌ها و جهاد تبیین گفت: «این کتاب یکی از نمونه‌های بارز جهاد تبیین به نظر می‌رسد و در زمینه پهلوی یک جنگ روایت‌هاست. در جنگ روایت‌ها این مهم است که چه چیزی، به چه شیوه‌ای و توسط چه کسی روایت می‌شود. وقتی یک تاریخ‌پژوه روایت کند تفاوت بارزی نسبت به روایت یک معلم دینی برای نوجوان دارد و قابل‌تامل‌تر است. شیوه پرداختن به این روایت‌ها، اختصار و کوتاه بودن، ترکیب شدن تصویرسازی‌ها و اطلاع‌نگاشت‌ها و همچنین قلم طنز نویسنده با وجود اینکه درحال نگارش تاریخ است و این اثر را به شکل داستانی درآورده، موجب شده که این کتاب را به داستانک نمک‌دار درباره اتفاقات واقعی و تاریخ تبدیل کند. این کتاب با زبان و بیان موردقبول یک نوجوان نگاشته شده است. «چاپیدشاه» بدون جهت‌گیری، روایت‌گر اتفاقات است و در دل این روایت‌های واقعی بسیاری از شبهات بدون نیاز به تاکید و تصریح پاسخ داده شده است. مخاطب نوجوان با هویت انقلاب از شکل‌گیری تا اتفاق افتادن آشنا می‌شود و با مردمی بودن و زنده بودن و پویا بودن انقلاب را در این کتاب شاهد خواهد بود.»

مراحل انتخاب کتاب برتر و جوایز آن چیست؟

این جایزه به موضوع روایت صحیح از تاریخ انقلاب می‌پردازد و برای مقابله با تحریف تاریخ معاصر و جلوگیری از بزک کردن چهره پهلوی‌ها در سال ۹۶ تاسیس شده است. مهدی سلیمانی دبیر اجرایی این جایزه در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره فرآیند داوری جایزه شهید اندرزگو گفت: «در جایزه شهید اندرزگو، داوران هر بخش آثار برتر هر حوزه را معرفی می‌کنند و ما تمامی آثار معرفی‌شده توسط داوران را مورد تقدیر قرار می‌دهیم. در مرحله بعد و با هدف مشارکت بیشتر نخبگان در انتخاب آثار برتر هر حوزه، آثار معرفی شده توسط داوران را برای حدود ۳۰ نفر از اهالی فرهنگ، ادبیات و رسانه ارسال می‌کنیم و از آثاری که بیشترین آرای نخبگانی را کسب کرده باشند به‌طور ویژه تقدیر می‌کنیم. در این دوره آثاری که بیشترین آرا را کسب کنند، یک تندیس و لوح تقدیر، ۵۷ میلیون تومان جایزه نقدی و یک سفر عمره را از آن خود می‌کنند و دیگر نویسندگان، لوح تقدیر به علاوه ۴۲ میلیون تومان جایزه نقدی را دریافت خواهند کرد. علاوه‌بر این ضمن تقدیر از ناشران این آثار از هر کتاب هم عددی بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نسخه توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور خریداری می‌شود که جدا از نگاه حمایتی این جایزه از ناشر و نویسنده، امیدواریم با توزیع آثار در کتابخانه‌های عمومی و سطح کشور دسترسی به این کتاب‌های خوب و خواندنی تسهیل شود.»

چه آثاری منتخبان هیات‌های داوری دومین دوره جایزه شهید اندرزگو شدند؟

در بخش روایت تاریخ، از بین سه کتاب «مبارزه به روایت شهید اسدالله لاجوردی»، «ننگ‌سالی» و «پرده دوم»، کتاب «مبارزه به روایت شهید سیداسدالله لاجوردی» توانست بیشترین آرای هیات نخبگانی را دریافت کند. همان گونه که از عنوان کتاب معلوم است، این کتاب شامل زندگی یک شخصیت برجسته بوده و زندگی و کنش‌های اجتماعی او محور اصلی کتاب است. بخشی از خاطرات شهید لاجوردی به خواهش و اصرار دوستانش، طی مصاحبه‌هایی در نیمه دوم سال ۱۳۵۸ ضبط و ثبت شده و هم‌اکنون به همت انتشارات ایران و جواد اسلامی، نویسنده آن، می‌تواند به‌مثابه یک سند تاریخی استفاده شود. شهید لاجوردی در این خاطرات، ضمن ترسیم فضای مبارزاتی پیش از انقلاب، به نحوه آشنایی با جریانات مردمی انقلاب پرداخته و گوشه‌ای از فعالیت هیات موتلفه اسلامی را نیز به تصویر کشیده است. او در کنار ترسیم سابقه مستمر دستگیری در رژیم گذشته، به نوع برخورد رژیم با مردم انقلابی می‌پردازد و با جزئیات به شرح آنچه نیروهای شاه بر سر مردم کوچه و بازار آوردند، اشاره می‌کند. تشریح وضعیت خود در زندان و انواع شکنجه‌هایی که دیده و تقابل‌های موجود میان نیروهای مذهبی با اعضای سازمان مجاهدین خلق و مارکسیست‌ها، اوج روایت‌هایی است که شهید بیان کرده و نویسنده با ساده‌ترین کلمات آنها را برای مخاطب تدوین کرده است. یکی از بخش‌های کتاب که خواننده را به تأمل وامی‌دارد، پرداختن به زوایای تفکرات التقاطی سازمان مجاهدین خلق درباره موضوعات مختلف است.

در بخش کودک و نوجوان دو کتابی که نامزد این دوره بودند عبارتند از: «چاپیدشاه» و «بزرگ شدی ریزه میزه». هیات نخبگانی سومین دوره جایزه شهید اندرزگو بیشترین آرای خود را به کتاب «چاپیدشاه» داد و این اثر به‌عنوان منتخب این بخش معرفی شد. کتاب چاپید شاه یک اثر مستند از تاریخ حکومت پهلوی بر سرزمین‌مان است که قلم ساده، روان، صمیمی، جذاب و شیرین آن مخاطب را تا انتهای کتاب با خود همراه می‌کند. یکی دیگر از ویژگی‌های کتاب چاپید شاه این است که نویسنده در پایان هر فصل که براساس مستندات و پژوهش‌های تاریخ معاصر به نگارش درآورده، نکات اساسی و چکیده وقایع را به‌صورت اینفوگرافی‌هایی قرار داده تا به خوبی آنچه در تاریخ گذشته، در ذهن مخاطب ثبت کند. با اینکه چاپید شاه یک کتاب منبع نیست، باید به این موضوع اشاره کرد که به‌دلیل وجود اینفوگرافی‌های انتهای هر فصل، به یک کتاب مرجع تبدیل شده است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین ویژگی کتاب، خود نویسنده است؛ نویسنده‌ای که دهه هفتادی است و حتی امام(ره) را ندیده اما در مقابل جریان تطهیر پهلوی قرار گرفته و می‌کوشد تا از انقلاب اسلامی دفاع کند. او در این کتاب برای نوجوانان روشنگری کرده و آنان را به درک درست از تاریخ دعوت می‌کند.

داوران بخش داستان بلند و رمان بزرگسال از بین آثار راه‌یافته به دبیرخانه، پنج کتاب «چینی‌بندزن»، «داشی»، «فصل بی‌هراسی»، «فصل توت‌های سفید» و «گلوله فیروزه‌ای» را منتخبان هیات داوری دومین دوره جایزه شهید اندرزگو در بخش «داستان بلند و رمان بزرگسال» معرفی کردند. در این میان رمان «فصل توت‌های سفید» و «گلوله فیروزه‌ای» انتخاب نهایی نخبگان این بخش شدند. رمان «فصل توت‌های سفید» با ویژگی‌هایی همانند فضاسازی مطلوب، شخصیت‌پردازی مقبول، گره‌های داستانی متعدد، پیرنگ جذاب، زمان سازگار با روایت و... اثری چندوجهی به شمار می‌آید که هر مخاطبی را تا پایان داستان همراه می‌کند. زبان روان و شیوا از دیگر ویژگی‌های این کتاب است اما شاید مهم‌ترین ویژگی کتاب استفاده از واژگان خاص و ویژه به فراخور دهه ۵۰ و متناسب با هر شخصیت قصه باشد که نویسنده با ابتکار و تبحری شگفت از آن بهره برده است. کتاب با دایره واژگان گسترده و همچنین استفاده از اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های بسیار، مزین شده و این موضوع رمان سیده عذرا موسوی را چند پله بالاتر از کتاب‌های مشابه قرار می‌دهد. چنین آثاری می‌تواند جوانان ما را با جزئیات دوران ستمگری پهلوی آشنا کند. «گلوله فیروزه‌ای» عنوان اولین اثر داستانی فهیمه شهابیان‌مقدم است که به همت انتشارات کتابستان به رشته تحریر درآمده و رمانی گیرا و خواندنی را به لیست کتب تاریخ انقلاب اضافه می‌کند. این کتاب، روایتگر واپسین روزهای حکومت محمدرضا پهلوی در شهر بیرجند، زادگاه اسدالله علم، وزیر پرنفوذ سلطنت محمدرضاشاه است که از زبان دختری به نام فیروزه و از زاویه دید اول شخص روایت می‌شود و ماجرای انقلابی شدن یک طرفدار پهلوی را به تصویر می‌کشد. نقطه قوت داستان، روایت ساده و روزمره است. اگرچه کتاب با شروعی معمولی و به‌دور از هیجان آغاز شده و کمی به مذاق مخاطب تکراری به نظر برسد، اما شخصیت فیروزه و اتفاقات پیش‌رو، خواننده را غرق در داستان می‌کند.

جایزه‌ای که به دستان جوانان رسید

یکی از نکات قابل توجه در این جایزه توجه ویژه به نوقلمان و نویسندگان جوان است. این جایزه در دوره قبلی خود با تقدیر از هفت نوقلم در این حوزه نشان داد که به رویش‌های این بخش توجه ویژه‌ای دارد و براساس اعلام دبیر جایزه، در این دوره، آثار بیش از ۲۰ نوقلم به دبیرخانه رسیده است. علاوه‌بر این با نگاهی به آثار نامزد شده شاهدیم که در بین نامزدهای این جایزه سه نویسنده متولد دهه هفتاد وجود دارد که درباره انقلاب اسلامی و با هدف نشان دادن واقعیت‌های سیاه دوره پهلوی‌ها دست به قلم شده‌اند که دو نفر از آنان توانسته‌اند آرای هیات‌های نخبگانی را نیز کسب کنند و به‌عنوان اثر برتر معرفی شوند.

تجلیل از یک بانوی مجاهد

در مراسم اختتامیه جایزه ادبی شهید اندرزگو از همسر مجاهد این شهید، کبری سیل‌سه‌پور نیز تجلیل شد. کبری سیل‌سه‌پور که در مقاطع بسیاری همراه شهید اندرزگو بوده و همراه با این چریک مبارز سختی‌ها و مشقات فراوانی را تحمل کرده است. چندی پیش کتاب خاطرات این بانوی مجاهد در انتشارات ایران چاپ و منتشر شده است.

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
سردبیر:
مسعود فروغی
تلفن وفکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری
روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم